

ماهنامه اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری استانی

بابک نگاهداری :

بحث حکمرانی مردمی
در حوزه های کشاورزی،
آب و محیط زیست
اهمیت راهبردی دارد

هم افزایی برای توسعه

بررسی همکاری اندیشکده های
حکمرانی قانونگذاری دراستانداری ایلام

گفتگو با حمزه صفریگی :

رسالت بنیادی اندیشکده ها،
بهبود و تعالی کیفیت حکمرانی،
قانون گذاری و همچنین ارتقای
فرآیندهای سیاست گذاری و
تصمیم گیری در تمامی سطوح
حاکمیتی است

سید موسی پور موسوی :

آمایش سرزمین
و نظام قانونگذاری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راه حکمرانی

بهار ۱۴۰۴ / شماره سوم

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول:

دبیرخانه اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری

شورای سیاست‌گذاری:

حمزه صفریگی-سیدموسی پورموسوی-مرتضی کامل نواب-اکبر کاظم زاده-سید حسن سیفی-حسن بهاروند-بهروز طهماسب کاظمی-مهدی عبدالحمید-علی اصغر گلچی-مهدی پندار

سردبیر:

حمزه صفریگی

دبیر تحریریه:

معصومه کارخانه

گرافیک و صفحه‌آرایی:

مریم بشیری

اعضای تحریریه این شماره:

دکتر پورموسوی، حمزه صفریگی، فاطمه محمدبیگی، بهروز طهماسب کاظمی، راضیه اکبری، مجید سرون، افسانه دلشاد، معصومه کارخانه

چاپ:

انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس

فهرست

سر مقاله

۴

- آمایش سرزمین و نظام قانونگذاری در ایران/ ۴

مباحثه

۷

- گفتگو با جناب دکتر حمزه صفریگی/ ۷

اخبار اندیشکده

۱۰

- نشست تخصصی قانونگذاری و حکمرانی با موضوع بررسی نাত্রازی‌های اقتصادی و تدوین استراتژی‌های بهبود/ ۱۰

گزارش نشست

۱۲

- الگوی مشارکت مردمی در بخش‌های آب، کشاورزی و محیط زیست / ۱۲
- هم افزایی برای توسعه/ ۲۱
- نشست روسای پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌های خراسان رضوی/ ۲۳

گزارش علمی

۲۴

- حکمرانی و سیاستگذاری در حوزه زنان و خانواده/ ۲۴
- نظام حکمرانی دموکراتیک مقتدر/ ۲۸
- نقش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی به منظور تحقق شعار سال: سرمایه‌گذاری برای تولید/ ۳۲
- بررسی و هم‌اندیشی پیرامون: چالش‌ها و مسائل فرهنگی و اجتماعی یزد/ ۳۷
- کاربست نظارت و ارزیابی در حوزه حکمرانی و قانونگذاری در قیاس با الگوهای بین‌المللی/ ۴۴
- گزارش بررسی قانون برنامه هفتم/ ۴۷
- تطبیق برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی استان همدان و قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران/ ۵۵

آمایش سرزمین و نظام قانونگذاری در ایران

دکتر پور موسوی

مناور رئیس مجلس و عضو شورای راهبری اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری



۵. محیط زیست و منابع طبیعی.
تمرکززدایی و تغییر الگوی شبکه شهری و پیاده سازی مطلوب نظام سکونت گاهی.
۶. حفظ و جذب جمعیت در روستاها و ارتقاء گردشگری در مناطق مختلف کشور.
۷. توسعه شبکه ملی اطلاعات، ارتقاء ارتباطات بین المللی، سازماندهی و پیوستگی شبکه حمل و نقل.
۸. افزایش جمعیت، توسعه فعالیت جمعیت در مناطق مرزی، جزایر و سواحل جنوبی.
۹. ارتقاء سرمایه اجتماعی و نظام حکمرانی عدالت محور و مردم گرا، تقویت انسجام ملی و هویت ایرانی-اسلامی.

۱. اسفند ۱۳۹۹ ش. مصوب شد. این سند، با ترسیم توسعه فضایی سرزمین، راهبردها و سیاست های سرزمینی را مشخص کرده است. اهم آن به شرح زیر است.
۱. ایجاد و ارتقاء پیوندها و مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با کشورهای منطقه و جهان.
۲. تقویت نقش مفصل کشور در شبکه گذرراه های ترانزیتی، منطقه ای و بین المللی.
۳. ارتقاء جایگاه بین المللی کشور، در بازارهای جهانی و زنجیره های جدید تولید.
۴. ارتقاء بهره وری، تنوع بخشی به منابع انرژی و سازگاری توسعه با



و فرهنگی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و تولید قدرت به شمار می‌آید. حال، اگر بدون در نظر گرفتن این خصوصیات، به قانونگذاری بپردازیم، حقیقت بزرگی را در مسیر تدوین اسناد پیشرفت، پنهان کرده‌ایم. با نگاهی گذرا به تأثیرگذاری آمایش سرزمین بر تدوین و تصویب اسناد قانونی، در می‌یابیم که این مهم، سیاست‌های کلان را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد.

چنانچه در تدوین سیاست‌های کلان، پهنه‌های کلان طبیعی و انسانی کشور مدنظر قرار گیرد، سیاست‌های شهرسازی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و نیز سیاست‌های کلان امنیتی و نظامی با ملاحظات اصول آمایش سرزمین، پیوند می‌خورند. با این نگرش و پس از تبیین سیاست‌های کلان، قانونگذاری با رعایت الزامات سرزمینی، به یک رویکرد مسلط تبدیل خواهد شد. چنانکه گفتیم تفاوت‌ها و مشابهت‌های زیست‌محیطی در پهنای سرزمینی ایران به الگوی سنجش عملکرد قانون تبدیل می‌شود؛ به همین سبب در کشور ما، نمی‌توان با الگوی ثابت در همه استان‌ها، حکمرانی مطلوب داشت. تجربه شکل‌گیری و توسعه ساختار دولت در سرزمین و عملکرد نهادهای قانونی در کشور، نشان می‌دهد میزان هدررفت منابع با شیوه‌هایی که ساختار موجود با خود همراه کرده است، بیش از حد تصور ما است؛ به همین خاطر، زمانی که از ناترازی صحبت می‌کنیم، شایسته است از علل پایه‌ای ناترازی‌ها به فرآیندهای قانونگذاری، نظارت و بازخوردهای مبتنی

۱۰. تأمین امنیت همه‌جانبه و رعایت ملاحظات و الزامات دفاعی و پدافند غیر عامل در استقرار جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین.

هدف نویسنده، تبیین و تشریح مبانی و محتوای سند ملی آمایش سرزمین و تحلیل وضعیت آمایش سرزمین استان‌ها نیست، البته این موضوع به بحث مستقلی نیاز دارد تا میزان اثرگذاری سند متنوع آمایش استانی ارزیابی شود، اما واقعیت این است که در کشور ما، علاوه بر اینکه دستگاه‌های اداری با هم و در یک سیستم عملکردی ناهمخوان، گاه استهلاک‌زا می‌شوند، اسناد قانونی نیز در یک راستا، قابل خوانش نیستند؛ از اینرو الزامات اساسی تولید سند جدید، بررسی اسناد مصوب گذشته و تبیین اثرگذاری برای بالا بردن دامنه هم‌افزایی و کاهش هدررفت منابع است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، اغلب اسناد قانونی نسبت به هم در جهت تأمین اهداف پیشرفت کشور، دچار عقب‌ماندگی تاریخی است. به‌رغم تلاش قابل ستایش نهادهای قانونگذاری، انبوهی از قوانین از تنقیح بازمانده و این عارضه، سبب ایجاد حکمرانی نامطلوب شده است. از این حیث، آمایش سرزمین را واجد توجه ویژه می‌دانیم؛ چراکه پیشران توسعه فضایی و پایه بسیاری از تحولات مثبت در مقیاس سرزمین است. ایران، کشور پهناور با مساحتی بالغ بر ۱۸۰۰۰۰ هزار کیلومتر مربع، از تنوع اقلیمی منحصر به فردی، برخوردار است. این تنوع، به همراه ویژگی‌های اجتماعی

بر اجرای قانون نیز توجه کنیم نقطه آغازین دگرگونی‌های سطح ملی و محلی، تولید سند تحولی معطوف به آینده‌ای قابل لمس و واقعی است؛ بی‌تردید مبنای نظری چنین رویکردی، توجه همه‌جانبه به آمایش سرزمین خواهد بود. تجارب مطلوب برخی کشورها در این زمینه، می‌تواند موضوع بحث باشد که در این نوشتار، فرصت طرح آن نیست.

مدیریت سرزمین در ایران، موضوع پیچیده و چندوجهی است؛ با نگاهی به تاریخ سیاسی ایران درمی‌یابیم دغدغه اصلی ایرانیان، حفظ تعادل در فضای داخلی فلات و هماهنگ‌سازی سرمایه‌های داخلی با خارج از فلات ایران بوده است. ایرانیان در طول حیات اجتماعی و سیاسی خود، همواره از خلاقیت و نوآوری شگفت‌انگیزی برخوردار بوده‌اند و عامل الهام‌بخشی برای سرزمین‌های مجاور به شمار می‌آمده‌اند. قانون تقسیم آب در ایران باستان و شیوه‌های آبیاری مبتنی بر آن، از شگفت‌انگیزترین روش‌های مدیریت و تخصیص منابع آب است. با نگاهی به ابتکار ایرانیان در مدیریت منابع سرزمین، درمی‌یابیم که متغیر نخست در تدوین قانون و اجرای آن، آمایش سرزمین است؛ بنابراین اصول آمایش سرزمین در تدوین قوانین، عنصر مؤثر و متغیر مستقیمی خواهد بود. از منظر تاریخی نیز، چنین رویکردی عقلانی و مفید است. توصیه ما به قانونگذاری در فرآیند تدوین تا نظارت بر اجرای دقیق محتوای قانون،

توجه به توان محیطی و قدرت حاصل از روابط انسان و محیط، در دو سطح ملی و محلی است

از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عدالت را محور تمام فعالیت‌های سرزمین قرار داده است، عدالت فضایی، موضوعیت ویژه‌ای می‌یابد و بر همین اساس، توان محیطی در هر استان، تدوین اسناد پیشرفت و زمینه‌ساز شکوفایی ملی خواهند بود. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، سال جاری را با نام «سرمایه‌گذاری برای تولید» نام نهادند؛ چنانکه خواهیم با اتکا به توان داخلی برای توسعه تولید و در نهایت پیشرفت پایدار کشور برسیم، بهره‌گیری از توان محیطی مناطق مختلف کشور گزینه برتر، خواهد بود. در نتیجه، اگر اهتمام نهاد قانونگذار به شناخت و بهره‌گیری از قواعد آمایش سرزمین استوار شود، قانون اثرگذار تصویب خواهد شد و نظارت برای اجرای آن نیز، عملیاتی خواهد شد

در این خصوص، ابتکار مجلس شورای اسلامی به تأسیس و تقویت اندیشه‌های حکمرانی و قانونگذاری، گام نخست در بهره‌گیری از توان‌های علمی، فنی و کارشناسی در مقیاس محلی برای پیشرفت همه‌جانبه سطح ملی است. اندیشه‌های استانی، فرصت کم‌نظیری پیش روی نهادهای حاکمیتی قرار می‌دهند تا با شناخت دقیق توانمندی‌های مناطق مختلف کشور، مسیر مردمی‌سازی و مشارکت فراگیر نخبگان در فرآیندهای قانونگذاری را هموار و در نتیجه سازگار با محیط محلی به تصویب خواهند رسید



حمزه صفریگی

دبیر اندیشکده‌های حکمرانی و
قانونگذاری مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی



مطالب متن پیش‌رو، حاصل گفتگو با جناب آقای دکتر صفریگی است که اخیراً مسئولیت دبیری اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی را عهده‌دار شده‌اند. این انتصاب، فصل جدیدی را در فعالیت اندیشکده‌ها رقم می‌زند. اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی، به عنوان مراکزی برای تولید فکر، تبادل نظر نخبگان و ارائه راهکارهای کارآمد، به منظور ارتقای سطح مدیریت و تدوین قوانین مؤثر، نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کنند. این مصاحبه، فرصت مغتنمی است تا ضمن تبریک به آقای دکتر صفریگی برای پذیرش این مسئولیت خطیر، از نقطه‌نظرات ایشان برای پیشبرد اهداف اندیشکده‌ها در دوره جدید مدیریتشان آگاه شویم.

۱. چه انگیزه‌ای سبب شد که به اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری پیوندید و دبیری آن را بر عهده بگیرید؟

علاقه بنده به حوزه سیاست‌گذاری کارآمد و حکمرانی مبتنی بر دانش، مهم‌ترین علت حضورم در این عرصه بوده است. انگیزه پیوستن به عرصه اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری، ریشه در دغدغه عمیق اینجانب نسبت به ارتقای کیفیت حکمرانی در کشور دارد و همچنین در راستای آرمان‌های بیانیه گام دوم انقلاب، صورت گرفته است؛ با توجه به تأکید این بیانیه بر اهمیت حلقه‌های

واسط میان مردم و مسئولین، اندیشکده‌ها را بستر ایده‌آلی برای ایفای این نقش می‌دانم؛ این نهادها، با تکیه بر پژوهش و تحلیل‌های تخصصی، قادر هستند ضمن شناخت مسائل جامعه و انتقال آن به سیاست‌گذاران، به تبیین سیاست‌ها برای عموم جامعه بپردازند و فضای گفت‌وگوی فیمابین را ایجاد کنند و از این طریق در تقویت ارتباط دوسویه، افزایش شفافیت و بهبود تصمیم‌گیری‌ها در راستای پیشرفت و آبادانی کشور، سهیم باشند

۲. اهم اهدافی که اندیشکده در راستای این دغدغه دنبال می‌کند، چیست؟

۳. اهمیت، ضرورت و کارکرد اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری را در نظام حکمرانی کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در دنیای پیچیده امروز، تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نیاز به پشتوانه علمی و تحلیلی قوی دارند. اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری، دقیقاً در همین نقطه، به ایفای نقش می‌پردازند. اهمیت آنها در ارائه دیدگاه‌های مستقل و غیرجانبدارانه، ضرورت آنها در کاهش اتکا به رویکردهای صرفاً تجربی و افزایش احتمال موفقیت سیاست‌ها و کارکرد آنها در تولید ایده‌های نو، نقد سازنده سیاست‌های موجود و ارائه راهکارهای عملی برای حل مسائل است. اندیشکده‌ها، می‌توانند با انجام پژوهش‌های عمیق و چندوجهی، ابعاد مختلف یک مسئله را روشن کرده و به سیاست‌گذاران کمک کنند تا تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند.

همچنین، اندیشکده‌ها با ایجاد ارتباط در حوزه نظر و عمل، می‌توانند یافته‌های پژوهشی را به زبان سیاست‌گذاران ترجمه کرده و زمینه اجرای آنها را فراهم سازند.

۴. چه چشم‌اندازی را برای آینده اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری در ایران، متصور هستید؟

با در نظر گرفتن اهمیت روزافزون نقش حلقه‌های واسطه در نظام حکمرانی و با توجه به کارکردهای رو به رشد اندیشکده‌ها در شناخت مسائل، ایجاد تعامل و ارتقای کیفیت سیاست‌گذاری، چشم‌انداز آینده اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری در ایران، روشن و امیدوارکننده به نظر می‌رسد. انتظار می‌رود که اندیشکده‌ها به تدریج جایگاه

با توجه به اهمیت نقش حلقه‌های واسطه در نظام حکمرانی، اندیشکده‌ها اهداف متعددی را دنبال می‌کنند که همگی در راستای تقویت نقش واسطه‌ای و ارتقای کیفیت حکمرانی قرار دارند. نخستین هدف اساسی، شناخت دقیق و عمیق مسائل و چالش‌های پیش روی جامعه و نظام حکمرانی است. اندیشکده‌ها با انجام پژوهش‌های تخصصی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های نخبگان، تلاش می‌کنند تا ابعاد مختلف مسائل را درک کرده و تصویر روشنی از وضعیت موجود ارائه دهند. این شناخت دقیق، بنیانی برای ارائه راهکارهای مؤثر و عملی به سیاست‌گذاران خواهد بود.

دومین دسته از اهداف اندیشکده‌های حکمرانی، ایجاد بستر برای تعامل و گفت‌وگوی سازنده میان مردم، نخبگان و مسئولین است. این نهادها با برگزاری نشست‌ها، همایش‌ها، کارگاه‌ها و انتشار آثار پژوهشی، فضایی را فراهم می‌آورند تا دیدگاه‌های مختلف مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گیرد. این تعامل دوسویه، ضمن افزایش آگاهی عمومی نسبت به مسائل حکمرانی، به مسئولین نیز کمک می‌کند تا از نظرات و دغدغه‌های جامعه آگاه شده و سیاست‌های خود را بر این اساس تنظیم نمایند.

در نهایت، هدف غایی اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری، ارتقای کیفیت سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف حکمرانی از طریق ارائه تحلیل‌های دقیق، راهکارهای مبتنی بر شواهد و مشاوره‌های تخصصی است. این مقوله به حل مسائل کشور، افزایش کارآمدی نظام حکمرانی و تحقق اهداف توسعه‌ای کمک شایانی نماید.



شهروندان و پیشرفت همه‌جانبه کمک نماید در پایان این گفتگو، مایلم بر چند نکته کلیدی تأکید کنم

نخست اینکه؛ صمیمانه از تمامی نخبگان و خبرگان در سراسر ایران دعوت می‌کنم تا با حضور پرشور خود در جمع خانواده بزرگ اندیشکده‌ها، ما را در این مسیر خطیر یاری رسانند

رجای واثق دارم که هم‌افزایی دانش و تجربه شما، گام بلندی در جهت ارتقای حکمرانی و قانونگذاری در کشور خواهد بود. **دوم**؛ اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری، با آغوش باز از ایده‌های نو و فاخر اندیشمندان در اقصی نقاط میهن عزیزمان استقبال می‌کند. بر این باوریم که پویایی و بالندگی نظام فکری کشور، در گرو گوش فرادادن به فریادهای متنوع و بهره‌مندی از دیدگاه‌های بدیع است.

سوم؛ در راستای تعمیق اثرگذاری و گسترش دامنه فعالیت‌ها، حضور فعال اندیشکده‌ها در حوزه‌های انتخابیه شهرستانی را در دستور کار داریم

معتقدیم که شناخت دقیق ظرفیت‌های محلی و بهره‌گیری از توانمندی‌های بومی، می‌تواند راهگشای بسیاری از چالش‌های منطقه‌ای باشد و در نهایت، هدف غایی ما، بسترسازی مناسب جهت حضور نخبگان در حوزه‌های تخصصی گوناگون است و تلاش می‌کنیم تا با ایجاد سازوکارهای کارآمد، زمینه را برای نقش‌آفرینی مؤثر و هدفمند صاحبان فکر و اندیشه در فرآیند تصمیم‌سازی کشور فراهم آوریم

امیدواریم با همراهی شما فرهیختگان، بتوانیم گام مؤثری در جهت اعتلای ایران اسلامی برداریم

محوری‌تری در فرایندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری کشور پیدا کنند. با افزایش کارکرد و تخصصی‌شدن فعالیت‌های پژوهشی، اندیشکده‌ها قادر خواهند بود تا تحلیل‌های عمیق‌تر و راهکارهای عملی‌تری برای چالش‌های پیچیده حکمرانی ارائه دهند و به عنوان مشاوران امین و آگاه در کنار نهادهای اجرایی و قانونگذاری قرار گیرند. همچنین، با تقویت ارتباطات با مراکز علمی و پژوهشی و بهره‌گیری از تجارب جهانی، اندیشکده‌های استانی، می‌توانند نقش مؤثرتری در تبادل دانش و ارتقای سطح حکمرانی در کشور ایفا نمایند و به تحقق اهداف والای انقلاب اسلامی یاری رسانند

۵. با توجه به تمرکز اندیشکده شما بر سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی اقتصادی، توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی، آیا فکر می‌کنید، اندیشکده‌ها می‌توانند در گره‌گشایی از اهم مسائل استانی ثمربخش و اثرگذار باشند؟

با توجه به مطالب بیان شده، معتقدم، اندیشکده‌ها پتانسیل بالایی برای ثمربخشی و اثرگذاری در مسائل مهم استانی دارند. مسائل استانی، اغلب دارای ابعاد بومی و منطقه‌ای خاصی هستند که نیازمند بررسی‌های دقیق متناسب با شرایط همان منطقه است. اندیشکده‌ها در استان، می‌توانند با تمرکز بر چالش‌ها و فرصت‌های ویژه هر استان، پژوهش‌های کاربردی انجام داده و راهکارهای سیاستی بومی‌سازی شده‌ای را به مدیران و سیاست‌گذاران محلی ارائه دهند

این امر، می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر، تخصیص بهینه منابع و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مؤثرتر در سطح استان



گزارش ویژه: نشست تخصصی قانونگذاری و حکمرانی با موضوع بررسی ناترازی‌های اقتصادی و تدوین استراتژی‌های بهبود

نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، در ابتدای این نشست، با مرور بر شاخص‌های کلان اقتصاد ایران، بر اقتصاد تک‌محصولی و وابستگی شدید به درآمدهای نفتی به عنوان ویژگی بارز اقتصاد کشور، تأکید کرد. وی، خاطرنشان ساخت که تأمین عمده ارز کشور به جای بخش خصوصی و آحاد جامعه، بر عهده دولت بوده و درک این «زیست نفتی» برای تحلیل شرایط حکمرانی ضروری است و با اشاره به دوران وفور درآمدهای نفتی پیش از دهه ۹۰، تصریح کرد که این وضعیت موجب شکل‌گیری دولتی «رفاه‌گرا» و توزیع‌کننده» به جای دولت «پیشرفت‌گرا» شده است. وی افزود که درآمدهای نفتی به جای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشور، عمدتاً در قالب یارانه‌های مختلف، توزیع شده و از این طریق، تورم، سرکوب و واردات ارزان، انجام شده است. همچنین، طرح‌های عمرانی غیر اقتصادی و استخدام‌های غیر بهره‌ور در نظام اداری و ناپایداری نظام بازنشستگی، از دیگر پیامدهای این رویکرد بوده است. رئیس مرکز پژوهش‌ها، ناکارآمدی نظام مالیاتی به دلیل اتکا به درآمدهای نفتی را از دیگر

نشست تخصصی «قانونگذاری و حکمرانی اقتصادی؛ چالش‌ها و راهبردهای رفع ناترازی و برقراری توسعه اقتصادی پایدار» به همت اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی، در تاریخ ۵ اسفند ۱۴۰۳ ش. در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در این نشست، که در ۵ محور؛ نقش قانونگذاری در رفع ناترازی‌های اقتصادی، بررسی چالش‌های حکمرانی اقتصادی و ارائه مسیرهای اصلاحی، سیاست‌های کلان مجلس برای دستیابی به توسعه پایدار، اصلاح ساختارهای مالی، بانکی و سرمایه‌گذاری، همکاری و هم‌افزایی میان سیاست‌گذاران بخش خصوصی و دانشگاهیان با حضور دکتر بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، دکتر مصطفی نخعی، عضو کمیسیون انرژی مجلس، دکتر حاکم ممکن، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، دکتر فتح‌الله یاری، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و جمعی از اساتید و کارشناسان برجسته برگزار شد، ابعاد مختلف چالش‌های اقتصادی کشور و راهکارهای برون‌رفت از وضعیت کنونی، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. دکتر



از اقتصاد تک‌محصولی، ایجاد ارزش افزوده برای منابع طبیعی، تغییر در سبک زندگی و انتظارات مردم و ضرورت وفاق و همبستگی ملی دانست و پیشرفت ایران را نیازمند دولت توانمند و جامعه قوی، عنوان کرد

دکتر مصطفی نخعی نماینده مردم نهبندان و سربیشه استان خراسان جنوبی و عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در این نشست، با تأکید بر عدم وجود خلاء قانونی برای اقدامات اجرایی، خواستار همگرایی بین مسئولین و نهادهای مختلف برای حل ناترازی‌های موجود شد. وی، با اشاره به همراهی مجلس با دولت، انتظار تلاش بیشتر دولت در تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه را ابراز داشت

دکتر حاکم ممکن، نماینده مردم ارومیه و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، با تحلیل حقوقی قوانین اقتصادی کشور، بر وضوح قوانین در این حوزه تأکید کرد و «عدم پایداری قوانین و بی‌ثباتی در قانونگذاری» را عامل آسیب‌زا دانست. وی، بر ضرورت ثبات نظام قانونی کشور تأکید کرد

دکتر حمزه صفریگی، دبیر اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری، در سخنانی با تأکید بر اهمیت سرمایه انسانی و ظرفیت نخبگان در پیشبرد اهداف توسعه‌ای کشور، تصریح کرد: نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از سرمایه غنی انسانی، توجه ویژه به ظرفیت‌های نخبگان، ایجاد سازوکارهای مؤثر برای همراهی نهادهای مختلف با عموم مردم و در نهایت، شکل‌دهی به همبستگی نخبگانی منسجم، قادر خواهد بود تا گام‌های اساسی و مؤثری در جهت رفع موانع ساختاری اقتصاد ملی برداشته و به طور پیوسته و هدفمند در مسیر تحقق توسعه پایدار و پیشرفت همه‌جانبه ایران اسلامی حرکت نماید. وی، با اشاره به نقش محوری نخبگان در فرآیند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری، خاطرنشان ساخت: خوشبختانه، ظرفیت نخبگانی ارزشمندی در قالب اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری شکل

چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران برشمرد و تأکید کرد کمبود درآمدهای نفتی، همواره با خلق پول، جبران شده است. وی، توزیع رانت و منابع نفتی با انگیزه‌های کوتاه‌مدت سیاسی را عامل از بین رفتن تولید رقابت‌پذیر و افزایش تورم دانست و به ناترازی در حوزه انرژی و عدم بهره‌گیری صحیح از پنجره فرصت جمعیتی جوان کشور، اشاره کرد. در ادامه به پیامدهای اجتماعی این تحولات اقتصادی پرداخت و بیان داشت، توزیع منابع بدون نقش‌آفرینی مردم در پیشرفت کشور و عدم شکل‌گیری طبقه متوسط، منجر به شکاف طبقاتی، عدم توازن در توزیع امکانات و افزایش مهاجرت‌های داخلی شده است. وی، همچنین تصریح کرد نقش توزیع‌کنندگی دولت، رقابت برای کسب مسئولیت‌های دولتی و به تبع آن، افزایش فساد و امنیتی شدن فضای اقتصادی و اداری را به دنبال داشته است

با اشاره به تغییر شرایط از ابتدای دهه ۹۰ و تحولات بین‌المللی، دکتر نگاهداری، کاهش درآمدهای نفتی و به هم خوردن رابطه دولت و ملت را از پیامدهای این تحولات و دگرگونی‌ها دانست. وی، رشد اقتصادی منفی، جهش‌های ارزی، افزایش کسری بودجه و ناترازی نظام بانکی، افزایش تورم و نرخ فقر و کاهش شدید توان سرمایه‌گذاری دولت و درآمد سرانه ایرانیان را از نتایج این وضعیت برشمرد. افزایش نارضایتی عمومی و افول جایگاه بین‌المللی ایران، از دیگر موارد مورد نظر رئیس مرکز پژوهش‌ها بود

دکتر نگاهداری، در پایان سخنان خود بر ضرورت تمرکز بر چند محور اساسی از جمله؛ معکوس کردن روند فرسایشی قدرت اقتصادی ایران، بازنمایی قدرت منطقه‌ای و جانمایی در اقتصاد بین‌المللی و زنجیره ارزش افزوده و تبدیل نمودن پیشرفت و توسعه ایران، به دغدغه اصلی مسئولین تأکید کرد. وی، تحول در کشور را به معنای تغییر ریل حکمرانی از دولت توزیع‌گرا به دولت توسعه‌گرا، خروج

گرفته است. این مجموعه، متشکل از اندیشمندان، پژوهشگران و متخصصان دلسوز، با درک عمیق از چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی کشور، تمام توان و ظرفیت خود را در جهت تحقق اهداف والای توسعه پایدار و پیشرفت ایران اسلامی به کار گرفته‌اند و می‌توانند به عنوان بازوی فکری و مشورتی قدرتمند برای نهادهای حاکمیتی عمل نمایند.

در ادامه این نشست تخصصی، جمعی از اساتید برجسته دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران حوزه حکمرانی و اقتصاد، به بیان دیدگاه‌های کارشناسی و تحلیل‌های عمیق خود پیرامون محورهای کلیدی نشست پرداختند. این تبادل نظر سازنده و چندجانبه، ضمن غنا بخشیدن به مباحث مطرح شده، زوایای مختلف چالش‌های پیش‌روی کشور و راهکارهای پیشنهادی برای فائق آمدن بر آن‌ها را روشن‌تر ساخت و بر اهمیت تداوم چنین نشست‌هایی در راستای هم‌افزایی فکری و ارتقای سطح حکمرانی در کشور تأکید شد.

الگوهای مشارکت مردمی در بخش‌های آب، کشاورزی و محیط‌زیست

حکمرانی و قانونگذاری استان البرز، معاون مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، تعدادی از مسئولان استانی و دانشگاهی و پژوهشگران حوزه آب، کشاورزی و محیط‌زیست در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، برگزار شد.

حکمرانی با حکومت‌داری، متفاوت است؛ حکومت‌داری، بیشتر امر دستوری و از بالا به پایین است، در حالی که حکمرانی از پایین به بالا است. مردمی‌سازی، شاه‌کلید برون‌رفت از مشکلات کشور است.

دکتر بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بیان داشت: «اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی با هدف احصای نظرات اساتید، صاحب‌نظران و نخبگان استان‌ها درباره مسائل مربوط به مجلس ایجاد شده‌اند.» وی، با اشاره به نقش مهم این اندیشکده‌ها در موضوعات با برش استانی

به همت اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان قزوین، سمینار تخصصی «الگوهای مشارکت مردمی در بخش‌های آب، کشاورزی و محیط‌زیست» در محورهای نقش مشارکت مردمی در حکمرانی آب، ظرفیت‌های قانون برنامه هفتم پیشرفت در حوزه مشارکت مردمی در حکمرانی آب، الگوهای مفهومی و عملی مشارکت اجتماعی در فعالیت‌های بخش آب وزارت نیرو، دستورالعمل مدیریت مشارکتی آب، چالش‌ها و راهکارهای مشارکت مردمی، خود اجرایی سامانه‌های آبیاری تحت فشار و روش‌های تأمین و تجهیز مالی با تأکید بر سرمایه‌گذاری غیردولتی و هوشمندسازی کشاورزی در روز سه‌شنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ از ساعت ۸ تا ۱۸ با حضور نمایندگان مردم قزوین در مجلس شورای اسلامی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاون پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس، دبیر اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی، معاون آب و آبفای وزیر نیرو و مدیرعامل شرکت مدیریت مابع آب ایران، معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی، دبیر اندیشکده



گذشته نتوانستیم این نقش را در سطوح تصمیم‌گیری، مطالبه‌گری و نظارت فعال کنیم و مشارکت مردم فقط در بخش‌هایی از اجرا بوده است

دکتر نگاهداری، با یادآوری رهنمود رهبر معظم انقلاب درباره مردمی‌سازی اقتصاد ملی، افزود: «این خواسته مقام معظم رهبری، فرصت خوبی است تا بتوانیم حکمرانی مردمی را در چهار سطح یادشده احیا کنیم و از ظرفیت این مشارکت برای توسعه حوزه آب، کشاورزی و محیط زیست نیز استفاده کنیم. باید درباره ضرورت مردمی‌سازی بین مردم و مسئولان در کشور، وحدت و وفاق ایجاد کنیم و این نکته باید تبیین شود که مردمی‌سازی، شاه‌کلید برون‌رفت از مشکلات کشور است و دیگر نمی‌توان فقط به سازوکارهای ناتوان بروکراتیک دولتی اکتفا کرد و باید برای مردمی‌سازی در کشور، وحدت و انسجام فکری شکل گیرد.»

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، با تأکید بر لزوم حذف قوانین دست‌وپاگیر برای مردمی‌سازی گفت: «تیاژ داریم برخی قوانین را اصلاح کنیم تا موانع فراگیر مردمی‌سازی را حذف کنیم و همچنین نیازمند تصویب قوانین تازه‌ای هستیم که سازوکارهای مردمی‌سازی را در همه سطوح، مهیا کند. همچنین برخی ساختارهای کشور برای غنی‌سازی حکمرانی مردمی، باید تغییر و اصلاح شوند و در این مسیر، حلقه‌های میانی و تشکلهای مردمی باید آموزش دیده، توانمند و تقویت شوند تا بتوانند نقش مناسبی در حکمرانی مردمی، ایفا کنند. باید توجه ویژه‌ای به فعالیت حلقه‌های میانی در حوزه‌های حکمرانی آب، کشاورزی و محیط زیست کنیم و در این زمینه نباید از فعالیت‌های تبیینی، ترویجی و رسانه‌ای غافل شویم و لازم است، روایت‌های موفق از نمونه‌های

افزود: برای نمونه، اندیشکده‌ها می‌توانند در مباحث بودجه استان، برنامه ۵ ساله و آمایش‌های سرزمینی با برش استانی و تدوین قوانین محلی و منطقه‌ای، ورود کنند و نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. وی، با بیان اینکه از نقش اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استان قزوین، رضایت داریم، اضافه کرد: «اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی، خط مستقیم ارتباط بین مجلس شورای اسلامی با صاحب‌نظران دانشگاهی در هر استان است و موضوعات مطروحه توسط این اندیشکده‌ها به سرعت در مجلس پیگیری می‌شود.»

دکتر نگاهداری ادامه داد: بحث حکمرانی مردمی و موضوعات آب، کشاورزی و محیط زیست که محوریت این همایش را شکل می‌دهد، برای کشور ما از اهمیت راهبردی برخوردار است؛ باید توجه کنیم که حکمرانی با حکومت‌داری فرق دارد و حکومت‌داری بیشتر امر دستوری و از بالا به پایین است، در حالی که حکمرانی از پایین به بالا است. در حکمرانی، به جای ابلاغ سیاست‌ها از بالا به پایین، بحث اقتناع و مشارکت مردم مطرح است و شبکه اطلاعاتی بین مردم، نقش اصلی را در شکل‌گیری حکمرانی دارد و امروز، همه کشورها به این نتیجه رسیدند که رویکردهای از بالا به پایین و مبتنی بر توانمندی دولت‌ها، دیگر توان حل مسائل پیچیده جوامع امروزی را ندارد و باید به سمت تکثیر ریزنهادهای مردمی موفق، برویم تا بتوانیم در عرصه‌های مختلف توسعه کشور از جمله آب و محیط زیست، موفق شویم.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، با ذکر این نکته که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در توسعه مشارکت مردمی، نقش عالی دارد، افزود: در قانون اساسی ما، نقش مردم در چهار سطح تصمیم‌گیری، نظارت، مطالبه‌گری و اجرا دیده می‌شود که البته در سال‌های

آب از سد زیاران به ۱۴ شهر و ۱۹۴ روستا برنامه‌ریزی شد و در حال حاضر، ما توانستیم با کانال آب مادر که در حلقه شمالی وجود دارد، تا حدی، باغات خود را سیراب کنیم. رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس شورای اسلامی، اضافه کرد: پروژه آبرسانی متوقف شده؛ چراکه ادامه آن نیازمند به ۳ هزار میلیارد بودجه است که توجه ویژه مسئولان برای تأمین بودجه اعتبار آب را می‌طلبد. محمدبیگی، متذکر شد: سد بالاخانلو، سد نهب و وجود سدهای خاکی متفاوت در استان، نیازمند تکمیل شبکه آبیاری است که انجام نشده است و کانال‌های مواصلاتی و لوله‌کشی‌ها و لوله‌گذاری‌های متعدد که برای آبرسانی به باغات و اراضی کشاورزی مورد نیاز است و هر یک به سهم خود به چالش‌های آب کشاورزی استان اضافه می‌کند. نکته مهم در این موضوع، تغییر الگوی کشت و تغییر ذائقه مصرف و مدیریت مصرف آب و همچنین حکمرانی استان است. الگوی کشت در استان، باید تغییر کند و کشت کم مصرف یا کشت مدرن جایگزین وضعیت فعلی شود. به فرض مثال، کشت زیتون در اراضی شیب‌دار، داربستی کردن باغات انگور، استفاده از روش‌های نوین آبیاری همچون؛ آبیاری قطره‌ای، پرفشار و زیر سطحی را در تجربه خود داریم. وی، با اشاره به اینکه ادامه این مسیر و تکمیل و توسعه آن نیازمند بودجه و نگاه ویژه است، بیان کرد: از همه این‌ها مهم‌تر مدل و الگوی تأمین اقتصادی منابع پایدار آبی است که مدل‌های مشارکتی باید به سمت مشارکت اقتصادی تعاونی و مردم‌محور برود و بتواند طراحی‌های روی کاغذ را به اجرا برساند.

ما در شمال قزوین، که عمدتاً مناطقی کوهستانی و صعب‌العبور است، به دلیل وجود رودخانه‌های الموت‌رود، شاهرود و قزل‌اوزن؛ در حوزه آبخیزداری و نیز نگاهداشت آب در فصول پربار، با مشکل مواجهیم. در

مردمی‌سازی در حوزه‌های آب، کشاورزی و محیط زیست ارائه کنیم. ترویج گفتمان مردمی‌سازی با این روایت‌های مثبت امکان‌پذیر است. رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی محیط زیست را میزبان توسعه انسانی توصیف کرد و گفت: اقتصاد و صنعت، میهمان توسعه هستند و نباید محوریت به مباحث اقتصادی، تجاری و صنعتی بدهیم و از محوریت محیط زیست، غفلت کنیم؛ چرا که اگر محیط زیستی برای زیست انسان نباشد، توسعه اقتصادی و صنعتی، مفهوم پیدا نمی‌کند.

ادامه پروژه آبرسانی به استان قزوین، نیازمند بودجه ۳ هزار میلیاردی است.

دکتر فاطمه محمدبیگی
نماینده مردم قزوین در مجلس
شورای اسلامی:



در سمینار تخصصی آب، کشاورزی و محیط زیست اظهار کرد: استان قزوین، به لحاظ جغرافیایی در شمال کشور، متراکم است و به دلیل وجود خاک حاصلخیز و مرغوب در قزوین و اقالیم مختلف آب و هوایی اهمیت موضوع آب دشت قزوین، صدچندان می‌شود. واقع شدن قزوین، در بین راه‌های مواصلاتی اتصال شرق به غرب و شمال به جنوب کشور این اهمیت را بیشتر می‌کند و تعداد زیاد شهرها و روستاهای این منطقه و وجود ۵ شهر و ۱۵ شهرک صنعتی و موقعیت آب و هوایی ویژه، تأمین آب شرب و کشاورزی در این استان به اهمیت موضوع می‌افزاید. وی با اشاره به این که شبکه آبیاری دشت قزوین، الگوی خاصی دارد و یک و نیم حلقه شمالی، یک و نیم حلقه جنوبی را به خود اختصاص می‌دهد، عنوان کرد: این شبکه، هنوز تکمیل نشده و ما نیازمند تکمیل آن هستیم. در دهه ۳۰ و ۴۰، برنامه‌ای برای عمران قزوین طراحی کردند و بعد از آن، بحث شبکه آب و انتقال



می‌شوند، بیشتر، وجه مشارکت نخبگان مدنظر است. بخشی از تجربه‌هایی که ما در دنیا، در خصوص توسعه تکنولوژی و به کارگیری فناوری‌های نوظهور از هر جنس و در هر نسلی داشتیم، توسط دوستان نخبه صورت می‌گیرد. «معاون هماهنگی و خدمات پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، عنوان کرد: «بومی‌سازی به کارگیری این فناوری‌ها در مدیریت منابع آب، کار نخبگانی است که عموماً ظرفیت اندیشکده‌ای از ترکیب علما، دانشمندان و فناوری‌های مجموعه به اضافه افراد با تجربه که چالش‌ها و معضلات این زمینه‌ها را بهتر می‌شناسند، تشکیل شده است.»

وی بیان کرد: «کار دیگری که اندیشکده‌ها می‌توانند در این حوزه انجام دهند؛ استفاده از تجربه‌های ناب و کاربردی تجربه‌شده در بوم‌های متفاوت مناطق مختلف، تئوریزه و تبدیل کردن آن‌ها به قانون و سیاست، در جهت به کارگیری در سایر مناطق، اقلیم‌ها و بسترهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور است.» دکتر کاظمی، ابراز کرد: «جمع نخبگانی ما، می‌توانند با استفاده از علوم و فناوری نوظهور، این نقش را ایفا کنند که بتوانیم بهره‌وری را در منابع آبی و سایر صنایع آبربر بالا ببریم. این کاری است که اندیشکده‌ها می‌توانند برای ما انجام دهند و نقش مؤثری در این مورد داشته باشند. از یک مرحله‌ای، ما به صورت افراطی سعی کردیم تصدی‌گری در اداره امور حوزه‌های مرتبط از جمله آب را در کشور پیگیری کنیم و به هدف مورد نظر دست پیدا کنیم، اما هنوز هم لایه‌های مختلف مدیریتی کشور، این نگاه را دارد که در مشارکت مردمی؛ مردم پیشنهاد بدهند و ما بررسی کنیم، در صورت صلاح دید اعمال می‌کنیم! در صورتی که این رویه، نادرست‌ترین شکل مدیریتی است.» وی، اضافه کرد: «ما باید بتوانیم اداره امور را به دست خود مردم بسپاریم، تا تعلق‌خاطرشان

عین حال، در این مناطق در فصول گرم، خشکسالی و کمبود آب را داریم که این مدل با مناطق دشتی کاملاً متفاوت است که این موضوع، سبب الگوی نامناسب آبیاری و مصرف بی‌رویه شده است. در فصول بهره‌مندی از آب، دچار چالش فرونشست زمین و همچنین کاهش منابع سفره‌های آب زیرزمینی هستیم که باید بتوانیم با تعریف طرح‌های ویژه آبخیزداری، حفظ و نگاه‌داشت آب برای تأمین چشمه‌ها، کار ویژه‌ای انجام دهیم. این مسئول با اشاره به اینکه مطالعات سد بونمارک در حال انجام است، خاطرنشان کرد: «ان شاءالله بتوانیم با احداث این سد، منطقه طارم، را از بحران آب نجات بدهیم و در الموت هم با مدیریت آب در الموت رود، شاهرود، سرچشمه‌ها و استخرهای ذخیره آب و سدهای خاکی، مناطق مورد نظر را سیراب کنیم.»

مشارکت مردم به معنای دست روی دست گذاشتن مدیران نیست.



بهروز طهماسب کاظمی
معاون هماهنگی و خدمات پژوهشی
مرکز پژوهش‌های مجلس

معاون مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گفت: «نادرست‌ترین روش مدیریتی در حوزه مشارکت مردمی، این است که خودمان دست روی دست بگذاریم و از مردم، پیشنهادات را بخواهیم و بعد در صورت صلاح دید آن را اعمال کنیم، در صورتی که ابتدا باید ارتباط خوبی بین مردم و مسئولین ایجاد شود.»

دکتر بهروز طهماسب کاظمی، در خصوص نحوه مشارکت اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری منابع آبی، اظهار کرد: «مقاطعی که اندیشکده‌ها وارد بحث مشارکت مردمی

رشد یافته و بهره‌وری افزایش پیدا کند و احساس مسئولیت مردم در زمینه‌های مربوطه بالا رود. در چنین مباحثی، دولت، به تنهایی نمی‌تواند عملکرد موفقی داشته باشد و ما نباید به تنهایی دولت را بسیار بزرگ نشان دهیم، بلکه در این لایه‌ها نیاز به پیشنهادات و همکاری مردم نیز داریم.»

بر اساس سند امنیت غذایی ایران، باید مصرف آب در بخش کشاورزی به ۵۱ میلیارد متر مکعب، کاهش یابد که معادل بیش از ۴۲ درصد کاهش مصرف آب در این بخش است.

معاون آب و خاک وزیر جهاد کشاورزی اظهار کرد: «برای رسیدن به اهداف برنامه هفتم در بخش کشاورزی، باید میزان مصرف آب این بخش، از ۸۸ میلیارد متر مکعب، به ۶۵ میلیارد متر مکعب کاهش پیدا کند. همچنین، بر اساس سند امنیت غذایی ایران، باید مصرف آب در بخش کشاورزی به ۵۱ میلیارد متر مکعب، کاهش یابد که معادل بیش از ۴۲ درصد کاهش مصرف آب در این بخش است.» معاون وزیر جهاد کشاورزی با بیان اینکه طبق برنامه هفتم، باید در تولید محصولات کشاورزی به ۹۰ درصد خودکفایی برسیم، گفت: «با وجود اینکه در سند امنیت غذایی، تکالیف متعددی بر عهده وزارت جهاد کشاورزی گذاشته شده، اما منابع آبی ما به شدت کم شده و به مرور باید نصف میزان امروز شود و از طرفی در حوزه منابع خاکی و تغییر اقلیم نیز با مشکلاتی روبه‌رو شده‌ایم.» دکتر نیازی شهرکی اضافه کرد: «همچنین نرخ بهره‌وری در حوزه کشاورزی ما امروز ۱/۵ درصد است که طبق برنامه هفتم توسعه کشور، باید به ۲/۶ درصد برسایم. در ضمن، برای تحقق اهداف برنامه هفتم در بخش کشاورزی، سالانه به ۱۴۷ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز داریم، در حالی

که رقم موافقت‌نامه بین وزارت جهاد کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه، سالی ۵ هزار میلیارد تومان، است؛ بنابراین اگر فرض کنیم ۱۰۰ درصد بودجه اختصاص یافته دولت هم تخصیص پیدا کند، فقط سه درصد اعتبار مورد نیاز برای تحقق برنامه هفتم توسعه در بخش کشاورزی را در اختیار داریم؛ بنابراین با اعتبارات دولتی نمی‌توان اهداف برنامه هفتم در حوزه کشاورزی را محقق کرد.»

معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی، بالا رفتن هزینه‌های دولت و کاهش اعتبارات عمرانی را از چالش‌های تحقق برنامه توسعه هفتم برشمرد و گفت: «به همین خاطر است که مقام معظم رهبری، سال جاری را جهش تولید با مشارکت مردم نامگذاری کردند و تحقق این مشارکت مردمی برای ما، دستور است.» دکتر نیازی شهرکی، با بیان اینکه نیازمند سرمایه‌گذاری مردمی برای تحقق برنامه هفتم توسعه، در بخش آب و خاک کشاورزی هستیم، افزود: در حال حاضر، ۵۲ درصد کانال‌های آب کشاورزی در کشور خاکی هستند، در حالی که در کشوری مانند ترکیه، دیگر کانال خاکی وجود ندارد. همچنین از ۸/۷ میلیون هکتار اراضی قابل کشت کشاورزی در ایران، هنوز سه میلیون هکتار به سامانه‌های آبیاری تحت فشار مجهز نشده‌اند. متأسفانه در حوزه نظام بهره‌برداری از اراضی کشاورزی موفق نبودیم و برای جبران کمبود در این حوزه، به مردم نیاز داریم و جای کار زیادی وجود دارد

معاون وزیر جهاد کشاورزی، معدل مکانیزاسیون در بخش کشاورزی را ۱/۵ اسب بخار در هر هکتار، بیان کرد و گفت: «با این حال، معتقدیم که این مکانیزاسیون در بخش کشاورزی درست به‌کارگیری نمی‌شود؛ چرا که هر کشاورزی دوست



توجه به اولویتهای، مشکلات و معضلاتی را به وجود می‌آورد و ما نباید اولویتهای را گم کنیم. اگر سیاستگذار، دغدغه تنش آبی دارد، چرا در کنار عوارض صادراتی یک عبارت و تنها یک بند عملیاتی در خصوص نحوه جهت‌دهی حمایت‌ها به سمت و سوی محصولات کم آب‌بر و تکمیل زنجیره ارزش این محصولات، در برنامه‌های توسعه کشور و سایر اسناد قانونی ارائه نمی‌شود! باید توجه داشت، بدون این برنامه‌ها، نمی‌توان آب را مدیریت کرد و حیات را به تالاب‌های خشک شده کشور، از جمله دریاچه تشنه ارومیه بازگرداند

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری استان البرز تاکید کرد: «طرح‌های صنعتی، پتروشیمی و ... در کشور یا پیوست توجیه ارزیابی محیط‌زیستی دارند یا ندارند که اگر ندارند؛ اجرای آن برای کشور، خسارت است و اگر دارند که لازم است، منتشر شوند و افکار عمومی و جامعه نخبگی در کشور، پاسخ درخوری دریافت کند. همچنین، دستگاه‌های اجرایی به جای هم‌افزایی، زورآزمایی می‌کنند.» دکتر رفیعی در پایان بیان کرد: «اندیشکده‌ها باید سرمایه اجتماعی را جذب کنند، نه اینکه برای جلب نظر سیاست‌گذار از مصوبات نادرست، حمایت کنند. همچنین، کاهش سرمایه اجتماعی، مهم‌ترین مانع در تحقق مشارکت مردمی است.»

تشکیلات تنظیم‌گری و اجرایی دولت، به تنهایی قادر به مدیریت و حفاظت درست منابع آب نیست، بلکه باید فضای کنش بیشتری به دو رکن دیگر یعنی؛ بخش خصوصی (جامعه بهره‌بردار) و جامعه مدنی (سازمان‌های مردم نهاد محیط‌زیستی) داده شود.

دارد، تراکتوری داشته باشد و با وجود ارزانی گازوئیل، این تراکتور به بهره‌وری لازم نمی‌رسد.»

اندیشکده‌ها، بایستی سرمایه اجتماعی را جذب کنند، نه اینکه برای جلب نظر سیاستگذار از مصوبات نادرست حمایت کنند. کاهش سرمایه اجتماعی مهم‌ترین مانع در تحقق مشارکت مردمی است.

دکتر حامد رفیعی، در سمینار تخصصی الگوهای مشارکت مردمی در بخش‌های آب، کشاورزی و محیط زیست اظهار کرد: اندیشکده‌ها، سازمان‌های تحقیق، تحلیل و مشارکت در سیاست‌های عمومی هستند که تحقیق، تحلیل و مشاوره در حوزه مسائل داخلی و بین‌المللی را در دستور کار خود دارند و سیاست‌گذاران و مردم را در تصمیم‌سازی‌ها توانمند خواهد کرد. ۵/۹۰ درصد اندیشکده‌ها پس از سال ۱۹۵۱م. ایجاد شدند و در حال حاضر، نزدیک به ۵۵ درصد آن‌ها در اروپا و آمریکای شمالی مستقر هستند.

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری استان البرز گفت: «سیاست‌گذاری دستوری با مشارکت دادن حداقلی تشکلهای، نهادهای دانش‌بنیان و دانشگاه در تصمیم‌سازی، سال‌ها است که بخش کشاورزی را رنج می‌دهد. همچنین، هر وقت بهره‌وری رشد کرده است، محیط‌زیست هم پایدار مانده است، البته این موضوع می‌تواند برعکس هم باشد.»

دکتر رفیعی در ادامه این سمینار اذعان کرد: «نبود بانک اطلاعاتی قابل اعتماد در بخش کشاورزی، عدم اجرای قوانین مؤثر مصوب در این بخش و عدم توجه به رسالت اصلی بخش کشاورزی، از مشکلات این حوزه است. رسالت بخش کشاورزی، دستیابی به امنیت و اقتدار پایدار قضایی است که در بین میلیون‌ها معیار دیگر، گم شده است. عدم



فردی، بسیار دشوار بوده و به راحتی با تدوین قوانین و مقررات از سوی دولت‌ها، نمی‌توان آنها را حفظ نمود. تشکیلات تنظیم‌گری و اجرایی دولت، به تنهایی قادر به مدیریت و حفاظت درست منابع آب نیست، بلکه باید فضای کنش بیشتری به دو رکن دیگر یعنی؛ بخش خصوصی (جامعه بهره‌بردار) و جامعه مدنی (سازمان‌های مردم نهاد محیط‌زیستی) داده شود. نبود مقررات و رویه‌های حقوقی و اجرایی شفاف، برای توسعه نهادهای خودگردان متشکل از بهره‌برداران، موجب شده است، زمینه لازم برای خودتنظیم‌گری محلی آب، فراهم نباشد، همچنین لازم است، الزامات و پیشران‌های تحقق مشارکت واقعی در سطح دولت و وزارتخانه‌های مربوطه، فراهم شود. این الزامات، باید به گونه‌ای باشد که تصمیم‌گیری، طرح‌ریزی، اجرا، پایش و نظارت بر طرح‌ها و راهکارهای بهبود مدیریت شبکه‌های آبیاری و احیای آبخوان‌ها با حضور و مشارکت واقعی جامعه بهره‌بردار، پایش و نظارت شود. ابزارهای قانونی و مدیریتی به کار گرفته شده در کشورمان نظیر سد، راهبردهای توسعه بلندمدت منابع آب، قوانین برنامه پنج

دکتر محمد حب‌وطن، رئیس گروه نظارت و توسعه حکمرانی آب وزارت نیروی کشور، با اشاره به چارچوب نظریه مشارکت بهره‌برداران در مدیریت منابع آب، اظهار کرد: «تعادل منابع و مصارف آب در ایران در پی توسعه ناموزون به هم خورده است.» منابع آب سطحی حوزه‌های آبریز و آب زیرزمینی دشت‌ها، بیشتر از توان مجازشان بهره‌برداری و مصرف شده‌اند و نتیجه آن به اشکال مختلف از قبیل افت سطح آب زیرزمینی، خشک شدن رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها و در مناطقی فرو نشست زمین، بروز یافته است. بخش اعظم این ناپایداری آبی، نتیجه اتکاء بیش از حد اقتصاد روستایی بر کشاورزی و آب، رقابت شدید فردی بر سر منبع مشترک و اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهایی بوده که طی نیم قرن گذشته بر الگوی توسعه سرزمینی تحمیل شده است رئیس گروه نظارت و توسعه حکمرانی آب وزارت نیرو کشور، بیان کرد: بنابر یافته‌ها و تجارب نظری و عملی کشورها، اصولاً تنظیم‌گری و کنترل دولت‌ها بر برداشت، به ویژه از آب زیرزمینی در نظام خرده مالکی و



راهکارهای مناسبی ارائه داد، مدیریت هر منطقه، متناسب با سطوح مختلفی که در آن وجود دارد، متفاوت است. اندیشکده‌ها، در ابتدا بایستی با شناخت کافی به این مرحله ورود پیدا کنند، تا بتوانند قدم مؤثری بردارند. ارزیابی وضع موجود در ابعاد کیفی، فنی و مدیریتی (حکمرانی) اولین گامی است که اندیشکده‌ها باید بردارند، منت‌هی این ارزیابی، بایستی متناسب با همگنی مناطق باشد. زمانی که ارزیابی از وضع موجود اتفاق افتاد، به تبع ضرورت دارد از مشکلاتی که مانع ورود مردم در بحث مشارکت می‌شود، آسیب‌شناسی کرد. برای نمونه؛ در برخی از مباحث فرهنگی و دینی، مسائلی وجود دارد که سبب می‌شود، سهم مشارکت مردم نزولی باشد. ارائه نسخه متناسب با بهره‌گیری از بررسی‌های میدانی، در مرحله سوم است که باید راه‌حل ارائه دهیم. در کنار این بخش‌ها، معتمدی باید وجود داشته باشد که مردم را به خود جذب کند. اندیشکده‌ها، این وظیفه خطیر را به عهده دارند و بایستی ارتباطات بین مردم را گسترش دهند تا سطح اعتماد عمومی بالا رود و در نهایت مطالبه‌گری به نحو شایسته‌ای از سوی مردم صورت گیرد

نماینده مرکز پژوهش‌های اسلامی در کمیسیون‌های مجلس، تصریح کرد: «این فرهنگ، در این حاکمان باید جا بیفتد؛ زمان حکمرانی از بالا به پایین منقضی شده است؛ چرا که نتیجه نداده و مشکلات بیشتری را نیز به وجود آورده است. در این عصر، باید ارتباطات بین مردم و حاکمان بیشتر شود تا سطح اعتماد عمومی بالا رود و مردم، مشارکت واقعی و مطالبه‌گری داشته باشند. با جلب اعتماد و اطمینان، می‌توان سهم مشارکت مردمی را به شدت افزایش داد و کاری کرد که این احساس نیاز و مشارکت، عمیقاً در دل مردم ایجاد شود.

ساله توسعه، طرح احیا و تعادل بخشی آب زیرزمینی، هنوز نتوانستند وضعیت منابع آب را بهبود ببخشند. این مشکل، ریشه در ماهیت منابع آب، اعم از سطحی و زیرزمینی دارد که جزء منابع عمومی مشترک بوده و نیاز به حکمرانی درست دارند

دکتر حب‌وطن، اذعان کرد: «قواعدی که میزان تخصیص از منبع را برای هر بهره‌بردار مشخص می‌کند، متناسب با شرایط محلی و قواعد تأمین نیروی کار، مصالح و منابع مالی از طرف بهره‌برداران است که عنصر مهمی، در ایجاد نظام عادلانه است. اکثر بهره‌بردارانی که از قواعد بهره‌برداری و حفاظت از منبع، متأثر هستند، می‌توانند در تدوین و اصلاح این قواعد، شرکت کنند. با توجه به اینکه، شرایط محیطی در طول زمان تغییر می‌کند، توانایی بهره‌برداران در تدوین قواعد محلی بسیار مهم است؛ زیرا نهادها و سازمان‌هایی که دور از منطقه هستند، از شرایط محلی، اطلاع کافی ندارند.»

زیربنای فکری مسئولان، باید تغییر کند و به این نتیجه برسند که دیگر نگاه از بالا به پایین نداشته باشند با این استدلال که نه تنها تأثیرگذار نیست، بلکه اثرات منفی هم بر جای می‌گذارد و در برخی موارد، ذی‌نفعان مسیر اصلی حل مشکلات را رقم می‌زند.

دکتر جمال سامانی، در خصوص نحوه مشارکت اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری منابع آبی، ضمن اشاره به چالش‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردمی اظهار کرد: «هر کاری که بخواهد صورت بگیرد، ابتدا باید از وضعیت موجود، شناخت، وجود داشته باشد؛ یعنی اندیشکده‌ها ابتدا باید به بحث ارزیابی عمیق موضوع و چالش روز ورود پیدا کنند؛ چرا که با اطلاعات عمومی و سطحی از یک منطقه، نمی‌توان



مردم، باید بدانند که منافع خودشان در این مشارکت‌ها است. در چنین شرایطی، افراد، قدرت تصمیم‌گیری پیدا می‌کنند؛ بنابراین حکمرانان، متولیان و مسئولان باید در دیدگاه خودشان تغییر رویه داشته باشند. زیربنای فکری مسئولان، باید تغییر کند و به این نتیجه برسند که نگاه از بالا به پایین نداشته باشند؛ زیرا نه تنها تأثیرگذار نیست، بلکه اثرات منفی هم بر جای می‌گذارد و در برخی موارد، ذی‌نفعان، مسیر اصلی حل مشکلات را رقم می‌زنند. مشارکت، فقط در تصمیم‌گیری نیست و منافع هم باید شامل شود؛ یعنی نباید زمانی که منافع حاصل شد؛ ذی‌نفعان را کنار گذاشت. قطعاً، منافع باید به کسانی که نقش داشتند، برگردد و دولت، باید عملاً نظارت داشته باشد.»

دکتر سامانی، در پایان یادآور شد: «آموزش، فرهنگ‌سازی و تربیت نیروهای کارآمد یکی دیگر از راه‌های تقویت مشارکت مردمی است که می‌تواند از طریق مجموعه‌های مختلف؛ همچون اندیشه‌ها در سطح عموم مردم صورت بگیرد.»

در موضوع حل بحران آب، تنها قانون مدونی که می‌شود از آن استفاده کرد؛ نظارت بر اجرای برنامه هفتم و تحقق اهداف مشارکت‌های مردمی است که رنگ و لعاب دیگری دارد و امید داریم بتوانیم در طول اجرای این برنامه به اهداف مورد نظر دست پیدا کنیم

دکتر مهدی مظاهری، در سمینار تخصصی آب، کشاورزی و محیط‌زیست اظهار کرد: «مردم عزیز با این بحث آشنا هستند که وضعیت آب، در کشور خوب نیست. در ۱۷ سال اخیر، بحران آب به یک پارادایم و ابرچالش، تبدیل شده است. کشور ایران، جزء معدود کشورهایی است که ۵۰ درصد مصارف آبی آن، از آب‌های زیرزمینی تأمین می‌شود. همچنین ۵۰۰ میلیارد متر مکعب حجم منابع آب زیرزمینی است، که از این

آمار ۱۴۰ میلیارد متر مکعب، کسری آب مخزن داریم، این بحران‌ها در حقیقت آب‌ر روند تغییر اقلیم، را رقم می‌زنند. سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ ش. در ۵۰ سال اخیر، خشک‌ترین سال‌ها بودند، این آمار و ارقام و تغییرات اقلیمی سریع، نشان از بحران شدید آبی در کشور است. در برنامه توسعه ۵ سال اول، دوم، سوم و چهارم، رویکرد مقابله با بخش آب، سازه‌ای و عرضه‌محور بوده است، که تنها افکار و اندیشه‌ها را به سمت ساخت سد و این موارد می‌کشاند و اینجا بود که کم‌کم برای دولت‌مردان، زنگ خطر به صدا درآمد. در برنامه پنجم و ششم به این نتیجه رسیدند که باید این رویکرد تغییر کند، اما تنها تعداد ساخت‌ها بیشتر شد. نتیجه این شد که تا مشارکت مردمی نباشد، کار پیش نمی‌رود و باید در این بستر، مانور داده شود تا تأثیرات مثبتی داشته باشد.

در سال‌های اخیر، توسط رهبر معظم انقلاب، ۸ میلیارد تومان اعتبار، برای طرح‌های حمایت از منابع آبی، اختصاص داده شد، که اکثر عملکردهای طرح‌های پیشنهادی متخصصان، عملاً ناموفق بود و مشکل اصلی نیز عدم سهم مورد نظر مشارکت مردمی بود. در این زمان بود که دولت‌مردان به این نتیجه رسیدند که نقش مهندسان، تنها در این زمینه موفق نیست و بدون مشارکت مردم، تغییرات مثبت و اصلی ناممکن است. در قانون هفتم برنامه توسعه، احکام نسبتاً متنوعی را در بحث مشارکت مردم و حکمرانی آب، پیش‌بینی کردیم که مهم‌ترین سند؛ مشارکت‌ها و ظرفیت‌های مردمی است. وی، در پایان تأکید کرد: «تنها قانون مدونی که می‌شود از آن استفاده کرد، نظارت بر اجرای برنامه هفتم و تحقق اهداف مشارکت‌های مردمی است که رنگ و لعاب دیگری دارد و امید داریم، بتوانیم در طول اجرای این برنامه به اهداف مورد نظر دست پیدا کنیم.»

هم‌افزایی برای توسعه؛ بررسی همکاری اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری در استانداری ایلام



دیدار دبیر اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری با استاندار ایلام

شتاب بخشیدن به توسعه هر منطقه، مستلزم هم‌افزایی ظرفیت‌های گوناگون و تلاش‌های نهادهای مختلف است. در این راستا، اخیراً جلسه مهمی بین دکتر حمزه صفربیگی، دبیر اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و احمد کرمی، استاندار ایلام، برگزار شد. هدف از این دیدار، بررسی راه‌های همکاری مشترک، جهت تسریع روند توسعه در استان ایلام، بود.

وی تصریح نمود: «یکی از اولویت‌های اساسی ما در استان، بهره‌گیری بهینه از توانمندی‌های نخبگان، دانشگاهیان و اندیشکده‌های فعال در ایلام، برای شناسایی دقیق و تحلیل همه‌جانبه مسائل و چالش‌های پیش‌روی است.

استاندار ایلام تکیه بر ظرفیت نخبگان و آمایش علمی، ضرورت دارد.

احمد کرمی، استاندار ایلام، بر اولویت‌های کلیدی مدیریت استان در مسیر توسعه، تأکید کرد

معتقدیم که با اتکا به این ظرفیت‌های ارزشمند، می‌توانیم شناخت عمیق‌تری از مشکلات پیدا کرده و مسیر توسعه استان را با سرعت بیشتری طی کنیم.»

استاندار ایلام، در ادامه بر ضرورت ایجاد سازوکار منسجم برای همکاری میان بخش‌های اجرایی، دانشگاه‌ها و نهادهای علمی تأکید کرد و اظهار داشت

«برای تحقق اهداف توسعه‌ای استان، برقراری تعامل و همکاری نزدیک میان دستگاه‌های اجرایی، مراکز آموزش عالی و نهادهای پژوهشی، امری حیاتی است. این همکاری باید به گونه‌ای باشد که بتوانیم بر مبنای آمایش دقیق و علمی از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های استان، راهکارهای مؤثر و کارآمدی برای حل مشکلات و پیشبرد اهداف توسعه‌ای ایلام ارائه دهیم.»

دبیر اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری، نقش‌آفرینی اندیشکده‌ها در شناسایی مسائل و تدوین راهکارها، اهمیت دارد.

دکتر صفری‌گی، دبیر اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری، به تشریح مأموریت‌ها و اهداف اصلی اندیشکده‌ها پرداخت. وی، اظهار داشت اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری با هدف اصلی شناسایی مسائل کلان و محلی در سطح کشور و تدوین راهکارهای عملیاتی و مبتنی بر شواهد برای حل این مسائل، فعالیت می‌کند

مسائل گوناگون در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است در این راستا، تمرکز بر بهره‌برداری از ظرفیت‌های نخبگان توانمند استان ایلام از اهمیت بسزایی برخوردار است در پایان این دیدار، صفری‌گی ابراز امیدواری کرد با همکاری نزدیک و مستمر میان استانداری ایلام و اندیشکده‌ها، بتوان گام‌های مؤثری در جهت تقویت ساختار حکمرانی در استان و تسریع در روند حل مسائل و چالش‌های پیش روی ایلام، برداشت

در راستای تحقق این اهداف، یکی از رویکردهای محوری، بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و نخبگانی موجود در استان‌های مختلف کشور، از جمله استان ایلام، است. دبیر اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری با اشاره به ویژگی‌های منحصربه‌فرد استان ایلام، بر ضرورت برنامه‌ریزی‌های ویژه تأکید کرد استان ایلام با توجه به ویژگی‌های خاص جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی خود، نیازمند برنامه‌ریزی‌های متناسب و ویژه برای حل



نشست رؤسای پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌های استان خراسان رضوی، با

حضور نمایندگان مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی

نشست رؤسای پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌های استان خراسان رضوی با حضور نمایندگان مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، در سالن شورای پژوهشکده مطالعات اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، برگزار شد. در این نشست، نصراله پژمانفر و میثم ظهوریان، نمایندگان محترم، به همراه جمعی از رؤسای مراکز علمی و پژوهشی استان خراسان رضوی شرکت داشتند. حاضران در جلسه، به معرفی واحدهای خود و ارائه گزارش مختصری از فعالیت‌های پژوهشی و مطالعاتی پرداختند و در ادامه، چالش‌ها و مسائل پیش‌روی نهادهای علمی و پژوهشی استان، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. محور اصلی این نشست، بحث و تبادل نظر پیرامون تشکیل مجمع پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌های استان خراسان رضوی بود. در پایان این نشست، شرکت‌کنندگان بر ادامه جلسات هم‌اندیشی و برنامه‌ریزی برای ایجاد این مجمع، توافق کردند. هدف از تشکیل این مجمع، تقویت تعاملات علمی و پژوهشی در سطح استان و ایجاد هم‌افزایی بین مراکز علمی و پژوهشی فعال در خراسان رضوی عنوان شده است. انتظار می‌رود این اقدام، گام مؤثری در راستای ارتقای سطح پژوهش و تولید علم در منطقه باشد.

برگزاری جلسه شورای فرهنگ عمومی خراسان

شمالی با محوریت حکمرانی فرهنگی

بر اهمیت حکمرانی فرهنگی، بیان داشت که این رویکرد می‌تواند با هدایت ارزش‌ها، تقویت هویت ملی و ایجاد بستری برای رشد خلاقیت و نوآوری، ارتباط مردم با فرهنگ و تاریخ را بهبود بخشیده و به انسجام اجتماعی و ارتقای مؤلفه‌های فرهنگی، کمک شایانی نماید. نماینده ولی فقیه در استان و استاندار نیز ضمن تقدیر از گزارش ارائه شده، سند مهندسی فرهنگی را راهبردی دانسته و بر ضرورت اجرای برش استانی آن تأکید کردند. در پایان این جلسه، مقرر شد پس از تصویب

جلسه شورای فرهنگ عمومی استان خراسان شمالی، با موضوع «حکمرانی فرهنگی» و با حضور دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان، نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بجنورد، استاندار، مدیران کل دستگاه‌های اجرایی فرهنگی و سایر اعضای شورا برگزار شد. در این جلسه، محمداقصر رستمی، مدیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان، راهبردها و اقدامات تدوین سند برش استانی نقشه مهندسی فرهنگی خراسان شمالی را ارائه کرد. رستمی با تأکید

حکمرانی و سیاستگذاری در حوزه زنان و خانواده

راضیه اکبری

رئیس کارگروه زنان و خانواده

اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری



حکمرانی در حوزه زنان و خانواده، مفهوم چندوجهی و پیچیده‌ای است که در تلاقی حوزه‌های متعدد علوم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار می‌گیرد. به معنای نظامی از ساختارها، فرایندها، هنجارها و ارزش‌هایی است که تعیین‌کننده چگونگی توزیع قدرت، منابع و مسئولیت‌ها میان نهادهای رسمی و غیررسمی مرتبط با زنان و نهاد خانواده است. آنچه حکمرانی در این حوزه را از سایر حوزه‌های سیاستگذاری متمایز می‌کند، ارتباط عمیق با ساختارهای فرهنگی، دینی و اجتماعی است که بستر شکل‌گیری نهاد خانواده و تعریف جایگاه زنان در جامعه را فراهم می‌سازد. حکمرانی مؤثر در این عرصه، مستلزم درک ماهیت چندوجهی آن است. از سویی، این حوزه، واجد ماهیتی بین‌بخشی است، به این معنا که نیازمند مشارکت و تعامل نهادهای متعدد دولتی و غیردولتی است. از سوی دیگر، ماهیت چندسطحی دارد که در آن سیاستگذاری در سطوح مختلف از خرد (محلی) تا کلان (ملی) و فراملی انجام می‌پذیرد. همچنین، این حوزه دارای ماهیت ارزشی-هنجاری است و عمیقاً با باورها و ارزش‌های جامعه پیوند دارد. علاوه بر این، حکمرانی در حوزه زنان و خانواده، نیازمند برقراری تعادل میان منافع فردی و جمعی، سنت و مدرنیته، حقوق زنان و مصالح خانواده است

سیاستگذاری در حوزه زنان و خانواده، فرآیند

نهایی طرح برش استانی، به زودی از آن، رونمایی شود.

امضای تفاهم‌نامه همکاری اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان با اداره کل آموزش و پرورش استان

طی نشست مشترکی میان اعضای شورای مرکزی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری گلستان، مدیرکل آموزش و پرورش استان و معاونین ایشان، تفاهم‌نامه همکاری مشترک به امضا رسید. این نشست، که در دفتر مدیرکل آموزش و پرورش برگزار شد، فرصتی را فراهم آورد تا حاضران به تبادل دیدگاه‌ها و نظرات خود بپردازند. در این نشست، قدرت‌الله نظری، مدیرکل آموزش و پرورش استان، ضمن ابراز خرسندی از فعالیت این اندیشکده در استان، آن را ظرفیت ارزشمندی برای شناسایی و حل مشکلات موجود در قوانین و دستورالعمل‌های نیازمند اصلاح ساختاری و ارسال پیشنهادات اصلاحی به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی دانست. در پایان این نشست، تفاهم‌نامه همکاری مشترک به طور رسمی توسط آقای نظری و دکتر مجید محمدنژاد، مدیر اندیشکده حکمرانی استان، امضا شد



قبال خانواده و برابری جنسیتی تأکید می‌کند، البته در عمل، بسیاری از کشورها الگوهای مختلطی را پیاده‌سازی می‌کنند که ترکیبی از عناصر الگوهای مذکور است و متناسب با شرایط فرهنگی-اجتماعی آن‌ها شکل گرفته‌اند. مبانی نظری متعددی برای فهم و تحلیل سیاستگذاری در حوزه زنان و خانواده وجود دارد. نظریه نهادگرایی بر نقش نهادهای رسمی و غیررسمی در شکل‌دهی به رفتارها و تصمیمات تأکید می‌کند و معتقد است که نهادهای اجتماعی-سیاسی، چارچوب‌های قواعد، هنجارها و ساختارهایی هستند که مسیر تصمیم‌گیری و سیاستگذاری را مشخص می‌سازند. بر اساس این نظریه، سیاستگذاری در حوزه زنان و خانواده نیز متأثر از قواعد و ترتیبات نهادی است که می‌تواند به تداوم یا تغییر وضعیت موجود منجر شود.

نظریه سرمایه اجتماعی، دیدگاه دیگری است که بر نقش محوری خانواده در تولید و انباشت سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند. طبق این نظریه، سیاست‌های حوزه زنان و خانواده باید با هدف تقویت پیوندها و شبکه‌های اجتماعی، اعتماد و هنجارهای همیاری طراحی شوند. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی قوی، شاخص پیش‌بینی‌کننده مهمی برای سلامت روان، کاهش بزهکاری و افزایش رفاه اجتماعی است. نظریه عدالت جنسیتی، رویکرد دیگری است که بر ضرورت توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و قدرت میان زنان و مردان تأکید می‌کند. بر اساس این رویکرد، سیاستگذاری در حوزه زنان و خانواده باید معطوف به رفع نابرابری‌های ساختاری و تضمین دسترسی برابر به حقوق و فرصت‌های اجتماعی-اقتصادی باشد. در همین راستا، نظریه رفاه خانواده، به طور خاص بر چگونگی تأمین نیازها و ارتقای کیفیت زندگی خانواده‌ها، از طریق سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی تمرکز دارد. طبق این رویکرد،

نظام‌مندی است که با شناسایی دقیق مسائل و چالش‌های پیش‌روی زنان و نهاد خانواده آغاز می‌شود، با تدوین راهکارها و برنامه‌های هدفمند ادامه می‌یابد و با اجرا، پایش و ارزیابی نتایج به سرانجام می‌رسد. این فرآیند، هنگامی اثربخش خواهد بود که مبتنی بر شواهد و داده‌های معتبر بوده، رویکردی جامع‌نگر داشته باشد و با مشارکت فعال تمامی ذینفعان انجام پذیرد. همچنین، سیاستگذاری در این حوزه، باید به گونه‌ای باشد که نه تنها به حل مسائل موجود بپردازد، بلکه با نگاه آینده‌نگرانه، روند تحول خانواده و جایگاه زنان در جامعه را پیش‌بینی کرده و برای مواجهه با چالش‌های آتی، آمادگی لازم را ایجاد نماید. نکته حائز اهمیت، این است که سیاستگذاری در حوزه زنان و خانواده نه تنها با هدف رفع نیازها و مشکلات این حوزه انجام می‌شود، بلکه می‌تواند در بازتولید یا تغییر مناسبات جنسیتی و الگوهای خانوادگی نقش آفرینی کند. به بیان دقیق‌تر، تأثیر متقابلی میان سیاست‌ها و ساختارهای اجتماعی-جنسیتی وجود دارد که شناخت آن برای سیاستگذاران اهمیت بنیادین دارد. برای مثال، سیاست‌های حمایتی از مادران شاغل، می‌تواند به تغییر تدریجی در الگوهای تقسیم کار خانگی و افزایش مشارکت مردان در فرآیند مراقبت از فرزندان منجر شود

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که رویکردهای متفاوتی در سیاستگذاری زنان و خانواده وجود دارد. برخی کشورها رویکرد سنت‌گرا دارند که در آن، سیاست‌ها عمدتاً بر حفظ و تقویت الگوهای سنتی خانواده و نقش‌های جنسیتی متمرکز است. در مقابل، برخی دیگر، رویکرد را لیبرال اتخاذ کرده‌اند که بر مداخله حداقلی دولت و تأکید بر انتخاب فردی در مسائل خانوادگی استوار است. سومین دسته از کشورها، رویکرد اجتماعی دارند که بر مسئولیت اجتماعی دولت در

سیاستگذاری در حوزه خانواده باید با هدف تقویت کارکردهای اساسی خانواده همچون تربیت فرزند، حمایت عاطفی و اقتصادی از اعضا و تسهیل سازگاری با شرایط متغیر اقتصادی-اجتماعی انجام پذیرد. برای سنجش و ارزیابی حکمرانی و سیاستگذاری در حوزه زنان و خانواده، شاخص‌های متعددی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد. شاخص‌های ساختاری-نهادی، کیفیت و کارآمدی ساختارها و نهادهای متولی امور زنان و خانواده را مورد سنجش قرار می‌دهند. این شاخص‌ها، شامل میزان انسجام و هماهنگی بین‌نهادی در سیاستگذاری، وجود ضمانت‌های اجرایی برای سیاست‌های مصوب، شفافیت و پاسخگویی نهادهای متولی، میزان مشارکت ذینفعان در فرآیند سیاستگذاری و ظرفیت نهادی برای تحلیل و ارزیابی سیاست‌ها می‌شود. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که کشورهای دارای ساختارهای نهادی منسجم‌تر، موفقیت بیشتری در دستیابی به اهداف سیاست‌های زنان و خانواده داشته‌اند. شاخص‌های اقتصادی-معیشتی، ابعاد اقتصادی سیاست‌های زنان و خانواده را ارزیابی می‌کنند. این شاخص‌ها، شامل سهم بودجه اختصاص‌یافته به برنامه‌های حمایت از زنان و خانواده، کارآمدی سیاست‌های تعادل کار-خانواده، پوشش و کفایت نظام‌های حمایت اقتصادی از خانواده، نرخ مشارکت اقتصادی زنان و شکاف جنسیتی در اشتغال و توزیع منابع اقتصادی درون خانواده می‌شود. شاخص‌های حقوقی-قانونی، کیفیت چارچوب‌های قانونی مرتبط با زنان و خانواده را مورد سنجش قرار می‌دهند. این شاخص‌ها شامل میزان انطباق قوانین داخلی با اسناد و توافق‌نامه‌های بین‌المللی، کیفیت قوانین حمایتی از زنان در برابر خشونت و تبعیض،

وضعیت قوانین مرتبط با برابری جنسیتی در آموزش، اشتغال و مشارکت اجتماعی، وضعیت حقوق خانواده در نظام قانونی و دسترسی زنان به عدالت و خدمات حقوقی می‌شود. شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی، ابعاد اجتماعی و فرهنگی سیاست‌های زنان و خانواده را مورد توجه قرار می‌دهند. این دسته، دربرگیرنده میزان شمول اجتماعی زنان در گروه‌های آسیب‌پذیر، میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان، بازنمایی متوازن زنان و خانواده در رسانه‌ها، تغییرات الگوهای روابط خانوادگی و وضعیت شاخص‌های سلامت زنان و خانواده می‌شود. شاخص‌های فرآیندی-اجرایی، کیفیت فرآیندهای اجرایی سیاست‌های زنان و خانواده را ارزیابی می‌کند. این شاخص‌ها، شامل میزان دستیابی به اهداف تعیین‌شده در برنامه‌ها، اثربخشی هزینه‌کرد در اجرای سیاست‌ها، میزان انعطاف‌پذیری و پاسخگویی در فرآیند اجرا، وجود نظام پایش و ارزیابی کارآمد و سطح رضایتمندی ذینفعان از فرآیند اجرا می‌شود. با توجه به مبانی نظری و شاخص‌های فوق، می‌توان سه مدل اصلی حکمرانی در حوزه زنان و خانواده را شناسایی کرد. مدل حکمرانی هیرارشیک، که در آن دولت، نقش محوری و تعیین‌کننده در تدوین و اجرای سیاست‌ها دارد و سایر بازیگران بخش خصوصی، جامعه مدنی نقش حاشیه‌ای یا اجرایی ایفا می‌کنند. این مدل، با رویکرد از بالا به پایین و تمرکزگرایی شناخته می‌شود. مدل حکمرانی مشارکتی، که در آن تعامل و همکاری میان بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی، مبنای سیاستگذاری و اجرا قرار می‌گیرد. ویژگی اصلی این مدل، مشارکت فعال ذینفعان در تمامی مراحل سیاستگذاری است. مدل حکمرانی شبکه‌ای، که بر روابط



نهاد فراقوه‌ای هماهنگ‌کننده سیاست‌های زنان و خانواده با اختیارات کافی برای ایجاد هماهنگی و انسجام میان دستگاه‌های متولی؛ تدوین سند جامع سیاست‌های زنان و خانواده با رویکردی آینده‌پژوهانه و مشارکتی؛ ایجاد نظام جامع داده‌های مرتبط با زنان و خانواده برای تسهیل سیاستگذاری مبتنی بر شواهد؛ توانمندسازی و آموزش کارشناسان و مدیران حوزه زنان و خانواده؛ طراحی و استقرار نظام پایش و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های زنان و خانواده

آنچه در نهایت می‌توان گفت این است که حکمرانی و سیاستگذاری در حوزه زنان و خانواده، پیچیده، چندوجهی و میان‌رشته‌ای است که این امر، مستلزم شناخت دقیق مبانی نظری، شاخص‌ها و الگوهای آن است. این حوزه از سیاستگذاری، در تقاطع ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرار دارد و تأثیر عمیقی بر الگوهای روابط جنسیتی، ساختار خانواده و کیفیت زندگی شهروندان دارد. تحلیل مبانی نظری و شاخص‌های ارائه‌شده نشان می‌دهد که حکمرانی مؤثر در این حوزه مستلزم رویکرد جامع، مشارکتی و مبتنی بر شواهد است که ابعاد متعدد زندگی زنان و خانواده‌ها را مورد توجه قرار دهد. همچنین، ضروری است که سیاستگذاری در این حوزه با درک عمیق از رفتار فرهنگی-اجتماعی و در نظر گرفتن تنوع الگوهای خانوادگی و نیازهای متغیر زنان در عصر حاضر، انجام پذیرد. در نهایت، تحقق حکمرانی مطلوب در حوزه زنان و خانواده نیازمند توسعه ظرفیت‌های نهادی، هماهنگی بین‌بخشی، مشارکت فعال ذینفعان و نظام کارآمد پایش و ارزیابی است. این امر، نه تنها به تقویت جایگاه زنان و انسجام خانواده‌ها کمک می‌کند، بلکه زمینه توسعه پایدار و متوازن جامعه را نیز فراهم می‌سازد

افقی و غیرسلسله‌مراتبی میان بازیگران متعدد تأکید دارد. در این رویکرد، سیاستگذاری و اجرا مذاکره، تبادل منابع و همکاری میان شبکه‌ای از کنشگران است که دارای منافع و ارزش‌های مشترک هستند. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که الگوی حکمرانی شبکه‌ای با توجه به ماهیت پیچیده و چندوجهی مسائل زنان و خانواده، کارآمدترین مدل برای حکمرانی در این حوزه است؛ زیرا امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و منابع متنوع را فراهم می‌سازد، اما نکته مهم این است که انتخاب مدل مناسب حکمرانی، باید متناسب با رفتار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر جامعه صورت پذیرد و نمی‌توان یک مدل واحد را برای تمامی جوامع تجویز کرد

چالش‌های پیش‌روی حکمرانی در حوزه زنان و خانواده در ایران، را می‌توان در چند محور اصلی، خلاصه کرد. نخست، تعدد نهادهای سیاستگذار، مجری و فقدان هماهنگی و انسجام میان آن‌ها است. این امر، به موازی‌کاری، اتلاف منابع و گاه تعارض در سیاستگذاری منجر می‌شود. چالش دوم، نگاه بخشی و جزیره‌ای به مسائل زنان و خانواده است که مانع از اتخاذ رویکرد جامع‌نگر و سیستمی به این حوزه می‌شود. چالش سوم، ضعف در نظام جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مرتبط با زنان و خانواده است که فرآیند سیاستگذاری مبتنی بر شواهد را با دشواری مواجه می‌سازد. چالش چهارم، کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآمد در حوزه سیاستگذاری زنان و خانواده است که به نوبه خود بر کیفیت سیاست‌های تدوین‌شده تأثیر منفی می‌گذارد. چالش پنجم، فقدان نظام پایش و ارزیابی نظام‌مند، برای سنجش اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده است. برای غلبه بر این چالش‌ها، راهکارهایی پیشنهاد می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ایجاد

نظام حکمرانی دموکراتیک مقتدر

مجید سرونند

معاون امور پژوهشی و کار گروه‌های اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری



انجام می‌شود، نمونه دیگری از ضعف در اعمال اقتدار قانونی حاکمیت است. در مواجهه با بحران‌های طبیعی مانند سیل و زلزله، بارها شاهد بوده‌ایم که تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات دستگاه‌های اجرایی و امدادی با اختلاف نظر و ناهماهنگی میان نهادهای مسئول همراه بوده است؛ به طوری که در برخی موارد، گروه‌ها و نیروهای موازی با دولت، عملاً دست به اقدامات مستقل زده‌اند و دولت، ناگزیر به عقب‌نشینی یا سکوت شده است.

بحران‌هایی همچون آلودگی هوا، فرسودگی شبکه برق و گاز، قطعی‌های مکرر اینترنت در زمان‌های حساس و مدیریت میادین ورزشی، حضور زنان در ورزشگاه‌ها، شواهدی از ضعف در تصمیم‌گیری مقتدرانه و اعمال حاکمیت قانون، است. موارد دیگری را نیز می‌توان ذکر کرد که حکایت از تعدد مراکز تصمیم‌گیری در کشور دارد. این مثال‌ها، صرفاً از آن جهت بود تا اشاره‌ای به بحران جدی در نظام سیاسی که همانا چالش در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات مقتدرانه و درعین‌حال دموکراتیک است. می‌توان از علل اساسی ناکامی حکومت‌های

در شرایط کنونی، نظام حکمرانی کشور ناگزیر است، درباره مسائل مهم و پیچیده «تصمیمات سخت» اتخاذ کند؛ از موضوعات کلانی همچون؛ مذاکرات هسته‌ای، مناسبات با ایالات متحده و کشورهای منطقه، تا چالش‌هایی مانند ناترازی‌های اقتصادی، بحران انرژی، آب، محیط زیست و موضوعات حساس فرهنگی و اجتماعی مانند حجاب، محدودیت‌های اینترنت و نحوه مواجهه با اعتراضات. در سال‌های اخیر، اتفاقاتی نظیر اعتراضات سراسری دی‌ماه سال ۱۳۹۶ تا پاییز ۱۴۰۱ش، تجمعات و اعتصابات صنفی کارگران، معلمان، بازنشستگان و اعتصاب‌های حوزه‌های صنعتی کلان، همچون نفت و گاز، یا وقایع مربوط به اعتراضات در مناطق مرزی و قومی — از بلوچستان تا کردستان — و نحوه برخورد نیروهای امنیتی و قضایی با این موارد، نشانه‌هایی از چالش‌های جدی در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور است.

به‌علاوه، ماجراهایی همچون تعلیق یا لغو کنسرت‌ها و برنامه‌های رسمی دارای مجوز در برخی شهرها، که تحت فشار گروه‌های تندرو



عمل می‌کند. به این ترتیب، در پایان قرن بیستم و آغازین سال‌های ۲۰۰۰م، حقوق بشر، جایگاه مردم در حکومت، حق انتخاب و تعیین سرنوشت، آزادی‌های فردی، اجتماعی و حزبی، گسترش آموزش عالی و فناوری‌های جدید ارتباطی، یکپارچه‌سازی بین‌المللی تجاری و مالی و ظهور رسانه‌های جهانی، آن‌چنان اهمیت اساسی و نقش محوری می‌یابد که کشورها و رهبران آن‌ها یا واقعا دموکراتیک‌اند و یا اینکه دست‌کم تلاش می‌کنند تا ظاهر دموکراتیکی داشته باشند و اقتضائات آن را تا حد ممکن، رعایت نمایند

اگر در دنیای کنونی در برخی نظام‌ها و حتی کشورهای غربی می‌بینیم که تردیدهایی درباره نظام دموکراسی به وجود آمده، به معنای انکار کارآمدی یا ضرورت حکومت دموکراتیک نیست، بلکه برآمده از بدبینی به عملکرد برخی دولت‌ها و یا سیاستمداران خاص است.

برای نمونه، ممکن است در ایالات متحده، برخی مواضع و اقدامات دونالد ترامپ، اصول دموکراسی را زیر سؤال برد که این موضوع لزوماً ارتباطی به نظام دموکراسی حاکم بر این کشور ندارد

در ترکیه و روسیه احتمالاً اردوغان و پوتین از نظام دموکراسی و انتخابات سوءاستفاده می‌کنند که این امر با نامناسب بودن حکومت دموکراتیک، بحث متفاوتی است

قاجار و پهلوی را در فقدان چنین تعادلی بازجست؛ در اولی خلأ اقتدار مرکزی و خودمختاری حکومت‌های محلی بارز بود و در دومی رویکرد صرفاً اقتدارگرایانه در نبود دموکراسی.

در یادداشت پیش‌رو، به‌عنوان راه‌حلی به معضل فوق، دو نکته را مفروض می‌گیریم؛ نظام حکمرانی باید «دموکراتیک» و «مقتدر» باشد؛ سیستمی که توان حل مسائل پیچیده و چالش‌برانگیز را داشته باشد و به حقوق و خواسته‌های مردم احترام بگذارد

۱- در خصوص موضوع اول، دموکراسی را به نظامی نسبت می‌دهیم که در آن، تنها «مردم»، پایه اصلی حکومت و مبنای تصمیم‌گیری هستند
رأی و نقش همه آحاد شهروندان، فارغ از نژاد، مذهب، قومیت و عضویت در فلان حزب، دسته یا گروه. در طول تاریخ، به تدریج، گذاری از اقتدارگرایی به دموکراسی طی شده است

امروزه بیشتر حکومت‌ها یا سیستم دموکراسی را پذیرفته‌اند و یا تظاهر به پذیرش آن و احترام به حقوق ملت می‌کنند. حتی در نظام‌های سلطنتی نیز که به نوعی حکومت‌هایی استبدادی بودند، پادشاه صرفاً به رئیس تشریفاتی حکومت و نماد وحدت ملی بدل شده و هیچ قدرت و اختیاری در اداره امور مملکت ندارد

در واقع، قدرت واقعی در دست دولت و پارلمان است که به نمایندگی از مردم

با این تفاسیر، در ۸۳ کشوری که در آخرین دور پیمایش ارزش‌های جهانی (۲۰۲۰-۲۰۱۷م.) مورد نظرسنجی قرار گرفتند، نسبت پاسخ‌دهندگانی که داشتن دموکراسی را «بسیار» یا «نسبتاً خوب» می‌دانستند، از ۵۸ درصد در عراق تا ۹۸ درصد در ایسلند، در نوسان بود. میانگین بین‌کشوری نیز ۸۴ درصد بود. هیچ کشوری وجود نداشت که در آن اکثریت، طرفدار دموکراسی نباشند. جالب است که حتی در چین در میان پاسخ‌دهندگان در سال ۲۰۱۸م. ۹۰ درصد گفتند که داشتن نظام سیاسی دموکراتیک «بسیار» یا «نسبتاً» خوب است که این آمار، بیش از میانگین جهانی بود

۲- در مورد موضوع دوم، شایان ذکر است که اقتدار، شرط اساسی ثبات دولت و حفظ حیات یک کشور است. و بر، در عبارت معروفی، دولت را به عنوان نهادی تعریف می‌کند که «انحصار استفاده قدرت مشروع را در یک قلمرو معین در اختیار دارد»؛ این قدرت مشروع همان اقتداری است که اشاره شده است. و بر، این ایده را در شرایطی مطرح می‌کند که کشور آلمان در سال‌های پس از جنگ جهانی اول، دستخوش نابسامانی‌های بسیاری است. جالب است که ضعف نیرومندی و اقتدار در جمهوری وایمار، در ادامه، راه را بر قدرت گرفتن نازی‌ها هموار می‌سازد.

از دوران باستان، در جمهوری روم، در زمانه جنگ‌های خارجی و آشوب‌های داخلی که شرایط اضطراری پدید آمده و به اقدامات ویژه نیاز بود، قوانین جاری، همچنین برخی حقوق شهروندان به حالت تعلیق درآمده و دیکتاتور، برای مدت موقت، قدرت مطلقه می‌یافت.

قرن‌ها بعد، در عصر رنسانس، نیکولو ماکیاوولی در کتاب خود، گفتارها، در باب ضرورت نهاد دیکتاتوری در جمهوری روم و سودمندی‌های آن، سخن به میان آورد. شهریار ماکیاوولی، دیکتاتوری بود که در ایتالیای سده شانزدهم و در بحبوحه جنگ‌ها، بحران‌ها، بی‌ثباتی‌ها و ناامنی‌ها، با خود ثبات، امنیت و آرامش به ارمغان می‌آورد. همچنانکه لویاتان هابز، در سده هفدهم در انگلستان رو به اضمحلال، دولت قدرتمند و مطلقه بود که بر وضعیت طبیعی چیرگی یافت؛

شرایطی که در آن هیچ قاعده، قانون و قدرت برتری حکمفرما نبوده و خطر مرگ خشونت‌بار و ترس دائم بر همه‌جا سایه افکنده و زندگی انسان‌ها را نامطبوع، خشن، کوتاه و قرین انزوا و فقر می‌ساخت. ناامنی و ترس از مرگ، انسان‌ها را بر آن داشت تا با قراردادی اجتماعی، از حقوق طبیعی خود دست بشویند و دولت قوی تشکیل دهند

ژان بُدن نیز در کتاب در باب حاکمیت، حاکمیت را به معنی قدرت مطلق و جدایی‌ناپذیر دولت تعبیر کرد که به غیر از ذات خداوند و اراده آن، هیچ فرد یا مقامی



معضلات حکومت‌های مطلقه از طرفی و تمایل هرچه بیشتر به سوی جایگاه و نقش پُررنگ‌تر مردم در حاکمیت از طرفی دیگر، حکومت‌های دموکراتیک رواج می‌یابند؛ البته با حفظ — به قول وبر — انحصار قدرت مشروع در دست دولت

شاید بتوان هابز، را نخستین اندیشمند سیاسی در نظر آورد که در عین باور به ضرورت دولتی مطلقه، مبانی فردگرایی و لیبرالیزم در حکومت را نیز بنیان گذاشت. در ادامه، دیگر اندیشمندان، در کنار دولتی نیرومند و برقراری حاکمیت قانون، بر استقرار نظامی دموکراتیک تأکید کردند. در عصر حاضر، نظام‌های دموکراتیکی در کشورهای گوناگون استقرار یافته‌اند — از دولت‌های غربی گرفته تا دولت‌هایی چون هند و کره جنوبی و ژاپن — که نه تنها مقتدرانه ضامن نظم، امنیت و معیشت شهروندان خود بوده‌اند، بلکه جایگاه، حقوق و آزادی‌های آن‌ها را نیز پاس داشته‌اند

در نهایت، برای عبور از بحران‌های حکمرانی و دستیابی به ثبات، امنیت و توسعه پایدار، کشور، نیازمند نظام سیاسی مقتدر و درعین‌حال دموکراتیک است؛ نظامی که در تأمین نظم، امنیت و حل معضلات اساسی جامعه توانا باشد و در حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان و پاسخگویی به مطالبات آنان کوشا باشد. ترکیب اقتدار مشروع با مشارکت واقعی مردم، راهکاری است که می‌تواند مسیر آینده کشور را هموار سازد و از تکرار تجربه‌های تلخ گذشته، جلوگیری کند

نمی‌تواند آن را تهدید کند.

بُدن حاکمیت مطلقه را در دوران پس از اصلاحات پروتستان در فرانسه و در زمانه درگیری‌ها و جنگ‌های مذهبی تئوریزه کرد. در قرن هجدهم و در عصر روشنگری نیز فیلسوفانی چون ژان ژاک روسو — که او نیز از اصحاب قرارداد اجتماعی به‌شمار می‌آید — بر این باور بودند که در شرایط اضطراری و خاص، می‌توان قوانین جاری را کنار نهاده و یک فرد را، به‌طور موقت، با اختیارات تام به ریاست دولت انتخاب کرد در قرن نوزدهم، این دیکتاتوری پرولتاریا بود که از سوی مارکس و انگلس وارد ادبیات سیاسی شد

دیکتاتوری پرولتاریا به معنی تملک قدرت مطلقه در دست طبقه کارگر، در دوره گذار از جامعه سرمایه‌داری به جامعه کمونیستی، بود. موضوعی که پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م. در روسیه، در بنیانگذاری حکومت متمرکز و مستبد مورد سوءاستفاده لنین و به‌ویژه استالین قرار گرفت. در قرن بیستم نیز، جهان شاهد به قدرت رسیدن انواع گوناگونی از دیکتاتورهای مخوف و اقتدارگرا بود.

بنابراین، یکی از توجیهات بر سر کار آمدن حکومت‌های مقتدر، وضعیت اضطراری، بحرانی و لزوم استقرار نظم، امنیت و تأمین معیشت است که موجب می‌شود حتی در دوران مدرن هم این نوع نظام سیاسی منسوخ نگشته و همچنان مورد اقبال و پذیرش واقع شود

باین‌حال، به تدریج، با در نظر گرفتن

نقش سرمایه گذاری در بخش کشاورزی به منظور تحقق شعار سال

«سرمایه گذاری برای تولید»



دکتر افسانه دلشاد

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان

با پدیدار شدن اقتصاد جهانی، اهمیت سرمایه و سرمایه گذاری در الگوهای رشد و توسعه، بیشتر مورد توجه قرار گرفت و سرمایه-گذاری به عنوان یکی از اساسی ترین مباحث اقتصادی، برای تداوم رشد و توسعه اقتصادی، در اکثر کشورها به شمار می رود. در میان سرمایه گذاری ها در بخش های مختلف اقتصادی، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. هر چه میزان سرمایه گذاری در بخش تولید کشاورزی بیشتر باشد، راندمان تولید بیشتر می گردد و بهره وری و عملکرد بخش کشاورزی بالاتر می رود؛ بنابراین با توجه به تأکید مقام معظم رهبری و مسئولان بر اولویت موضوع سرمایه گذاری، یافتن راهکارهایی برای حل معضل سرمایه گذاری بخش کشاورزی، ضروری است. در این راستا، در پژوهش حاضر جایگاه، مفاهیم، انگیزه ها و منافع سرمایه-گذاری مستقیم خارجی؛ شرایط جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی؛ محدودیت ها و تهدیدهای بالقوه سرمایه گذاری خارجی مطالعه و بررسی شده است. همچنین نسبت به واکاوی جامع موانع و چالش های جذب سرمایه گذار خارجی در بخش کشاورزی اقدام گردیده است و سپس راهکار و پیشنهاد برای جذب سرمایه گذار خارجی در بخش کشاورزی، ارائه شده است

مقدمه

بستر و ساختارهای مناسب را هموار کنند، بلکه موجبات جلب سرمایه های خارجی را نیز فراهم کنند و با هدایت سرمایه ها به بخش های اولویت دار، حداکثر بهره برداری لازم را در جهت منافع ملی به عمل آورند. تجربه کشورهای موفق در زمینه تولید محصولات کشاورزی، حاکی از آن است که به کارگیری تجهیزات سرمایه ای در فعالیت های مختلف کشاورزی، منجر به افزایش بهره وری عوامل تولید شده و این شرایط، علاوه بر پوشش هزینه های نهادهای تولید و ایجاد بازده مناسب برای سرمایه گذاری، مازاد عرضه داخلی و توسعه صادرات محصولات کشاورزی را نیز به همراه خواهد داشت. عامل دیگری

سرمایه گذاری، موجب افزایش تولید و عرضه کالاها و اشتغال زایی می شود و از هدر رفتن منابع و افزایش قیمت ها جلوگیری می-کند. تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری، به دلیل اهمیت نهاده سرمایه، به عنوان یکی از عوامل عمده تولید، از جایگاه به خصوصی در رشد و توسعه جوامع برخوردار است. این در حالی است که اکثر کشورهای در حال توسعه، به دلیل نقدینگی پایین و منابع مالی محدود، برای اجرای طرح های اقتصادی، رشد اقتصادی و کشاورزی خود، به دنبال راه های جذب سرمایه های خارجی هستند؛ بنابراین دولت های سرمایه پذیر، نه تنها باید



نوع سرمایه‌گذاری، می‌تواند شامل

- ۱- سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها: خرید یا ساخت ماشین‌آلات، کارخانه، تجهیزات و سایر دارایی‌های تولیدی
- ۲- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها: ایجاد و بهبود زیرساخت‌های حیاتی مانند پل، جاده و شبکه‌های ارتباطی
- ۳- سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تحقیق و توسعه: تأمین اعتبار برای نوآوری‌های فناوری و تحقیقات علمی
- ۴- سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی: خرید اوراق قرضه، سهام و دیگر ابزار مالی در بازارهای داخلی باشد. سرمایه‌گذاری خارجی نیز در دو قالب؛ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی تقسیم بندی می‌شود. طبق قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی، معادل به‌کارگیری سرمایه خارجی در بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری که به صورت سرمایه‌گذاری در تولید و ساخت کالا، استخراج مواد خام، تأسیس و گسترش نهادهای مالی در فراسوی مرزهای ملی انجام می‌شود. زمانی که یک سرمایه‌گذار ساکن در یک کشور (کشور مبدأ) دارایی را در کشور دیگری (کشور میزبان) به قصد مدیریت آن دارایی خریداری می‌کند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتفاق می‌افتد (خداوردیان، ۱۴۰۰). اشکال مختلف سرمایه‌گذاری خارجی به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری مستقل خارجی، سرمایه‌گذاری مشترک خارجی، سرمایه‌گذاری مشترک مستقیم قراردادی و سرمایه‌گذاری مستقیم مشترک سهامی تقسیم بندی می‌شوند. (فرجی، ۱۳۹۷)

که در تأمین سرمایه و منابع مالی در بخش کشاورزی نقش دارد، وجود بازارهای مالی کشاورزی است. بازار مالی کارآمد که نیازهای مالی کشاورزان را با هزینه نسبتاً پایین تأمین کند، از جمله پیش‌نیازهای توسعه بخش کشاورزی است. علاوه بر این، دسترسی آسان و سریع به منابع مالی یکی از الزامات سرمایه‌گذاری و توسعه بخش کشاورزی است، اما به دلیل ویژگی‌های خاص بخش کشاورزی، همچون ماندگاری کم محصولات، فسادپذیری و توسعه نیافتگی بازارهای مالی، حوزه کشاورزی همواره با محدودیت شدید سرمایه‌گذاری مواجه است.

سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری به معنای گذاشتن پول در عملیات اقتصادی و تعهد پول یا سرمایه برای خرید وسایل، اموال یا دارایی‌های دیگر، به منظور انتفاع از برگشت‌های سودمند و مفید در قالب بهره، سود سهام یا منافع سرمایه است که به پس‌انداز یا کاهش مصرف وابسته است و در آن کالاهای سرمایه‌ای برای تولید کالاها یا خدمات دیگر به کار می‌رود؛ لذا خرید کالایی از سوی مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاری تلقی نمی‌شود. به عبارت دیگر؛ سرمایه‌گذاری، هرگونه فدا کردن ارزش در حال حاضر، به امید به دست آوردن هرگونه ارزش در زمان آینده است که معمولاً اندازه و کیفیت آن نامعلوم است و پروسه ذاتاً پویا است و هر سرمایه‌گذاری وابسته به سرمایه‌گذاری دوره قبل است. سرمایه‌گذاری بر اساس ماهیت سرمایه‌گذار به دو دسته؛ سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تقسیم می‌گردد. سرمایه‌گذاری داخلی؛ به معنی تخصیص منابع انسانی، مالی یا فیزیکی به پروژه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی در یک کشور است. این

انگیزه ها و شرایط جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی

سرمایه گذار مستقیم خارجی، با انگیزه هایی همچون سرمایه گذاری به منظور دستیابی به منابع اولیه، دسترسی به بازار، افزایش کارایی و استفاده از دارایی های استراتژیک، انجام می شود. سرمایه گذاری خارجی از جهاتی همچون ساختار و عملکرد صنعتی، رشد اشتغال و سرمایه انسانی، افزایش نقدینگی بازارهای سرمایه محلی، پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد بین المللی، موازنه پرداخت ها و تشکیل سرمایه و دستیابی به بازارهای صادراتی و ... دارای منافع و اثرات تأثیرگذار است. سرمایه گذاری مستقیم خارجی، تابع عواملی از قبیل نرخ بازگشت سرمایه، زیرساخت ها، رشد اقتصادی، سرمایه گذاری داخلی، منابع طبیعی، سرمایه انسانی، تورم، نرخ ارز، بدهی خارجی، سیاست پولی، سیاست مالی، سیاست بازرگانی، سیاست های ناظر بر مقررات، ثبات تراز تجاری، گستردگی بازار، وضع مالی دولت، مالیات، بدهی خارجی، ساختار تأمین مالی، تأسیسات زیربنایی، نیروی کار ماهر و توسعه منابع انسانی، وجود شبکه اطلاع رسانی گسترده، عوامل تشویقی و حمایتی، حقوق سیاسی و نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی است. عواملی همچون سیاست های کشور میزبان، حمایت فعال کشورها به منظور توسعه و سهولت سرمایه گذاری، ویژگی های اقتصادی کشور میزبان از دیگر عوامل مهم و مؤثر بر جذب سرمایه گذاری خارجی محسوب می گردد. کشور، هر میزان از امکانات گسترده تری برای کاهش هزینه های تولید برخوردار باشد و سطح تکنولوژی بالاتری داشته باشد، جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به آن،

بیشتر خواهد بود

موانع و چالش های جذب سرمایه گذاری خارجی در بخش کشاورزی

بخش کشاورزی، به دلیل تأثیر جهانی که می تواند در زمینه حل چالش های اقتصادی و نیاز به سرمایه گذاری های جدید داشته باشد، جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. به این منظور، در سال های اخیر کشور ایران، تلاش های زیادی را برای جذب سرمایه گذاری خارجی به عمل آورده است، اما با توجه به تلاش ها، پتانسیل های فراوان، ظرفیت ها و موقعیت ژئواستراتژیک ایران، نتیجه شایانی کسب نشده و میزان جذب سرمایه گذاری خارجی در کشور نسبت به توانمندی های آن، بسیار پایین بوده است؛ بنابراین تلاش زیاد و عدم کسب نتیجه متناسب، به چالش اساسی پیش روی تصمیم گیرندگان اقتصادی کشور تبدیل شده و بررسی های متعددی برای آسیب شناسی این موضوع انجام شده است.

موانع و چالش جذب سرمایه گذاری خارجی در بخش کشاورزی شناسایی شده است که به آن اشاره شده است.

- ۱- خرد شدن زمین ها ۲- نارسایی زنجیره تأمین ۳- پایین بودن سرانه زمین ۴- بالا بودن هزینه مبادله ۵- گران بودن منابع بانکی ۶- ناپایداری منابع کشاورزی ۷- عدم کفایت سرمایه گذاری ۸- روش های نامناسب کاشت ۹- محدود شدن مقاصد صادراتی ۱۰- تأثیر روابط سیاسی بر تجارت ۱۱- بالا بودن هزینه تمام شده تولید ۱۲- ناامنی های تولیدات کشاورزی، کمبود اعتبارات ریالی و ارزی ۱۴- ضعف قوانین و مقررات حمایتی



صادراتی ۴۹- عدم امنیت سرمایه‌گذاری در سطح اقتصاد کلان، ۵۰- ضعف در اطلاع‌رسانی و تعامل با بخش خصوصی

پیشنهادهاى جذب سرمایه‌گذار خارجی در بخش کشاورزی

سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه، موتور رشد اقتصادی در هر کشوری است. برای توسعه تولید، باید سرمایه‌گذاری گسترده شود. شرط لازم برای توسعه سرمایه‌گذاری، افزایش بازدهی و بهره‌وری هزینه است. لازمه تشویق سرمایه‌گذاری، استفاده از شیوه‌های جدید جذب سرمایه‌گذاران از داخل و خارج کشور است. سرمایه‌گذاری، در اکثر کشورها و به خصوص در کشورهای در حال توسعه، توسط بخش خصوصی و دولتی انجام می‌شود و دسترسی آسان و سریع به منابع مالی، یکی از الزامات و پیش‌نیازهای سرمایه‌گذاری و توسعه بخش کشاورزی است؛ بنابراین سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، منجر به رشد تولید و اشتغال می‌شود و به دلیل پیوندهای قبلی و بعدی با سایر فعالیت‌های اقتصادی، به افزایش تولید و اشتغال در بسیاری از کشورها کمک می‌کند.

در این راستا، راهکار و پیشنهادهاى برای جذب سرمایه‌گذار خارجی در بخش کشاورزی شناسایی و مطرح شده است.

- ۱- خرید تضمینی محصولات کشاورزی
- ۲- راه‌اندازی تعاونی‌های تولید کشاورزی-۳
- استفاده بهینه از قابلیت‌های آب و خاک
- ۴- بالا بردن ضریب مکانیزاسیون کشاورزی
- ۵- ارائه خدمات بیمه‌ای مناسب به کشاورزان-۶ پرداخت یارانه جهت تأمین نهادهای کشاورزی-۷ پرداخت خسارات به

- ۱۵- عدم صرفه تولید در واحد مقیاس-۱۶
- هزینه بالای نگهداری محصولات-۱۷ تعیین رشد خطی برای کشاورزی-۱۸ کاهش سطح زیر کشت اراضی دیم-۱۹ نگاه سنتی به فعالیت‌های کشاورزی-۲۰ قاچاق محصولات کشاورزی کشور-۲۱ عدم تعادل سفره‌های آب زیرزمینی-۲۲ محدودیت‌های آبی و منابع زیرزمینی-۲۳ عدم استقرار نظام بهره‌برداری مناسب-۲۴ نبود راهبردهای میان‌مدت و بلندمدت-۲۵ فشارهای سیاسی به برداشت آب بیشتر-۲۶ وجود تحریم‌های اقتصادی علیه ایران-۲۷ ناهماهنگی برنامه‌های آب و کشاورزی،-۲۸ پایین بودن بهره‌وری زمین، آب و انرژی،-۲۹ توسعه نیافتگی بازارهای مالی کشاورزی-۳۰ ریسک بالای تولید محصولات کشاورزی-۳۱ کاهش سرانه اراضی به ازای هر بهره‌بردار-۳۲ تغییرات اقلیم و تأثیرات آن بر کشاورزی-۳۳ قیمت‌گذاری دستوری در بخش کشاورزی،-۳۴ ناآگاهی کشاورزان از مزایای کشاورزی-۳۵ بالا بودن نرخ بی‌سوادی در میان کشاورزان-۳۶ عدم توانایی اکثر کشاورزان برای اخذ وام-۳۷ برداشت‌های بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی-۳۸ افزایش کمیت و کیفیت تولیدات کشاورزی-۳۹ تراکم زیاد نیروی کار در اراضی کشاورزی-۴۰ نبود سرمایه‌گذاری کافی در بخش کشاورزی-۴۱ کمبود انگیزه کشاورزان برای تغییر نوع کشت-۴۲ گران بودن تجهیزات و ماشین‌آلات کشاورزی-۴۳ کاهش سطح زیرکشت محصولات کشاورزی-۴۴ وجود ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و اجرایی-۴۵ حذف ردیف اعتبار اجرایی پروژه‌های کشاورزی-۴۶ فقدان نهادهای قوی در بحث ذخایر استراتژیک-۴۷ عدم بهره‌گیری کافی از منابع آبی موجود کشور-۴۸ عدم بازاریابی مناسب برای محصولات

به دیگر کشورها ۳۲- تشویق کشاورزان به استفاده از فناوری های دوست دار محیط زیست ۳۳- کاهش هزینه های تولید و لزوم تثبیت قیمت های نهاده های کشاورزی ۳۴- تدوین و اجرای چارچوب های حقوقی جهت دسترسی به زمین و آب ۳۵- روشن نمودن برنامه های حمایتی دولت از تشکل های تولیدکننده ۳۶- جلب اعتماد بهره برداران نسبت به پذیرش تولید محصولات کشاورزی ۳۷- اتخاذ مدیریت تلفیقی با آفات و مبارزه بیولوژیکی با بیماری های گیاهی ۳۸- بازنگری و اصلاح قوانین به منظور تسهیل جذب سرمایه و تخصیص منابع ۳۹- تقویت امور فنی و مدیریتی در تشکل های تولیدات محصولات کشاورزی ۴۰- هدایت و نظارت بر منابع اعتباری طرح های سرمایه گذاری بخش کشاورزی ۴۱- تولید و توزیع نهاده های مورد نیاز کشت شامل کود زیستی و بذرهای سالم ۴۲- پایش کشت زارها و باغ ها توسط کارشناسان کلینیک های گیاه- پزشکی ۴۳- توسعه و گسترش بازارهای عرضه محصولات کشاورزی با همکاری دولت ۴۴- فرهنگ سازی برای نهادینه نمودن مصرف محصولات کشاورزی نزد مردم ۴۵- اقدام به کنترل واردات غیرمنطقی و ضد تولید داخلی محصولات کشاورزی ۴۶- اختصاص یارانه نقدی از طرح هدفمندی یارانه ها به محصولات کشاورزی ۴۷- هماهنگی های لازم بین نیازهای واقعی کشاورزان و سیاست های کلان اقتصادی ۴۸- تجاری سازی و رواج یافته های جدید تحقیقاتی در زمینه نهاده های کشاورزی ۴۹- ساماندهی نظام ارزیابی خسارت در چارچوب سند راهبرد ملی مدیریت بحران ۵۰- خرید تضمینی محصولات تولیدکنندگان توسط سازمان تعاون روستایی کشور

تولیدکنندگان آسیب دیده ۸- استفاده از کشت زارهای الگویی کشت ارگانیک ۹- بالا بردن راندمان تولید در اراضی زراعی و باغی ۱۰- آموزش و ترویج کشت محصولات کشاورزی ۱۱- پرداخت یارانه مستقیم از سوی دولت به کشاورزان ۱۲- صدور برچسب معتبر برای محصولات کشاورزی ۱۳- راه اندازی نمایشگاه های عرضه محصولات کشاورزی ۱۴- رفع محدودیت های توسعه سرمایه گذاری ریسک پذیر ۱۵- حمایت از سرمایه گذاری در کسب و کارهای کشاورزی ۱۶- حفاظت از کیفیت خاک، آب و محصولات کشاورزی ۱۷- تخصیص یارانه به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی ۱۸- اصلاح ساختارهای سنتی تولید با سرمایه گذاری اصولی ۱۹- کاهش تعرفه های مربوط به واردات نهاده های کشاورزی ۲۰- بازیافت پسماند محصولات کشاورزی توسط بهره برداران ۲۱- تزریق نقدینگی به حوزه فعالیت های کشاورزی توسط دولت ۲۲- تقویت تشکل های غیردولتی در زمینه مدیریت زیست محیطی ۲۳- کاهش انواع ریسک های بخش کشاورزی با استفاده از بیمه ها ۲۴- حمایت کشاورزان در دوره گذار از کشاورزی سنتی به جدید ۲۵- بهره گیری از رسانه ها برای تبلیغ گسترده محصولات کشاورزی ۲۶- جمع آوری و دفع پساب و پسماند کشاورزی به صورت مکانیزه ۲۷- بهبود مشارکت های زودبازده میان بخش های خصوصی و دولتی ۲۸- ارائه کمک های بلاعوض به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی ۲۹- برقراری معافیت مالیاتی برای تولیدکنندگان محصولات کشاورزی ۳۰- خرید تضمینی محصولات تولیدکنندگان توسط سازمان های حمایتی ۳۱- تقویت فرآیند صادرات محصولات تولیدکنندگان



چالش‌ها و مسائل فرهنگی و اجتماعی شهر یزد

اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان یزد

۱- مقدمه

یزد، با سابقه بیش از سه هزار سال، یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران است که مرکز فرهنگی و تاریخی، با بافت متفاوت و ویژه، الگوی منحصر به فردی از سازگاری انسان با محیط زیست، به شمار می‌آید. این شهر با معماری خشتی، بادگیرها، آتشکده‌ها و مسجدها، جلوه‌گاه غنی از فرهنگ و هویت ایرانی- اسلامی است. با این حال، یزد در عصر حاضر، با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی متعددی که متأثر از عوامل متنوع داخلی و خارجی است، رو به رو است. تحولات سریع اجتماعی، اقتصادی و فناوری در دنیای معاصر، فشارهای جدیدی به زندگی اجتماعی و فرهنگی یزد وارد کرده است. جهانی‌سازی و نفوذ فرهنگ‌های بیگانه به ویژه در میان نسل جوان، منجر به تغییر در الگوهای رفتاری، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی شده است؛ به همین ترتیب، فرآیندهای شهرنشینی، افزایش مهاجرت و تغییرات ساختاری در خانواده‌ها، تنش‌ها و ناهنجاری‌های جدیدی را ایجاد کرده است که ظرفیت خطرناکی برای هویت فرهنگی و انسجام اجتماعی این شهر به شمار می‌آیند. در این راستا، چالش‌ها و مسائل اجتماعی مانند اعتیاد، فقر، ناهنجاری‌های رفتاری و بحران‌های خانوادگی، بر دوش جامعه یزد سنگینی می‌کند که به شدت بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر گذاشته و می‌تواند به

احساس نارضایتی و بی‌اعتمادی اجتماعی منجر شود؛ از این رو، شناسایی و تجزیه و تحلیل این چالش‌ها و عوامل مرتبط با آنها، امری ضروری به نظر می‌رسد. یادآوری این نکته ضروری است که برای مدیریت مؤثر این چالش‌ها، نیاز است تا ضمن حفظ هویت فرهنگی و میراث اجتماعی یزد، مشارکت فعال تمامی ذینفعان از جمله؛ دولت، نهادهای اجتماعی و خود شهروندان فراهم شود. در این زمینه، تحقیق در حوزه چالش‌های فرهنگی اجتماعی یزد می‌تواند به عنوان گام اساسی، در راستای شناخت بهتر و ارائه راهکارهای مؤثر به منظور ارتقاء وضعیت اجتماعی و فرهنگی این شهر ارزشمند عمل کند

یزد، با تاریخچه غنی و فرهنگی، در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است. چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در یزد، ناشی از ترکیبی از عوامل داخلی و خارجی است. تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی، شهرنشینی و تحولات جهانی به ایجاد ناهمبستگی در ارزش‌ها و الگوهای رفتاری منجر شده است. از طرفی، عدم توجه کافی به حفظ هویت فرهنگی و رویارویی با فرهنگ‌های بیگانه، چالش‌های جدیدی را ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی در یزد، نگرانی در مورد حفظ هویت فرهنگی و آثار تاریخی این شهر است. روند جهانی شدن و نفوذ فرهنگ‌های بیگانه به ویژه در میان جوانان، تهدیدی جدی برای فرهنگ بومی و محلی یزد محسوب می‌شود. کاهش علاقه‌مندی به سنت‌های فرهنگی و هنری

مانند موسیقی، رقص و آئین‌های محلی، نکته‌ای است که لازم است به آن پرداخته شود. در حیطه مسائل اجتماعی نیز، بایستی به آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، فقر و ناهنجاری‌های رفتاری در میان گروه‌های مختلف اشاره کرد. این موارد به تنش‌های اجتماعی و افزایش نارضایتی عمومی منجر شده و بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین، افزایش طلاق و کاهش وفاداری به نهاد خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی از دیگر چالش‌ها است که نیازمند تحلیل و بررسی جدی است. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و بررسی چالش‌های فرهنگی و اجتماعی یزد و تحلیل عواملی است که به بروز این چالش‌ها منجر شده‌اند. همچنین، نویسندگان در نظر دارد تا با ارائه راهکارهایی بنیادین، به مسئولین و نهادهای مربوطه کمک کند تا بتوانند با برنامه‌ریزی‌های مناسب به تقویت هویت فرهنگی و بهبود وضعیت اجتماعی در یزد بپردازند.

۲- بررسی و تحلیل اسناد فرادست

۲-۱. سیاست‌های کلی نظام

سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، در خصوص چالش‌های فرهنگی و اجتماعی، دربرگیرنده رویکردها و برنامه‌هایی است که به منظور مدیریت، تقویت و توسعه فرهنگ و هویت ملی و پاسخ به چالش‌های اجتماعی طراحی شده‌اند. این سیاست‌ها می‌تواند شامل موارد زیر باشد

- ۱- تقویت هویت ملی و دینی: توجه به فرهنگ اسلامی و ایرانی و ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی متناسب با این هویت
 - ۲- ارتقاء دانش عمومی: توسعه آموزش و پرورش و همچنین ارتقاء سطح آگاهی عمومی در مسائل اجتماعی و فرهنگی.
 - ۳- مبارزه با آسیب‌های اجتماعی: برنامه‌ریزی و اقدامات مؤثر در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد، فقر و بیکاری
 - ۴- توسعه فرهنگی: حمایت از هنر و ادبیات، ترویج فرهنگ‌های بومی، محلی و حمایت از نهادهای فرهنگی
 - ۵- تقویت خانواده: توجه به اهمیت نهاد خانواده و حمایت از برنامه‌های مرتبط با تقویت بنیان خانواده
 - ۶- مشارکت فعال جوانان: ایجاد فضاهای مشارکت برای جوانان و تشویق آنها به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی
 - ۷- توجه به رسانه‌ها: مدیریت و هدایت رسانه‌ها برای ترویج فرهنگ مناسب و مقابله با تهدیدات فرهنگی
 - ۸- گفتمان‌های فرهنگی: ایجاد فرصت‌های گفتگو و تبادل نظر در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی به منظور فهم بهتر و کاهش تنش‌ها
- این سیاست‌ها معمولاً در راستای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و برنامه‌های



اجتماعی در شهر یزد توجه دارند

۶- سند ملی حقوق شهروندی: این سند که بر بهبود وضعیت اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد، می‌تواند به چالش‌های موجود در یزد کمک کند

۷- سیاست‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی: این سیاست‌ها می‌توانند در جهت شناسایی چالش‌ها کمک کنند و به ارائه راهکارهای لازم برای تقویت فرهنگ و اجتماع در یزد بپردازند. با توجه به جغرافیا، تاریخ و ویژگی‌های خاص فرهنگی یزد، برخی چالش‌های خاص مانند حفظ و توسعه گردشگری فرهنگی، مقابله با ارزش‌های وارداتی و توجه به حفظ هویت محلی در برابر تغییرات اجتماعی و اقتصادی در این اسناد، به خوبی بازتاب یافته است.

۲-۳. قانون برنامه هفتم

قانون برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد توسعه‌ای در کشور، شامل اهداف و سیاست‌هایی در زمینه‌های مختلف از جمله چالش‌های فرهنگی و اجتماعی است. این برنامه، به طور خاص به نکات زیر در حوزه فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد

۱- توسعه فرهنگی: توسعه و ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی، تقویت هویت ملی و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و هنری در سطح ملی و محلی مورد تأکید قرار گرفته است

۲- ارتقاء سطح آموزش و پژوهش: بهبود سیستم آموزشی، افزایش کیفیت آموزش و حمایت از پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی برای شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهای

وزارت‌خانه‌های مربوطه نظیر؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر نهادهای اجتماعی کشور، تدوین و اجرایی می‌شوند

۲-۲. اسناد ملی و استانی آمایش سرزمین

۱- آمایش سرزمین، به معنای برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه منابع و سرزمین‌ها با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. در خصوص چالش‌های فرهنگی و اجتماعی شهر یزد، برخی اسناد ملی و استانی مرتبط شامل موارد زیر است

۲- سند آمایش سرزمین کشور: این سند به مشخص کردن اصول کلی و الزامات تخصیص قلمروها و فعالیت‌ها در سطح ملی می‌پردازد و دربرگیرنده سیاست‌هایی در زمینه تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی است

۳- برنامه جامع توسعه یزد: این برنامه با هدف توسعه پایدار و متوازن استان یزد در تمامی حوزه‌ها و به ویژه در بخش فرهنگی و اجتماعی تهیه شده است. این سند، به برخی چالش‌ها مانند حفظ هویت فرهنگی، توسعه گردشگری و رونق فعالیت‌های فرهنگی پرداخته است.

۴- سند توسعه اجتماعی استان یزد: این سند، به تحلیل و شناخت چالش‌ها و مسائل اجتماعی استان از جمله آسیب‌های اجتماعی آنها و به ضرورت تقویت نهاد خانواده و جوانان می‌پردازد

۵- برنامه‌های محلی و استانی: این برنامه‌ها که توسط شهرداری و سایر نهادهای محلی تدوین می‌شوند، به‌طور خاص، به مسائلی همچون فضاهای عمومی، فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی و بهبود ارتباطات

جوامع مختلف توجه ویژه‌ای دارد. این برنامه، سعی دارد تا با رویکرد جامعی به چالش‌های موجود پاسخ دهد و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی را هدف قرار دهد

۳- چالش‌ها

بسیاری از آسیب‌های امروز یزد، ناشی از برخی فرآیندهای صنعتی‌شدن در این منطقه است. رشد صنعتی یزد، در چند دهه اخیر، تأثیرات بسیاری روی فرهنگ و جامعه آن گذاشته است و سرعت شهرنشینی و میل به انتخاب سبک زندگی شهری در اکثر شهرستان‌های استان، بسیار رشد یافته است. در برخی از حوزه‌های صنعت نیز به شکل تک عاملی عمل شده است و به عبارتی تنها به فکر گسترش صنعت بوده و به ضرورت‌های دیگری همچون توجه به محیط زیست، منابع طبیعی و بافت جمعیتی، توجه آنچنانی نشده است که در اینجا بررسی می‌شود

۱- مهاجرت: حدود درصد ۸۵ جمعیت استان یزد در مناطق شهری زندگی می‌کنند. نرخ رشد بالای جمعیتی استان یزد به ویژه در مناطق شهری آن، ناشی از فرایند مهاجرت است. چالش مهم جمعیتی استان یزد، مسئله بالا بودن میزان مهاجرپذیری، بیشتر از مناطق و استان‌های توسعه نیافته کشور و حتی خارج از کشور (از کشور افغانستان) است. به دلیل تأخیر در وضعیت اشتغال نابسامان این افراد به مدت چندین سال، همچنان استان مهاجرپذیر بوده و تمرکز جمعیت در مرکز استان و چند شهرستان طبق الگوی سال‌های گذشته ادامه می‌یابد؛ در نتیجه عدم تعادل، در توزیع جمعیت بیشتر

مؤثر هدف‌گذاری شده است

۳- مقابله با آسیب‌های اجتماعی: شناسایی و کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله اهداف محوری برنامه است. این امر، شامل طراحی و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه و حمایتی است

۴- توسعه اجتماعات محلی: ترغیب به مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی و تشویق به ایجاد نهادهای مدنی محلی

۵- توجه به جوانان: برنامه هفتم بر لزوم حمایت از جوانان و ایجاد فرصت‌های شغلی و فرهنگی برای آنان تأکید دارد. ارتقاء مشارکت جوانان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و فرهنگی از دیگر اهداف این برنامه است

۶- گسترش زیرساخت‌های فرهنگی: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی، از جمله کتابخانه‌ها، مراکز هنری و فضاهای عمومی برای ارتقای سطح فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی

۷- تعاملات فرهنگی بین‌المللی: تقویت تعاملات فرهنگی با سایر کشورها و استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی برای معرفی فرهنگ و هنر ایرانی

۸- توجه به خانواده: اهمیت نهاد خانواده و حمایت از برنامه‌های تقویت روابط خانوادگی و اجتماعی در سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است.

در کل، برنامه هفتم توسعه به دنبال ایجاد بستر مناسب برای تقویت فرهنگ و هویت اجتماعی است و به چالش‌هایی مانند آسیب‌های اجتماعی و نیازهای فرهنگی



خواهد بود.

۵- پایین آمدن سن ارتباط با جنس مخالف و بالا رفتن سن ازدواج: سن ارتباط با جنس مخالف پایین آمده، اما استان نسبت به متوسط کشوری جایگاه بهتری دارد. روند سن ازدواج بر عکس، بالا رفته است و این موضوع، آسیب‌پذیری نسل جوان یزد را بالا برده است. به دلیل جو حاکم و افزایش ریسک ازدواج و مشکلات موجود، به همراه ضعف در دین‌داری و تبعیت از هنجارهای رسمی، سن ازدواج بالا رفته و ازدواج رسمی کاهش یافته و تمایل به سبک‌های دیگر زندگی مشترک افزایش پیدا می‌کند، بطوری که تدریجاً به صورت معضلی اجتماعی در می‌آید که نیازمند توجه و سیاست‌گذاری در این حوزه است

۶- تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی محلی یزد: روند کلی تأثیرگذاری فضای مجازی، صعودی خواهد بود، اما مدیران فرهنگی در این حوزه، اقدامات مناسبی انجام داده و در تلاش هستند تا از این فضا به خوبی استفاده کنند و سبک زندگی ملی و محلی را تقویت و ترویج کنند

۷- بهره‌وری پایین دستگاه‌های اجرایی به دلیل محافظه‌کاری مدیران: بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی در حد متوسط، اما با شیب ملایمی در حال رشد است، مدیریت‌ها محافظه‌کارانه و نسبتاً ضعیف است. مدیران، در تصمیم‌گیری‌ها نسبتاً منفعلانه عمل می‌کنند و بیشتر واکنش، نشان می‌دهند تا کنشگر فعال باشند. مشارکت بین بخش‌ها پایین است و شفافیت، در حد متوسط است. به طور کلی، وضعیت در این سناریو میانه است، در برخی از متغیرها حرکت به سمت وضع مطلوب است و در برخی دیگر در جهت

می‌شود

۲- فردگرایی: طبق بررسی‌ها، جامعه یزد و خانواده‌های یزدی به نوعی در مرحله گذار، قرار دارند. تحلیل آیتم‌های رصد ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها، نشان می‌دهد که در ابعاد اعتقادی و عاطفی، یزدی‌ها نمرات مطلوب و بالاتر از میانگین کشوری را کسب کرده‌اند، به طور مشابه در انجام مناسک فردی در وضعیت مطلوب و بالاتر از متوسط کشوری قرار داشته‌اند، با این وجود، در انجام مناسک جمعی، وضعیتی نامناسب و پایین‌تر از متوسط و میانگین کشوری داشتند

۳- رشد مصرف‌گرایی: در برداشت ذهنی متداول در فرهنگ عمومی جامعه ایران، از دیرباز ساکنان یزد با صفات قناعت‌پیشگی، صرفه‌جویی و اهل پس‌انداز بودن، شناخته می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان پس‌انداز مردم، نسبت به درآمدشان بالا بوده و در این زمینه، رتبه سوم کشوری را دارند که نشان‌دهنده فرهنگ قناعت در مردم استان و مصرف‌گرایی پایین مردم یزد در مقایسه با سایر استان‌های کشور است، اما این فرهنگ در نسل جوان در حال تغییر است. نسل جدید به زمان حال توجه دارد؛ لذا نگرش سنتی یزد، برای آنان معنا ندارد

۴- اعتیاد: سن اعتیاد، در استان یزد در حال کاهش و میزان شیوع اعتیاد در زنان، در حال افزایش است. همچنین گرایش به انواع مواد مخدر نوین و الکل در حال افزایش است. سن اعتیاد، پایین آمده و مصرف مواد مخدر نوین و الکل، افزایش یافته است. وضعیت استان، در این حالت قرمز و نامطلوب خواهد بود و در بسیاری از متغیرها، حرکت در جهت نامطلوب بوده و در نتیجه در شاخص‌های مختلف وضعیت از متوسط کشوری نامطلوب‌تر



نامطلوب پیش می‌رود

۸- شکاف طبقاتی: ساختار اقتصادی، به‌گونه‌ای است که شکاف طبقاتی و فقر را زیاد می‌کند و پدیده حاشیه نشینی به معضلی برای شهرهای بزرگ استان تبدیل خواهد شد. در دهه گذشته، کاهش فاصله طبقاتی، یکی از نقاط قوت اقتصادی استان یزد محسوب می‌شد؛ این در حالی است که استان نتوانست نقطه قوت اقتصادی را آنگونه که شایسته است حفظ و برای خود به برند، تبدیل کند. افزایش کم‌سابقه فاصله طبقاتی در استان یزد، هشدار جدی است که از سال ۹۶ تاکنون، اقتصاددانان استان به طور مداوم، این مسئله را به مسئولان اجرایی هشدار می‌دهند؛ چراکه استان، بهترین عملکرد کاهش فاصله طبقاتی را در میان استان‌های همسایه داشته و فاصله طبقاتی آن، همواره کمتر از سه استان اصفهان، فارس و کرمان بوده است

۹- تعلیم و تربیت: مهم‌ترین چالش‌های تربیتی آموزش و پرورش استان یزد را می‌توان در دو محور بیان کرد؛ محور نخست؛ تقدم بعد آموزشی بر تربیت است که گریبانگیر کل نظام آموزش و پرورش ما است. طبق نص صریح قرآن، تزکیه بر تعلیم مقدم است. امام خمینی(ره) در رابطه با اهمیت تربیت و تزکیه نفس، نسبت به آموزش می‌فرماید: «اگر بخواهد کسی تهذیب شود، با علم تهذیب نمی‌شود؛ علم، انسان را تهذیب نمی‌کند. گاهی علم انسان را به جهنم می‌فرستد، گاهی علم توحید، انسان را به جهنم می‌فرستد، گاهی علم عرفان، انسان را به جهنم می‌فرستد، گاهی علم فقه، انسان را به جهنم می‌فرستد، گاهی علم اخلاق، انسان را به جهنم می‌فرستد. انسان با علم

درست نمی‌شود، تزکیه می‌خواهد. این بیان قرآن است که تزکیه مقدم است بر همه چیز». در خصوص، مسئله کنکور و حواشی مربوط به آن نیز موجب شده است تا در بسیاری از موارد، کار مدارس به سمت و سوی آموزش و تست‌زنی سوق پیدا کند و تربیت دانش‌آموزان از سوی خانواده‌ها و برخی مدارس در رتبه بعدی، قرار گرفته است که این مسئله همواره موجب نگرانی مسئولان دلسوز شده است.

محور دوم؛ در حیطه مشکلات مربوط به تأمین نیروی انسانی است. یکی از چالش‌های آموزش و پرورش، کمبود معلم است. شرایط امروز جامعه نیز به گونه‌ای است که تحقق اهداف تربیتی آموزش و پرورش، نیازمند بهره‌گیری از معلمانی است که علاوه بر توانایی‌های علمی، در مراتب بالایی از شایستگی‌های اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی باشند؛ از این‌رو تربیت معلمان شایسته نظام تعلیم و تربیت و افزایش سطح کارایی نیروهای انسانی فعلی، یک ضرورت است. علاوه بر این، وجود مشکلات و برخی نابسامانی‌های معیشتی برای معلمان نیز انگیزه اثرگذارانه متصدیان آموزشی و تربیتی را تنزل داده است. براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، از جمله اهداف نظام آموزشی تربیت انسانی موحد، مؤمن، آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران، خودباور و دارای عزت نفس، امانت‌دار، دانا و توانا، پاکدامن و باحیاء، انتخاب‌گر و آزادمنش، متخلق به اخلاق اسلامی و... است. تحقق چنین اهدافی در ذیل این سند، مستلزم بهره‌گیری از ابزار و شیوه‌های خاصی است که لازم است مورد توجه وبازبینی قرار گیرند. از جمله این ابزار

۵. تقویت مشارکت اجتماعی

- تشکیل نهادهای مدنی: تقویت و حمایت از NGOها و نهادهای محلی که به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی پرداخته و توانمندسازی جوامع محلی را انجام می‌دهند
- برگزاری رویدادهای اجتماعی: برگزاری مراسم و رویدادهای فرهنگی و اجتماعی که افراد را در کنار هم و در مشارکت با یکدیگر قرار دهد

۶. استفاده از فناوریهای نوین

- ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال برای ترویج و حفظ فرهنگ و تاریخ یزد و همچنین آموزش‌های آنلاین
- استفاده از رسانه‌های محلی، بر منظور ترویج فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و جلب توجه عمومی به مسائل فرهنگی
- ۷. همکاری بین‌سازمانی:

- تعامل و همکاری بین نهادهای دولتی، دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی برای پیشبرد برنامه‌ها و پروژه‌های فرهنگی-اجتماعی

۸. توسعه فضاهای عمومی:

- طراحی و ساخت فضاهای عمومی نظیر پارک‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز اجتماعی که به فعالیت‌های فرهنگی و هنری اختصاص یابند
- برگزاری جشنواره‌ها: برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و هنری برای ترویج فرهنگ و هنر یزد و جذب گردشگران
- برنامه‌ریزی برای توسعه سایر شهرستان‌ها و حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان

با توجه به شرایط خاص شهر یزد، اجرای این راهبردها و راهکارها، می‌تواند به حفظ و تقویت فرهنگ و هویت اجتماعی و همچنین بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک کند

و شیوه‌ها، تربیت معلمان شایسته است که همت جدی را می‌طلبد

۴- راهبردها و راهکارها

به منظور مقابله با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در شهر یزد، نیاز به راهبردها و راهکارهای متنوعی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود

۱. تقویت هویت فرهنگی

- آموزش فرهنگ و هنر محلی: ایجاد برنامه‌های آموزشی در مدارس و مراکز فرهنگی برای آموزش تاریخ، فرهنگ و هنر محلی یزد

- ترویج آثار تاریخی: برگزاری نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های هنری به منظور معرفی و حفظ آثار تاریخی و فرهنگی یزد

۲. حمایت از نهاد خانواده

- برگزاری برنامه‌های آموزشی برای زوج‌ها و خانواده‌ها در زمینه مهارت‌های ارتباطی و حل مشکلات خانواده

- ایجاد و حمایت از مؤسسات غیر دولتی که به تقویت نهاد خانواده و بازیابی روابط خانوادگی کمک می‌کند

۳. ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان

- ارائه آموزش‌های لازم و حمایت‌های مالی برای ایجاد کسب و کارهای کوچک و کارآفرینی در جوانان

- ایجاد دوره‌های آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای به منظور افزایش اشتغال‌زایی

۴. کاهش آسیب‌های اجتماعی

- توسعه برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد و سایر آسیب‌های اجتماعی با محوریت آموزش و آگاهی‌رسانی
- ایجاد مراکز مشاوره و حمایت روانی برای افراد آسیب‌دیده و خانواده‌ها

کاربست نظارت و ارزیابی در حوزه حکمرانی و قانون گذاری در قیاس با الگوهای بین المللی

معصومه کارخانه

مسئول نظارت و ارزیابی اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری



نظارت و ارزیابی، دو مؤلفه کلیدی در تحقق حکمرانی خوب و اثربخش هستند. در حوزه قانون گذاری و سیاست گذاری عمومی، این دو ابزار، می توانند نقش مهمی در اطمینان از کارآمدی، شفافیت، پاسخگویی و اصلاح پذیری فرآیندها ایفا کنند. هدف این نوشتار، بررسی مفاهیم، کارکردها و شیوه های کاربردی نظارت و ارزیابی در فرآیند قانون گذاری و تصمیم سازی عمومی است. حکمرانی کارآمد در گرو تصمیم سازی دقیق و قانون گذاری اثربخش است، اما بدون نظارت و ارزیابی منظم، حتی بهترین قوانین نیز ممکن است، در اجرا ناکام بمانند. این مقاله، تلاش دارد ابعاد مختلف نظارت و ارزیابی را در ساختار سیاست گذاری تبیین کند. در این باب، با دو مفهوم کلیدی «نظارت و ارزیابی» رو به رو هستیم. نظارت، فرآیند پیگیری و کنترل مستمر اجرای قوانین و سیاست ها برای اطمینان از مطابقت آنها با اهداف تعیین شده است. ارزیابی به مفهوم سنجش اثربخشی، کارایی، تأثیر و پیامدهای اجرای قوانین و سیاست ها است که اغلب در سه مرحله پیشینی، همزمان و پسینی صورت می پذیرد

کارکردهای اصلی نظارت و ارزیابی

با توجه به دو مقوله نظارت و ارزیابی و مطالب مطرح شده، می توان ۴ کارکرد عمده را در این حوزه، شناسایی کرد

- ۱- افزایش پاسخگویی دولت و نهادهای مجری قانون.
- ۲- شناسایی انحرافات و خطاهای اجرایی.
- ۳- ایجاد مبنای علمی برای بازنگری یا اصلاح قوانین.

۴- تقویت شفافیت و اعتماد عمومی.

۵- تسهیل یادگیری سازمانی و سیاستی.

انواع ارزیابی

ارزیابی مورد نظر در این حیطه، همانطور که عنوان شد، بر سه دسته است. ارزیابی پیشینی: پیش‌بینی آثار احتمالی پیش از تصویب قانون. ارزیابی همزمان: بررسی در حین اجرا و نهایتاً ارزیابی پسینی که به تحلیل پیامدها پس از اجرا می‌پردازد

در این زمینه الگوهای بین‌المللی نیز وجود دارد که در بسیاری از کشورها مانند آلمان، کانادا، کره جنوبی و هلند، ارزیابی اثر قانون (Regulatory Impact Assessment - RIA) یک گام الزامی پیش از تصویب قوانین است. نظارت و ارزیابی، پیش‌نیاز حکمرانی مبتنی بر شواهد و منطق هستند. بدون آن‌ها، فرآیند قانون‌گذاری نمی‌تواند با واقعیت‌های متغیر اجتماعی و اقتصادی هماهنگ شود. پیشنهاد می‌شود نهادهای قانون‌گذاری کشورها، ساختارهای ارزیابی خود را تقویت کنند و نتایج آن را مبنای اصلاح قوانین قرار دهند

وضعیت نظارت و ارزیابی در حوزه حکمرانی و قانون‌گذاری در ایران نظارت و ارزیابی، به عنوان ابزارهای کلیدی برای تحقق حکمرانی پسندیده، در ساختار قانونی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده‌اند؛ اما در عمل با چالش‌های جدی در اجرا، انسجام نهادی، و اثربخشی مواجه‌اند؛ از این‌رو برآن شدیم

تا با بررسی جایگاه قانونی، ساختارهای اجرایی و چالش‌های پیش‌رو، تصویر روشنی از وضعیت موجود در ایران ارائه داده و پیشنهادهایی برای ارتقاء سیستم نظارت و ارزیابی در فرآیند قانون‌گذاری و حکمرانی ارائه دهیم. در بسیاری از نظام‌های سیاسی، نظارت و ارزیابی نه تنها بخشی از فرآیند اجرایی هستند، بلکه در قلب حکمرانی عقلانی و قانون‌گذاری مبتنی بر شواهد، قرار دارند. در ایران نیز بسترهای حقوقی و نهادی مناسبی برای این دو ابزار وجود دارد، اما استفاده از آن‌ها با کاستی‌های اجرایی، ضعف هماهنگی و گاه استفاده ابزاری سیاسی مواجه است

۱- جایگاه قانونی نظارت و ارزیابی در ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصول مختلف، نظارت بر عملکرد دولت، قوه مجریه، بودجه و اجرای قانون را بر عهده نهادهای مختلف گذاشته است

اصل ۷۶: حق مجلس برای تحقیق و تفحص از هر سازمان دولتی

اصل ۸۹: ابزارهای سؤال و استیضاح برای نظارت بر دولت

اصل ۵۵: تأکید بر دیوان محاسبات برای نظارت مالی

اصل ۱۷۴: سازمان بازرسی کل کشور برای نظارت بر حسن اجرای قوانین

اصل ۱۱۰: نظارت رهبری بر سیاست‌های کلی نظام

اصل ۹۱، ۹۶: نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس

۲- ساختارهای نظارتی و ارزیابی موجود:

مجلس شورای اسلامی: دارای ابزارهای نظارتی چون سؤال، استیضاح و تحقیق، دارای نظارت سیاسی و قانونی بر دولت دیوان محاسبات: نظارت مالی و بودجه‌ای

مرکز پژوهش‌های مجلس: ارائه تحلیل‌ها و ارزیابی کارشناسی شورای نگهبان: نظارت بر انطباق قوانین با شرع و قانون اساسی سازمان بازرسی کل کشور: نظارت بر حسن اجرای قانون در دستگاه‌های اجرایی

مجمع تشخیص مصلحت نظام: نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام ۳- شیوه‌های نظارت و ارزیابی

نظارت پیشینی: بررسی لوایح و طرح‌ها پیش از تصویب نظارت هم‌زمان: پایش اجرای قانون در زمان اجرا

نظارت پسینی: ارزیابی اثرات قانون پس از اجرا و شناسایی کاستی‌ها

۴- چالش‌های اصلی پیش‌روی حوزه نظارت و ارزیابی را می‌توان در چند حیطه اصلی، دسته‌بندی نمود: مورد اول درخصوص ضعف در ارزیابی پیشینی طرح‌ها و لوایح است که عمدتاً بسیاری از قوانین، بدون پیوست ارزیابی تصویب می‌شوند. مورد دوم، در خصوص سیاسی‌شدن ابزارهای نظارت است که

سؤال، استیضاح یا تحقیق گاهی درگیر رقابت‌های سیاسی است. مورد سوم، به فقدان نهاد تخصصی ارزیابی مستقل برمی‌گردد در حقیقت، نهادهای موجود پراکنده و فاقد هماهنگی هستند و آخرین مورد این است که به لحاظ فقدان ضمانت اجرایی کافی، خروجی‌های ارزیابی، الزام‌آور نیستند. پیشنهاد می‌شود برای برون‌رفت از این مسائل، شاخص‌های زیر در نظر گرفته شود

۱- نهادینه‌سازی ارزیابی قانون در فرآیند قانون‌گذاری

۲- الزام قانونی به پیوست ارزیابی برای لوایح و طرح‌ها

۳- استفاده از فناوری برای نظارت هوشمند

۴- تقویت استقلال دیوان محاسبات و سازمان بازرسی

۵- شفاف‌سازی عمومی گزارش‌ها.

با همه این اوصاف، در ایران، با وجود چارچوب‌های قانونی نسبتاً جامع برای نظارت و ارزیابی، عملکرد این دو ابزار ضعف‌های ساختاری و اجرایی دارد. عدم انسجام نهادی، نبود ضمانت اجرایی و ضعف شفافیت، موجب شده است که بسیاری از قوانین، بدون ارزیابی تصویب شده و آثار آن‌ها بررسی نشود. تحقق حکمرانی خوب، در گرو نهادینه‌سازی نظام ارزیابی مؤثر و تقویت بعد نظارتی در تمامی مراحل قانون‌گذاری است؛ لذا امید آن می‌رود که این مهم، در سایه‌سار مجلس نظام‌مند، محقق شود



گزارش بررسی قانون برنامه هفتم پیشرفت با نگاه استانی حوزه آموزش عالی

اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان مرکزی

۱. مقدمه

در فصل ۲۰ قانون برنامه هفتم پیشرفت، موضوع آموزش عالی، مورد توجه قرار گرفته است. هدف این گزارش، بررسی مواد اشاره شده در قانون مذکور با عنایت به مسائل و ظرفیت‌های نظام آموزش عالی در استان مرکزی است؛ از اینرو، ابتدا تصویر وضعیت فعلی آموزش عالی در استان مرکزی ترسیم شده است، سپس جهت‌گیری‌های برنامه هفتم پیشرفت در حوزه آموزش عالی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان، با مقایسه نتایج دو بخش قبل، پیشنهادهایی در سطح استانی برای تحقق هر چه بهتر برنامه مذکور ارائه گردیده است.

قابل ذکر است، با توجه به اینکه تنها به بخشی از آمار و اطلاعات استانی مورد نیاز، دسترسی وجود داشت، در گزارش حاضر نیز، تنها به موضوعاتی که درباره آنها آمار و اطلاعات کافی بود، پرداخته شده است؛ با توجه به این محدودیت، امکان تهیه گزارش جامع که در آن به همه موضوعات پرداخته شده در قانون برنامه هفتم توسعه با نگاه استانی پرداخته شده باشد، میسر نبود. کلیه آمار و ارقام اشاره شده در گزارش حاضر پیرامون آموزش عالی استان، از سلسله گزارش‌های «اطلس جامع آموزش عالی استان مرکزی» که در سالیان مختلف، توسط استانداری مرکزی تدوین و منتشر گردیده است، استخراج شده است. همچنین آمارهای کشوری نیز با بهره‌گیری

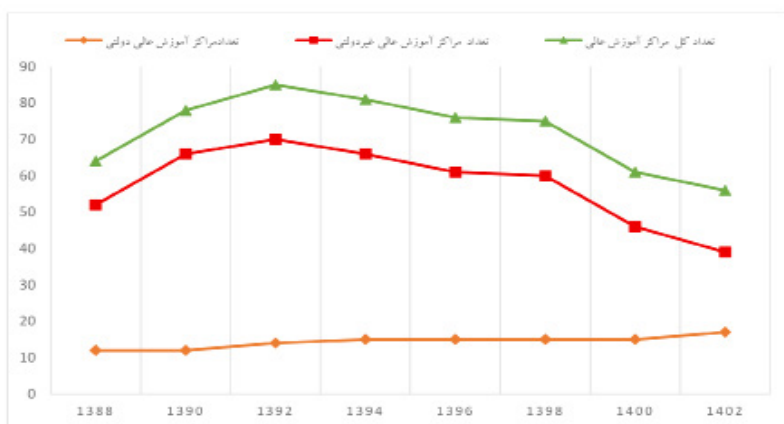
از گزارش‌های «آمار آموزش عالی ایران» که توسط مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی به دست آمده، تدوین شده است بخش اول- توصیف وضعیت موجود آموزش عالی در استان مرکزی از ابعاد مختلفی، می‌توان وضعیت موجود در آموزش عالی استان مرکزی را مورد بررسی قرار داد، که در اینجا به برخی از ابعادی که در برنامه هفتم توسعه، مورد توجه بوده و همچنین آمار و اطلاعات استانی و کشوری مرتبط با آن که قابلیت دسترسی داشته، پرداخته شده است

الف) تعداد دانشجویان

در جدول شماره (۱) تعداد دانشجویان در حال تحصیل در مراکز آموزش عالی استان در کلیه مقاطع تحصیلی، طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ ش. به تفکیک مراکز آموزش عالی دولتی و غیر دولتی، مشخص گردیده است، البته در این آمار، منظور از غیر دولتی، مراکزی است که برای تحصیل از دانشجویان شهریه دریافت می‌کنند؛ از اینرو، دانشگاه‌های پیام نور، آزاد اسلامی، غیرانتفاعی و علمی- کاربردی به عنوان مراکز غیر دولتی در نظر گرفته شده‌اند. در مقابل، دانشگاه‌های سراسری وزارت علوم، دانشگاه‌های علوم پزشکی، فرهنگیان و فنی- حرفه‌ای به عنوان دانشگاه‌های دولتی محسوب شده‌اند. تصویر شماره (۱) نیز روند تغییرات در تعداد دانشجویان را طی این سال‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۱- تعداد دانشجویان مراکز آموزش عالی استان مرکزی در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰

سال	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۱۳۹۲	۱۳۹۴	۱۳۹۶	۱۳۹۸	۱۴۰۰
تعداد دانشجویان مراکز آموزش عالی دولتی	۱۶۸۶۵	۱۷۰۶۰	۱۸۵۶۵	۲۰۴۵۹	۲۰۹۷۷	۲۱۵۳۶	۲۲۱۱۴
تعداد دانشجویان مراکز آموزش عالی غیردولتی	۱۰۸۳۱۶	۱۱۱۲۰۹	۱۰۴۰۵۵	۸۱۹۳۸	۶۸۷۸۶	۴۵۶۱۳	۳۷۱۱۹
تعداد کل دانشجویان مراکز آموزش عالی	۱۲۵۱۸۱	۱۲۸۲۶۹	۱۲۲۶۲۰	۱۰۲۳۹۷	۸۹۷۶۳	۶۷۱۴۹	۵۹۲۳۳



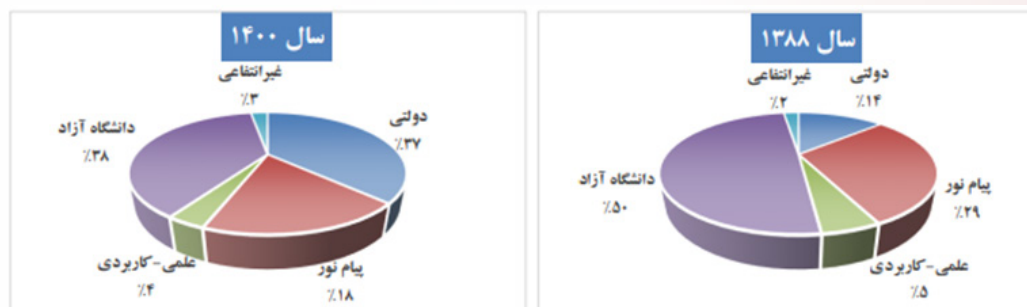
شکل ۱- روند تغییرات تعداد دانشجویان مراکز آموزش عالی استان مرکزی

بر اساس این آمار، از آغاز دهه ۹۰، شاهد روند کاهشی با نرخ بالا در تعداد دانشجویان هستیم، به گونه‌ای که طی یک دهه، تعداد کل دانشجویان در حال تحصیل در استان، کمتر از نصف شده است (۵۴ درصد کاهش جمعیت دانشجو)، البته این کاهش در دانشجویان شهریه‌پرداز اتفاق افتاده است (۶۷ درصد کاهش) و تعداد دانشجویان در دانشگاه‌هایی که تحصیل در آنها رایگان بوده است، اتفاقاً روند افزایشی (۳۰ درصد) داشته است.

مقایسه آمار فوق با آمار کشوری نیز، می‌تواند مفید باشد. طبق آمار کشوری منتشر شده توسط مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، جمعیت دانشجویی کشور در سال ۱۴۰۰ش. نسبت به سال ۱۳۹۰ش. از ۴۱۱۷۲۰۸ نفر به ۳۱۷۳۷۷۹ نفر کاهش یافته است که بیانگر کاهش ۳۳ درصدی است. این آمار، نشان می‌دهد کاهش جمعیت دانشجویی استان مرکزی، بسیار بالاتر از کاهش آن در کل کشور است که احتمالاً به دلیل سهم بالاتر مراکز آموزش عالی غیردولتی (شهریه‌ای) در استان مرکزی است. به عنوان نمونه، در سال ۱۳۸۸ش. مطابق تصویر شماره (۱)، ۸۷ درصد دانشجویان استان در دانشگاه‌های غیردولتی (شهریه‌ای) مشغول به تحصیل بوده‌اند، در حالی که این آمار در سطح کشور در همان سال، ۶۸ درصد بوده است. همچنین در تصویر شماره (۲) سهم هر یک از انواع مراکز آموزش عالی از جمعیت دانشجویی استان مرکزی به مدت دو سال، یعنی سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۴۰۰ش. نشان داده شده است. همان گونه که در این شکل مشاهده می‌شود، سهم دانشگاه‌های دولتی، از ۱۴ به ۳۷ درصد افزایش یافته است، در حالی که



دانشگاه‌های شهریه‌ای، سهم‌شان در مجموع از ۸۶ درصد به ۶۳ کاهش یافته است. عمده این کاهش، در دو دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور، بوده است و در حال حاضر، ظرفیت قابل توجهی از امکانات این دو دانشگاه در سطح استان، بدون استفاده مانده است



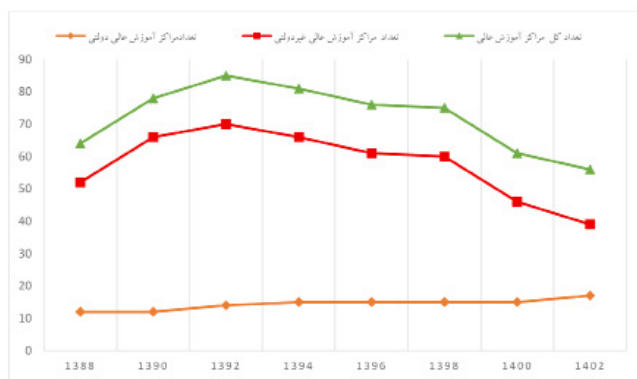
شکل ۲- مقایسه سهم انواع مراکز آموزش عالی در جمعیت دانشجویی استان مرکزی در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۴۰۰

ب) تعداد مراکز آموزش عالی

در جدول شماره (۲) تعداد مراکز آموزش عالی در استان، طی ۱۵ سال اخیر به تفکیک دولتی و غیر دولتی، مشخص شده است. لازم به ذکر است که در این آمار، دانشکده‌های وابسته به یک دانشگاه که در شهر دیگری تأسیس شده‌اند نیز به عنوان مرکز آموزش عالی مجزا به حساب آمده است. تصویر شماره (۳) روند تغییرات تعداد مراکز آموزش عالی استان را در ۱۵ سال گذشته نشان می‌دهد

جدول ۲- تعداد مراکز آموزش عالی استان مرکزی در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۲

سال	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۱۳۹۲	۱۳۹۴	۱۳۹۶	۱۳۹۸	۱۴۰۰	۱۴۰۲
تعداد مراکز آموزش عالی دولتی	۱۲	۱۲	۱۴	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۷
تعداد مراکز آموزش عالی غیردولتی	۵۲	۶۶	۷۰	۶۶	۶۱	۶۰	۳۶	۳۹
تعداد کل مراکز آموزش عالی	۶۴	۷۸	۸۵	۸۱	۷۶	۷۵	۵۱	۵۶

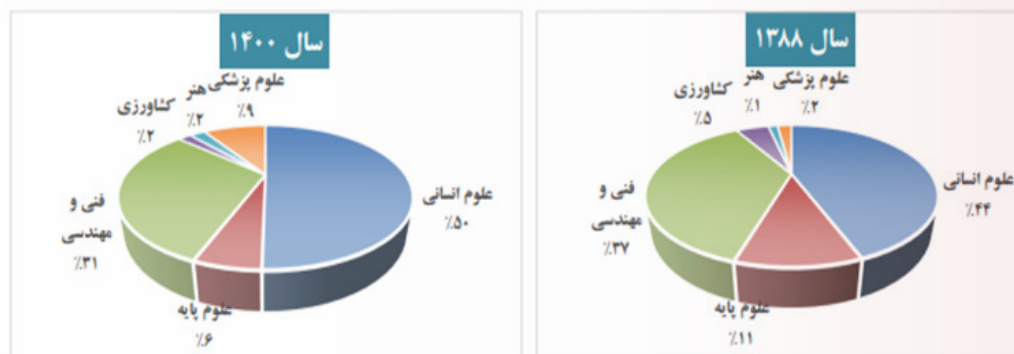


شکل ۳- روند تغییرات تعداد مراکز آموزش عالی استان مرکزی

بر این اساس، طی ۱۰ سال اخیر، روند کاهشی با نرخ بالا در تعداد مراکز آموزش عالی غیردولتی (شهریه‌ای) مشاهده می‌شود. تعداد این مراکز از ۷۰ مرکز در سال ۱۳۹۲ ش. به ۳۹ مرکز در سال ۱۴۰۲ ش. کاهش (۴۴ درصد) یافته است. در مقابل، مراکز آموزش عالی دولتی که تحصیل در آنها رایگان بوده است، افزایش داشته است. تعداد آنها از ۱۲ مرکز در سال ۱۳۹۰ ش. به ۱۷ مرکز در سال ۱۴۰۲ ش. رسیده است که حدوداً ۴۲ درصد افزایش داشته است. علت این تغییرات با توجه به آمارهای بخش قبل، کاملاً واضح است. در مجموع، تمایل به تحصیل در آموزش عالی از ابتدای دهه ۹۰ رو به کاهش بوده است و این روند تا امروز نیز ادامه داشته است. این موضوع، موجب شده که مراکز آموزش عالی غیردولتی با اقبال کمتری مواجه شوند و این مراکز، کم کم به تعطیلی و انحلال کشیده شده‌اند، البته از این نکته نیز نباید غافل شد که مراکز آموزش عالی دولتی و رایگان نیز با کاهش اقبال مواجه شده‌اند. این کاهش اقبال، در تعداد دانشجویان این مراکز قابل مشاهده نیست، بلکه در کاهش کیفیت دانشجویان ورودی به این مراکز مشهود است

ج) ترکیب جمعیت دانشجویی به تفکیک گروه و مقطع تحصیلی

در تصویر شماره (۴) سهم هر یک از گروه‌های تحصیلی از جمعیت دانشجویی استان مرکزی طی دو سال ۱۳۸۸ و ۱۴۰۰ ش. نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، سهم گروه‌های فنی و مهندسی، علوم پایه و کشاورزی طی این بازه کاهش یافته است و در مقابل، سهم گروه‌های علوم انسانی، علوم پزشکی و هنر با افزایش همراه بوده است

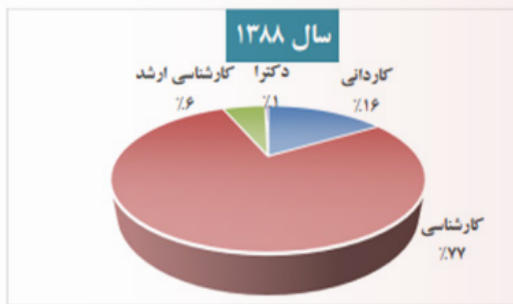
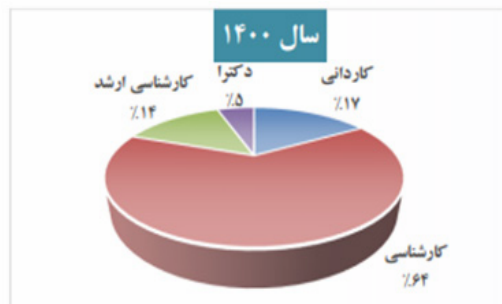


شکل ۴- مقایسه سهم گروه‌های تحصیلی در جمعیت دانشجویی استان مرکزی در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۴۰۰

همچنین در تصویر شماره (۵) سهم هر یک از مقاطع تحصیلی از جمعیت دانشجویی استان مرکزی، به مدت دو سال ۱۳۸۸ و ۱۴۰۰ ش. نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، سهم مقاطع تحصیلات تکمیلی افزایش یافته و نزدیک به سه برابر شده است. جالب اینکه، علی‌رغم کاهش بیش از ۵۰ درصدی تعداد دانشجویان در استان، از سال ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ ش. تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی، طی این مدت با افزایش نیز مواجه بوده است؛ یعنی کاهش تعداد دانشجو در مقاطع کاردانی و کارشناسی رخ داده است، البته با بهره‌گیری از این آمار، لزوماً



نمی‌توان افزایش تمایل دانشجویان به تحصیل در مقاطع ارشد و دکترا را استنباط نمود؛ به لحاظ اینکه در یک دهه قبل، ظرفیت کمی برای ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی در سطح استان وجود داشت، اما امروزه با افزایش چند برابری ظرفیت مقاطع تحصیلات تکمیلی، ادامه تحصیل در این مقاطع، نسبت به گذشته سهل الوصول‌تر شده است



شکل ۵- مقایسه سهم مقاطع تحصیلی در جمعیت دانشجویی استان مرکزی در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۴۰۰

عالی رایگان به سمت رشته‌های اولویت‌دار و مورد نیاز کشور و دانشجویان نخبه و مستعد با رعایت اصل ۳۰ قانون اساسی. (بندهای «الف» و «ب» و ماده ۹۶)

۴- ساماندهی رشته‌های دانشگاهی و ایجاد رشته‌ها و گرایش‌های جدید دانشگاهی براساس نیاز کشور و آمایش آموزش عالی و آمایش سرزمین. (ماده ۹۵ و بند «ت» ماده ۶۶)

۵- تقویت بازگشت و نگهداشت نخبگان. (بند «الف» ماده ۹۸)

۶- تقویت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه آموزش عالی مانند جذب دانشجویان اعضای هیئت علمی بین‌المللی و غیر ایرانی و ایجاد واحدها و شعب دانشگاهی با مشارکت دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی. (بندهای «ب» و «پ» ماده ۹۸)

۷- اصلاح تأمین مالی پژوهش‌های دانشگاهی، به سمت تحقیقات مورد نیاز

بخش دوم- مروری بر جهت‌گیری‌های قانون برنامه هفتم، پیشرفت در حوزه آموزش عالی

فصل ۲۰ قانون برنامه هفتم پیشرفت با عنوان «ارتقای نظام علمی، فناوری و پژوهشی» در ۴ بخش تحقیقات و پژوهش، آموزش، مرجعیت علمی و منابع مالی با ۷ ماده، ۱۷ بند و ۷ تبصره تنظیم شده است. با مطالعه مواد قانونی این فصل، برخی جهت‌گیری‌ها به چشم می‌خورد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- بهبود رتبه تولید علم، فناوری و نوآوری کشور. (ردیف‌های ۱، ۲ و ۴ جدول ماده ۹۳)

۲- افزایش سهم آموزش‌های مهارتی، در نظام آموزش عالی (ردیف ۶ جدول ماده ۹۳) و گنجاندن دروس عملی و مهارتی در کنار دروس نظری. (تبصره ۲ «ماده ۹۵)

۳- جهت‌دهی منابع و اعتبارات آموزش

اولویت‌دار و هدفمند به میزان ۵۰ درصد. (ماده ۹۴)
۸- توسعه اقتصاد دانش بنیان با استفاده از ظرفیت مراکز آموزش عالی. (مواد ۹۳ و ۹۹)

بخش سوم- پیشنهادهایی برای حوزه آموزش عالی استان مرکزی در راستای برنامه هفتم پیشرفت

با توجه به موارد طرح شده در دو بخش قبل، در ادامه به اختصار، پیشنهادهایی برای ارتقای حوزه آموزش عالی استان مرکزی در راستای برنامه هفتم پیشرفت ارائه می‌گردد، البته لازم به ذکر است از آنجا که آمار قابل استناد در برش استانی در خصوص تمامی محورهای مورد توجه در برنامه هفتم پیشرفت فراهم نبود، پیشنهادهای مطرح شده نیز جامعیت ندارد. در صورت فراهم بودن این آمار و اطلاعات، تحلیل‌های کامل‌تر و دقیق‌تری می‌توان ارائه داد

۱- جذاب‌سازی تحصیلات دانشگاهی برای نسل جدید

همان‌گونه که در بخش اول مشاهده شد، بخش قابل توجهی از ظرفیت آموزش عالی استان، به دلیل کاهش دانشجو بدون استفاده مانده است و در صورت ادامه روند موجود، تعداد زیادی از مراکز آموزش عالی فعلی نیز با تعطیلی یا انحلال مواجه خواهند شد. هر چند تاکنون دانشگاه‌های شهریه‌ای (آزاد اسلامی، غیرانتفاعی، علمی-کاربردی و پیام نور) با این تهدید مواجه بوده‌اند، اما برای آینده‌ای نه چندان دور، می‌توان پیش‌بینی کرد که ظرفیت دانشگاه‌های دولتی در برخی رشته‌های فاقد جذابیت حتی با فرض رایگان بودن تحصیل نیز، خالی خواهد ماند. این در حالی است که طبق تصریح ماده ۹۶ برنامه هفتم به رعایت اصل سی‌ام (۳۰) قانون اساسی، تحصیل در دانشگاه‌های دولتی تنها تا سرحد خودکفایی رایگان خواهد بود و سایر داوطلبان برای تحصیل باید شهریه بپردازند. با توجه به محدودیت‌های تأمین منابع مالی در حوزه آموزش عالی و لزوم اولویت‌بندی و هدفمند کردن آن، عمل به قید «تا سرحد خودکفایی» محتمل خواهد بود که در این صورت، عدم اقبال به دانشگاه‌های دولتی نیز تشدید خواهد شد؛ از اینرو، امروزه جذاب‌سازی تحصیلات دانشگاهی برای نسل جدید، ضرورت به شمار می‌آید. به این منظور، اتخاذ چند رویکرد الزام است

الف- نیاز محور کردن رشته‌های تحصیلی: رشته‌هایی که در حال حاضر یا آینده نزدیک، نیازی به آنها در بازار کار و جامعه متصور نیست، باید حذف یا محدود گردند. (در ماده ۹۶ به این موضوع، اشاره شده است)

ب- به‌روز رسانی محتوایی و مهارت‌محوری: علاوه بر لزوم نیازمحور کردن رشته‌های تحصیلی، بایستی اولاً محتوای ارائه شده در دروس این رشته‌ها نیز به‌روز و متناسب با نیازهای بازار کار باشد. ثانیاً به مهارت‌محوری در آموزش‌های دانشگاهی توجه ویژه شود. مهارت‌محوری، به فرد دانشگاهی کمک می‌کند تا بتواند آموخته‌های خود را در عمل نیز به بهترین شکل ممکن به کار ببرد. متأسفانه به‌روز رسانی محتوایی دروس متناسب با نیاز جامعه و مهارت‌محوری در آموزش عالی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. خوشبختانه در مواد ۹۳ و ۹۵ قانون برنامه هفتم به این موضوع پرداخته شده است

ج- جذاب‌سازی شیوه آموزش: امروزه، نسل جدید ویژگی‌هایی متفاوتی با نسل‌های پیشین



مشاهده نمی‌شود، بلکه موازی‌کاری و بعضاً رقابت‌های غیرسالم نیز به چشم می‌خورد. انتظار می‌رود در راستای تدوین سند آمایش آموزش عالی استان و نیز عملیاتی کردن آن، اهداف زیر محقق شود.

- * شناسایی نیازمندی‌های استان در حوزه‌های علم و فناوری.
- * تعیین موضوعات اولویت‌دار توسعه آموزش عالی در استان و رشته‌های تحصیلی مرتبط با آن.
- * مأموریت‌گرایی مؤسسات آموزش عالی بر اساس اسناد بالادستی و نیازهای استان.
- * تعیین سازمان فضایی مطلوب استان در حوزه آموزش عالی.
- * سازماندهی تشکیلاتی و مدیریت آمایش آموزش عالی استان.

۲- جلب مشارکت شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌ها در فرایند آموزش

* در حال حاضر، یکی از مشکلاتی که در فرایند آموزش مراکز آموزش عالی، به ویژه دانشگاه‌های ذیل وزارت عتف، وجود دارد، گسستگی و انفکاک آموزش‌ها از واقعیت‌های عینی جامعه و صنعت است؛ علی‌رغم تأکیدات زیاد بر ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه، دستاوردها در این عرصه، اندک بوده است. دانشجویان در فرایند آموزش، با مسائل و چالش‌های واقعی، کمتر درگیر می‌شوند که این امر، موجب می‌شود، اولاً؛ آموزش‌ها بیشتر جنبه تئوریک و ذهنی داشته باشد. ثانیاً؛ پس از پایان تحصیلات و بعد از ورود به بازارکار نیز، نتوانند ارتباط مناسبی

خود دارد؛ از جمله این ویژگی‌ها می‌توان وابستگی زیاد به فناوری‌های دیجیتال، عمل‌گرایی و شتابزدگی اشاره کرد که موجب شده است تا دانشگاه به سبک امروزی برای این نسل، چندان جذاب نباشد و نشستن در کلاس‌های درسی معمول و مطالعه کتاب‌های چاپی خسته‌کننده باشد. از سوی دیگر، مشاهده می‌شود که سبک آموزش‌های دانشگاهی در دانشگاه‌ها نسبت به گذشته تفاوت خاصی نداشته است؛ از اینرو لازم است با به کارگیری فناوری‌های نوین به ویژه فناوری‌های دیجیتال در آموزش، در سبک برگزاری کلاس‌ها و تصویر ظاهری دانشگاه‌ها را برای نسل جدید جذاب نمود.

۲- تدوین سند آمایش آموزش عالی استان و برنامه عملیاتی اجرایی آن

تحقق مواد ۹۵ و ۹۶ قانون برنامه هفتم پیشرفت، مستلزم تدوین نقشه راه در سطح استان برای سامان‌دهی مراکز آموزش عالی و رشته‌های تحصیلی است؛ از اینرو لازم است ابتدا با توجه به اسناد بالادستی نظیر؛ سند آمایش استان، سند آمایش آموزش عالی کشور، نقشه جامع علمی کشور، قانون برنامه هفتم و وضعیت موجود و روند حاکم بر آموزش عالی استان (که برخی از این روندها در بخش اول گزارش حاضر، بررسی شد) سند آمایش آموزش عالی، تهیه شود و در گام بعد، برنامه عملیاتی و تقسیم کار استانی برای اجرای آن ارائه گردد. در حال حاضر، این خلأ احساس می‌شود. مراکز آموزش عالی استان، به صورت جزایر جداگانه از یکدیگر در حال فعالیت هستند و نه تنها هم‌افزایی بین آنها

بین داشته‌های علمی خود با مسائل و چالش‌های واقعی برقرار کنند. از آنجا که مطابق قانون برنامه هفتم، نیازمندی و مهارت‌محوری، دو اصل مؤکد برای آموزش عالی کشور است، تحقق این دو اصل، مستلزم مشارکت گسترده شرکت‌ها و سازمان‌هایی است که به نوعی مشتریان آموزش عالی محسوب می‌شوند، این مشارکت، به روش‌های مختلف می‌تواند اتفاق بیفتد.

* نیازسنجی از شرکت‌ها و سازمان‌ها به منظور طراحی یا به روزرسانی رشته‌های تحصیلی و محتوای آموزشی آنها طراحی و برگزاری دوره‌های تحصیلاتی مشترک به منظور آموزش و توانمندسازی دانشجویان متناسب با نیازهای آن صنعت یا سازمان.

* حضور مستمر دانشجویان در عرصه‌های واقعی مرتبط با رشته‌های تحصیلی در حین تحصیل (و نه بعد از فراغت از تحصیل) به منظور کسب مهارت در کنار آموزش دانشگاهی.

* شناسایی تجربیات موفق سازمان‌ها، شرکت‌ها و انتقال آن به منابع درسی. اگر این مشارکت، در عرصه آموزش‌های دانشگاهی اتفاق بیفتد؛ به این ترتیب، آموزش‌های دانشگاهی برای دانشجویان جذاب خواهد شد و انگیزه آنان به تحصیل را افزایش خواهد داد. همچنین، دانشجویان در عرصه عمل نیز توانمند خواهند بود و می‌توانند مسائل و چالش‌های جامعه خود را به خوبی با دانش

فرا گرفته در طول تحصیل، حل کنند. در استان مرکزی، به دلیل قابلیت‌های کم نظیر موجود در حوزه صنعت، معدن، کشاورزی و فرهنگ، می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب، مراکز آموزشی را با مراکز فرهنگی، صنعتی، معدنی و کشاورزی موجود در استان پیوند داد، تا آموزش‌ها از حالت تئوریک صرف خارج شده و به صحنه عمل و کاربرد گسترش یابد. خروجی چنین مراکز آموزشی، قطعاً در عرصه عمل، توانمندتر و موفق‌تر خواهد بود. این رویکرد، علاوه بر دانشگاه و دانشجو برای بنگاه‌ها، کسب و کارها و سازمان‌های مشارکت‌کننده نیز جذاب خواهد بود؛ چراکه آنها می‌توانند افرادی را شناسایی و سپس جذب کنند که مهارت‌ها یا دانش اولیه مورد نیاز را در طول تحصیل فرا گرفته‌اند؛ لذا صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌های آموزش نیروی کار را برای آنان همراه خواهد داشت. علاوه بر این، حضور دانشجو در محیط کار، سبب ایجاد نشاط شده و انگیزه کارکنان سازمان را برای کار، مطالعه و به روز شدن دوچندان می‌نماید. لازم به ذکر است که به تازگی، رویکرد فوق در دانشگاه اراک با عنوان «تدریس مبتنی بر واقعیت» و در قالب طرح «دانشگاه آینده» اجرایی شده و نتایج موفقیت‌آمیزی به همراه داشته است. قطعاً می‌توان از این تجربه زیسته الگوبرداری کرد و آن را به سایر مراکز آموزش عالی نیز تعمیم داد.



تطبیق برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی استان همدان و قانون برنامه هفتم پیشرفت

جمهوری اسلامی ایران

اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان همدان

مقدمه

با توجه به جایگاه محوری برنامه هفتم توسعه در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... در راستای پیشرفت و آبادانی کشور، مطالعه حاضر، تلاش نموده است تا با در نظر گرفتن برنامه‌های آتی عملیاتی دستگاه‌های اجرایی مندرج در برنامه راهبردی استان (۱۴۰۴-۱۴۰۲ ش.) به انجام تطبیق میان این دو بپردازد. هدف از این تطبیق، آگاه‌سازی خواننده نسبت به بندهای مغفول برنامه هفتم توسعه است که احتمال دارد، در برنامه توسعه استان و برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی لحاظ نشده باشند. فرآیند تطبیق به این صورت بوده است که ابتدا بخش‌های مرتبط با هر دستگاه در برنامه هفتم توسعه (در صورت دسترسی به برنامه آن دستگاه) مورد بررسی قرار گرفته، سپس برنامه عملیاتی همان دستگاه ارزیابی شده و نقاط اختلاف با برنامه هفتم مشخص گردید. در ادامه، نتایج این تطبیق به تفکیک دستگاه‌های مورد بررسی و مواد مرتبط در برنامه هفتم ارائه شده و نقاط ضعف و کمبود در برنامه‌های استانی و دستگاهی مشخص گردیده است.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

بند (پ) ماده ۵۱ قانون برنامه هفتم

پ- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مکلف است، متناسب با بُعد خانوار و با رعایت تبصره (۲) ماده (۹) قانون جهش تولید مسکن، جهت ساخت مسکن روستایی معیشت محور (جهت

سکونت، فعالیت اقتصادی و تولیدی) با ایجاد زیرساخت‌های لازم و بازنگری محدوده طرح‌های هادی روستاهای فاقد زمین و تصویب در مراجع مربوط، نسبت به واگذاری زمین به متقاضیان فاقد مسکن با اولویت افراد بومی (متولدان روستا و یا دارای حداقل دو سال سابقه سکونت) جهت سکونت دائمی به صورت اجاره ۹۹ ساله یا واگذاری قطعی اقدام نماید. آئین‌نامه اجرایی این بند، توسط وزارت راه و شهرسازی و با همکاری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

نکته: تأکید بر ساخت مسکن روستایی معیشت محور در برنامه بنیاد مسکن مشاهده نمی‌شود. (صفحه ۳۹ تا ۴۴).
برنامه‌هایی که تنظیم شده فاقد توجه به موضوع معیشت محوری است یا حداقل به این موضوع در برنامه اشاره نشده است

پیشنهاد: مسکن معیشت محور؛ یعنی مسکن تولید مینا و اقتصادی، مسکنی که در آن فعالیت اقتصادی، درآمد و شغل ایجاد شود. برای توسعه مسکن معیشت محور روستایی، لازم است مبتنی بر تحلیل نیازها و منابع محلی، تسهیل دسترسی به منابع مالی، استفاده از فناوری‌های نوین و مصالح بومی، آموزش و توانمندسازی جامعه محلی، توسعه زیرساخت‌ها، تشویق به همکاری‌های اجتماعی و مشارکت جامعه و سپس حمایت

دولت و سیاست‌گذاری مناسب، اقدام شود؛ لذا طراحی مسکن معیشت‌محور در حوزه کاری بنیاد مسکن می‌بایست در وهله اول مبتنی بر ظرفیت بالقوه محلی باشد و نمی‌توان انتظار طراحی یکسان برای این مسکن‌ها داشت. پیشنهاد می‌شود موضوع مسکن معیشت‌محور روستایی با توجه به اولویت قائل شده توسط برنامه هفتم که تا سال ۱۴۰۷ ش. در صدر برنامه‌های خواسته شده از آن نهاد است، با توجه به قیود بالا، مدنظر بنیاد مسکن همدان باشد

سازمان محیط زیست

بند (چ) ماده ۲۲ قانون برنامه هفتم

چ- به‌منظور حفظ محیط زیست و سلامت عمومی از آثار زیانبار پسماندها و مدیریت مسئولانه منابعی که پسماندها از آن تولید می‌شوند

۱. سازمان حفاظت محیط زیست، مکلف است با همکاری وزارتخانه‌های کشور، صنعت، معدن و تجارت، نیرو، نفت، جهادکشاورزی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی «برنامه ملی راهبردی مدیریت پسماندها» را با رویکرد اصلاح الگوی تولید و مصرف، کاهش حداکثری تولید پسماندها، تفکیک از مبدأ و پیاده‌سازی نظام اقتصاد چرخشی در چرخه مدیریت پسماندها در پایان سال اول، برنامه تهیه نموده و به‌تصویب هیأت وزیران برساند. دستگاه‌های ذی‌ربط مکلفند در طول سال‌های اجرای برنامه، به گونه‌ای عمل نمایند که «برنامه ملی راهبردی مدیریت پسماندها» در کلان‌شهرها و شهرهای استان‌های شمالی به صورت کامل اجرایی گردد

نکته: در حالی که در بندهای متعددی در برنامه هفتم بر نقش سازمان محیط زیست، به عنوان نمونه در حوزه

پسماند، تأکید دارند، بررسی برنامه اعلامی سازمان محیط زیست استان همدان، نشان می‌دهد که بسیاری از این موارد در آن دیده نمی‌شود. در نهایت، برنامه مذکور صرفاً به بازدید و پایش مراکز دفع و مدیریت انواع پسماند اشاره کرده و به نظر می‌رسد برنامه سازمان محیط زیست، حداقل در این حوزه رویکرد غیر فعال و نظارتی صرف دارد.

پیشنهاد: حوزه پسماند هر چند در حوزه شهری به متولی‌گری شهرداری‌ها است و عملاً بخش عمده کار، توسط ایشان انجام می‌شود، اما غیر از آن متولی دیگری ندارد. علی‌الخصوص در حوزه صنعت که نیازمند رسیدگی شایانی است. پیشنهاد می‌گردد، نظر به حدود اختیارات و ظرفیت‌سازان محیط زیست، این سازمان در عرصه‌های ذیل در راستای مدیریت راهبردی پسماندها اقدام نماید

۱- آموزش و آگاهی‌بخشی.

۲- همکاری بین‌بخشی: ایجاد همکاری میان دولت، شهرداری‌ها، بخش خصوصی و جامعه مدنی برای اجرای برنامه‌های جامع مدیریت پسماند

۳- پایش و ارزیابی: ایجاد سیستم‌های پایش و ارزیابی، برای بررسی عملکرد برنامه‌های مدیریت پسماند و بهبود مستمر آنها

شرکت‌های آب منطقه‌ای و آب و فاضلاب

بند (ث) ماده ۳۹ قانون برنامه هفتم

ث- وزارت نیرو، مکلف است با همکاری وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، نفت و سازمان حفاظت محیط زیست به منظور



کاهش آب مصرفی بخش صنعت و معدن، ظرف سه ماه از لازم الاجرا شدن این قانون، نسبت به بازتخصیص آب مصرفی صنایع بزرگ آب بر در سراسر کشور و ابلاغ زمان بندی تأمین آب جایگزین با اولویت منابع آبی نامتعارف اقدام نماید. در پایان زمان بندی ابلاغ شده، بهای آب متعارف تحویلی یا برداشتی صنایع بزرگ آب بر در صورت وجود ظرفیت منابع آبی نامتعارف و جایگزین در محدوده استقرار صنایع مزبور، معادل متوسط بهای تمام شده طرح های تأمین آب جایگزین تعیین می گردد. منابع حاصل، به حساب درآمد شرکت مدیریت منابع آب ایران، نزد خزانه داری کل کشور واریز و متناسب با وصول درآمد، صرف اجرای طرح های استانی و ملی بخش آب و فاضلاب مصوب در قوانین بودجه سنواتی می گردد. شهرک ها و نواحی صنعتی، صنایع و معادن، مشمول این بند در دریافت تسهیلات و مزایده استفاده از پساب در اولویت هستند

نکته: در برنامه راهبردی استان همدان (۱۴۰۴-۱۴۰۲ش)، ذیل برنامه های شرکت آب منطقه ای و شرکت آب و فاضلاب، اقدام مشخصی در این راستا مشاهده نشد

پیشنهاد: تجربه موفق استفاده از ظرفیت پساب در صنایع مستقر در شهرک صنعتی ویان استان همدان در سال های اخیر، که در آن هزینه انتقال پساب نیز توسط واحدهای صنعتی تأمین گردید، نشان دهنده ظرفیت این رویکرد است. با این حال، به نظر می رسد این تجربه در سایر واحدهای صنعتی، به ویژه واحدهای بزرگ و سایر شهرک های صنعتی استان، تکرار نشده است. بررسی وضعیت واحدهای آب بر و ترویج استفاده از پساب در کنار بهره گیری از الزامات قانونی مرتبط، می تواند راهگشای توسعه این رویکرد در سطح استان باشد

سازمان جهاد کشاورزی

بند (ت) ماده ۶ قانون برنامه هفتم

ت- وزارت جهاد کشاورزی، مکلف است در چهارچوب قوانین و در راستای کارآمدسازی ظرفیت ها و توانمندسازی زنان روستایی و عشایر نسبت به تدوین برنامه توسعه کسب و کارهای خرد روستایی بر اساس مزیت رقابتی مناطق و تکمیل زنجیره ارزش، ایجاد شبکه ملی تعاونی های زنان با هدف آموزش چرخه تولید و بازاریابی، خود تنظیم گری و رتبه بندی تعاونی ها، ارائه تسهیلات اشتغال زایی و حمایت های مالیاتی از تعاونی ها، بر اساس نظام رتبه بندی و راه اندازی بازارهای محلی اقدام نماید

نکته: اثری از نمونه های این بند در برنامه اعلامی جهاد کشاورزی نیست.

پیشنهاد: جهاد کشاورزی می تواند از راه های مختلفی به کارآمدسازی ظرفیت ها و توانمندسازی زنان روستایی و عشایر کمک کند. در زیر به برخی از این راه ها اشاره شده است

اجرای برنامه های آموزش و ترویج: برگزاری دوره های آموزشی و کارگاه های عملی برای افزایش مهارت های فنی و مدیریتی زنان در زمینه های کشاورزی، دامداری و صنایع دستی.

دسترسی به منابع مالی: ارائه تسهیلات مالی و اعتباری با شرایط مناسب برای زنان روستایی و عشایر تا بتوانند کسب و کارهای خود را توسعه دهند.

توسعه بازاریابی و فروش: ایجاد شبکه های بازاریابی و فروش محصولات تولیدی زنان، به خصوص در بازارهای محلی و بین المللی.

حمایت از تعاونی‌ها؛ تشویق و حمایت از تشکیل تعاونی‌های زنان برای افزایش قدرت چانه‌زنی و دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر. فراهم‌سازی زیرساخت‌ها؛ بهبود زیرساخت‌های روستایی مانند جاده‌ها، آب و برق که می‌تواند به افزایش کارایی و بهره‌وری زنان کمک کند. مشاوره و پشتیبانی فنی؛ ارائه خدمات مشاوره‌ای و پشتیبانی فنی به زنان برای حل مشکلات و چالش‌های موجود در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری. ترویج فناوری‌های نوین؛ معرفی و آموزش فناوری‌های نوین کشاورزی که می‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد و کار را برای زنان آسان‌تر کند. با اجرای این اقدامات، جهاد کشاورزی، می‌تواند نقش مؤثری در توانمندسازی و ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی و عشایر ایفا کند

جدول ۶- ذیل ماده ۳۳ قانون برنامه هفتم توسعه

هدف کمی	واحد متعارف	سنجه عملکردی
۱۰	درصد (سالانه)	کاهش سهم هر یک از محصولات دارای آلاینده‌های غیرمجاز از محصولات پرمصرف
انتهای برنامه، کاهش واردات به ۲۵ درصد می‌رسد	درصد (سالانه)	کاهش واردات نهاده‌های دامی تراریخته
افزایش سالانه حداقل ۴ درصد، (در پایان برنامه حداقل ۲۰ درصد)	درصد	سهم جوجه سویه آراین از سویه‌های موجود برای جوجه‌ریزی مرغ گوشتی
افزایش سالانه حداقل ۱۰ درصد (در پایان برنامه حداقل ۵۰ درصد)	درصد	سهم بازار داخلی مرغ سایز (مرغ سلامت‌محور)

نکته: به عنوان نمونه بعضی از ارقام جدول ذکر شده است. اثری از آنها در برنامه اعلامی جهاد کشاورزی نیست، البته ممکن است، در این خصوص اختیاری هم نداشته باشند. به عنوان نمونه، تمایل به جوجه سویه آراین، موضوعی است که نیاز به بررسی دارد تا مشخص شود سازمان جهاد کشاورزی تا چه حد توان مداخله دارد

بند (ت) ماده ۳۳ قانون برنامه هفتم

۱- وزارت جهاد کشاورزی، حداکثر ظرف ۶ ماه از لازم الاجرا شدن این قانون، نسبت به تولید و صادرات محصولات گلخانه‌ای بزرگ مقیاس در قالب شهرک‌های کشاورزی و قطب‌های کشاورزی مطابق با ضوابط قانونی و مقررات حاکم بر آنها و مناطق مربوط اقدام قانونی به عمل آورد

نکته: در برنامه اعلامی سازمان جهاد کشاورزی به گلخانه‌های مستقر یا در حالت کلی شهرک‌های کشاورزی اشاره‌ای نشده است. این موضوع بهره‌وری بهینه را تحت شعاع قرار می‌دهد

پیشنهاد: شرکت شهرک‌های کشاورزی، به عنوان یکی از شرکت‌های توسعه‌ای سازمان جهاد کشاورزی، می‌بایست بیشتر مورد توجه قرار گیرد. لازم است با لحاظ کردن محدودیت



از پساب در اولویت هستند نکته: علی‌رغم اهمیت تأمین آب صنایع، برنامه‌ای از ناحیه سازمان صنعت ارائه نشده است و اصلاً اشاره‌ای به صنایع کمتر آب بر و محدودیت‌های آن نشده، برعکس بعضی از طرح‌های در دست تکمیل استان آب‌بر (صنایع فولادی) هستند

پیشنهاد: در اسرع وقت سازمان صمت و شرکت آب منطقه‌ای نسبت به تعیین واحدهای آب بر بزرگ جهت بازتخصیص آب مصرفی اقدام و زمان بندی تأمین آب جایگزین با اولویت منابع آبی نامتعارف را به ایشان ابلاغ نمایند.

ماده ۴۶ قانون برنامه هفتم

ماده ۴۶ - به منظور مدیریت و کاهش شدت انرژی، اقدامات زیر انجام می‌گیرد: ۱- وزارتخانه‌های نفت، نیرو، صنعت، معدن و تجارت و کشور مکلفند، به منظور رفع ناترازی‌های انرژی و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در تأمین برق کشور، در قالب ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، نسبت به اتخاذ تمهیدات لازم جهت توسعه احداث نیروگاه‌های خورشیدی و بادی، نیروگاه‌های خودتأمین در بخش‌های صنایع کوچک و متوسط، کشاورزی، تجاری، عمومی، اداری و خانگی، برقی‌سازی خودروها با اولویت اتوبوس‌های شهری، تاکسی‌ها، موتورسیکلت‌ها و تأمین سرمایش و گرمایش ساختمان‌ها در استان‌های ساحلی جنوب کشور با استفاده از مکنده (پمپ) های حرارتی زمین گرمایی اقدام نمایند

نکته: اداره صنعت و معدن استان

منابع آبی نسبت به گسترش شهرک‌های کشاورزی در استان که با اولویت گلخانه‌ها خواهد بود، بیشتر اقدام گردد

سازمان صنعت، معدن و تجارت

تبصره (۲) بند (ت) و بند (ث) ماده ۳۹ قانون برنامه هفتم

تبصره ۲- دولت، مکلف است نسبت به افزایش بهره‌وری آب کشاورزی، موضوع سیاست‌های کلی برنامه هفتم از طریق سایر روش‌ها به غیر از مواردی که موضوع این بند است، اقدام قانونی به عمل آورد.

ث- وزارت نیرو مکلف است با همکاری وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و نفت و سازمان حفاظت محیط زیست به منظور کاهش آب مصرفی بخش صنعت و معدن، ظرف سه ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون، نسبت به باز تخصیص آب مصرفی صنایع بزرگ آب بر در سراسر کشور و ابلاغ زمان بندی تأمین آب جایگزین با اولویت منابع آبی نامتعارف اقدام نماید. در پایان زمان بندی ابلاغ شده، بهای آب متعارف تحویلی یا برداشتی صنایع بزرگ آب‌بر در صورت وجود ظرفیت منابع آبی نامتعارف و جایگزین در محدوده استقرار صنایع مزبور، معادل متوسط بهای تمام شده طرح‌های تأمین آب جایگزین تعیین می‌گردد. منابع حاصل، به حساب درآمد شرکت مدیریت منابع آب ایران، نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و متناسب با وصول درآمد، صرف اجرای طرح‌های استانی و ملی بخش آب و فاضلاب مصوب در قوانین بودجه سنواتی می‌گردد. شهرک‌ها و نواحی صنعتی و صنایع و معادن مشمول این بند در دریافت تسهیلات و مزایده استفاده

همدان، هیچ برنامه‌ای در این خصوص ارائه نکرده است
پیشنهاد: لازم است اداره صنعت، معدن و تجارت استان همدان، ارائه برنامه‌های ترویجی در خصوص نیروگاه های خودتأمین را با تأکید بر مدیریت نحوه تأمین سوخت آنها در دستور کار قرار دهد.

بند (۵) ماده ۴۸ قانون برنامه هفتم

۵- وزارت صنعت، معدن و تجارت، مکلف است با اقدامات و راهکارهای لازم و با رعایت قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی و همچنین از طریق انتقال دانش فنی و فناوری (تکنولوژی)، عمق متوسط اکتشاف ذخایر معدنی را به میزان متوسط عمق اکتشاف جهانی برساند

نکته: اداره صنعت و معدن استان همدان، هیچ برنامه‌ای در این خصوص ارائه نکرده است

پیشنهاد: سازمان صمت لازم است با رصد معادن استان، معادنی که ظرفیت افزایش عمق اکتشاف را دارند شناسایی و از آنها نسبت به ارائه برنامه افزایش عمق درخواست نماید. همچنین، تمدید پروانه معاون را منوط به ارائه برنامه و پیاده‌سازی آن توسط معادن کند

بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه هفتم

ت- وزارت صنعت، معدن و تجارت با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط، مکلف است نسبت به تهیه سند «راهبرد ملی پیشرفت صنعتی و ارتقای زنجیره های ارزش کشور» بر مبنای معیارهای آمایش سرزمین و توسعه متوازن، نفی خام فروشی و تکمیل زنجیره ها، تحرک بخشی به صادرات و انتشار فناوری‌های نوین و با تکیه بر مزیت‌ها و اولویت‌های کشور از جمله صنایع برق و ریز (میکرو) الکترونیک، خودروسازی با اولویت خودروهای برقی و برقی- بنزینی (هیبریدی)، ماشین- سازی و ساخت تجهیزات، صنایع پایین دستی نفت و گاز و پتروشیمی، معدن با اولویت مس و عناصر نادر خاکی، خدمات فنی مهندسی، نساجی و پوشاک و بازیافت، همراه با اخذ نظرات اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی ایران، تعاون ایران و اصناف ایران، در چهارچوب الزامات و طی تشریفات قانونی اقدام نموده و ظرف سه ماه از لازم الاجرا شدن این قانون، آن را به تصویب هیأت وزیران برساند

نکته: در حوزه توسعه زنجیره ارزش در استان همدان، زنجیره‌های ارزش در نظر گرفته شده، فاقد ارزش فناورانه قابل توجه هستند. تجربه پیشین استان همدان در توسعه خوشه صنعتی پوشاک، نیز چندان موفق نبوده است. با فرض موفقیت پروژه‌های قبلی، این سؤال مطرح می‌شود که چرا مجدداً بر این حوزه تأکید می‌گردد؟ به نظر می‌رسد، ظرفیت‌های موجود واحدهای تولیدی و مشاوران استان، در طول سال‌های گذشته در این زمینه به کار گرفته شده است. در شرایط حساس کنونی، تمرکز بر حوزه پوشاک که فاقد پتانسیل فناورانه ممتاز است، به معنای استهلاک منابع این طرح در استان همدان خواهد بود

شرکت توزیع برق:

بند (پ) ماده ۴۸ قانون برنامه هفتم

۱- واحدهای صنعتی، معدنی و کشاورزی مجاز هستند نسبت به طراحی و اجرای طرح‌های



تولید یا ارتقای بهره‌وری برق اقدام نمایند. وزارتخانه‌های نیرو، نفت و جهاد کشاورزی و صنعت، معدن و تجارت مکلفند با استفاده از زیرساخت‌های موجود در اختیار خود، در قبال دریافت هزینه مربوط (پس از واریز به خزانه داری کل کشور) نسبت به اجرای این حکم اقدام نمایند، به‌طوری که برق تولید یا صرفه‌جویی شده را بدون اعمال محدودیت، وفق قراردادی که با وزارت نیرو منعقد می‌نماید در اختیار واحدهای مذکور یا واحدهای طرف قرارداد آنها قرار دهند. قطع برق این واحدها متناسب با مقادیر تولید یا صرفه‌جویی شده آنها و تعیین سقف برای این واحدها در تأمین برق از این محل، ممنوع است. در اجرای این جزء، رعایت ماده ۴ قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق، ضروری است

نکته: در خصوص موضوع برق مرتبط به صنعت، در برنامه توزیع برق، موضوعی عنوان نشده است. احتمالاً هیچ‌یک از واحدهای صنعتی از موضوع اطلاع ندارند و طبیعتاً وظیفه توزیع برق، بر عهده استان است که در این خصوص، اطلاع‌رسانی نماید

پیشنهاد: ارائه برنامه ترویجی در خصوص اطلاع‌رسانی موضوع توسط شرکت توزیع و با همکاری صمت استان
حمل و نقل و پایانه‌ها

ماده ۵۶- در اجرای بندهای (۱۰) و (۱۱) سیاست‌های کلی برنامه هفتم و به منظور تحقق اهداف کمی زیر مطابق با احکام این فصل، اقدام می‌شود
سهم حمل و نقل راه آهنی از جابه‌جایی کل بار زمینی داخلی. (۳۰ درصد)
نکته: خطوط راه‌آهن در همدان، بسیار کوتاه بوده و ظرفیت باری و مسافری آن نیز به هیچ وجه، با برنامه متناسب نیست

علوم پزشکی:

بند (ت) ماده ۲۲ قانون برنامه هفتم

ت - به استناد بند ۸ سیاست‌های کلی محیط زیست و به منظور توسعه اقتصاد سبز و صنعت کم کربن و تقویت سازگاری و کاهش آسیب‌های ناشی از تغییر اقلیم، سازمان حفاظت محیط زیست مکلف است، با همکاری وزارتخانه‌های نفت، نیرو، صنعت، معدن و تجارت، راه و شهرسازی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نسبت به تدوین برنامه مدیریت تغییرات اقلیمی کشور، طی سال اول برنامه اقدام و ترتیبات قانونی مورد نیاز را اعمال نماید
۲- به منظور جلوگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار انسانی، حیوانی و ارتقای سطح بهداشت عمومی شهرها و روستاهای کشور، وزارت کشور، مکلف است با همکاری وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و جهاد کشاورزی، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و با رویکرد بهره‌گیری از ظرفیت تشکلهای سازمان‌های مردم‌نهاد، نسبت به تهیه و تدوین برنامه اجرایی جامع مشتمل بر تعیین نقش و وظیفه هر یک از دستگاه‌ها در مهار جمعیت حیوانات پرسه زن ناقل بیماری به انسان، اقدام نماید

نکته: در برنامه علوم پزشکی استان همدان، حتی یک برنامه غیردرمانی مشاهده

نمی‌شود. بخش عمده‌ای از وظایف حاکمیتی نظیر؛ بهداشت حرفه‌ای، بهداشت محیط، غذا و دارو ذیل دانشگاه علوم پزشکی است که اصلاً مشاهده نمی‌شود چه برسد به اینکه برنامه‌های گام بعدی مرتبط با برنامه هفتم باشد

پیشنهاد: بخش عمده‌ای از فرآیندهای سلامت به حوزه بهداشت محیط، بهداشت حرفه‌ای، پیشگیری و فناوری سلامت بر می‌گردد که در کنار امور درمانی، می‌تواند به تعالی سلامت جامعه کمک نماید. مقتضی است، دانشگاه علوم پزشکی همدان با لحاظ کردن این موضوع و به دور از کلیشه‌زدگی نسبت به ترسیم افق آینده حوزه سلامت استان اقدام نماید و در قالب برنامه عملیاتی به ذکر موارد مورد نظر، اقدام نماید

ماده ۶۹ قانون برنامه هفتم

۱- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مکلف است با هدف ایجاد نظام هوشمند اطلاعات سلامت و استقرار کامل پزشک خانواده و نظام ارجاع در بستر الکترونیکی، ظرف دو سال از لازم الاجرا شدن این قانون، با آماده‌سازی مراکز امن داده و استقرار امضای الکترونیکی، کلیه سامانه‌های مراکز ارائه دهنده خدمات و کالای سلامت از جمله سامانه‌های بیمارستانی، نسخه نویسی و نسخه پیچی سرپایی، نرم افزارهای حوزه بهداشتی (سطح اول خدمات سلامت)، سامانه پایش و ممیزی اسناد سلامت و سامانه‌های خود مراقبتی را به صورت یکپارچه به یکدیگر متصل نموده و با جمع‌آوری کلیه داده‌های سلامت تولید شده از این مبادی و ذخیره سازی امن و متمرکز آنها در پایگاه ملی سلامت، مبتنی بر قانون مدیریت داده ها و اطلاعات ملی، ضمن صیانت از اطلاعات سلامت شهروندان، نسبت به در اختیار قرار دادن اطلاعات موجود به پزشکان معالج یا هر فرد یا گروهی که قانوناً یا بر اساس مجوز اخذ شده از مالک اصلی اطلاعات که شهروندان هستند و امکان استفاده از آنها را دارد، اقدام نماید. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است، ظرف سه ماه از لازم الاجرا شدن این قانون، سند نقشه راه سلامت الکترونیک کشور با هدف استقرار نظام معماری یکپارچه سلامت الکترونیک را تهیه نموده و به تصویب هیأت وزیران برساند

بند (پ) ماده ۷۰ قانون برنامه هفتم

پ- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است، در اجرای نظام شبکه بهداشتی- درمانی کشور، مشتمل بر مراقبت‌ها و خدمات یکپارچه بهداشتی، تشخیصی، درمانی، مراقبتی، دارویی، توان‌بخشی سرپایی و بستری با اولویت بهداشت و پیشگیری، تا پایان سال اول اجرای برنامه، نسبت به استقرار برنامه پزشک خانواده و نظام ارجاع برای تمامی جمعیت کشور با استفاده از تمامی ظرفیت‌های حرف تخصصی دولتی و غیردولتی اقدام نماید. همزمان با استقرار کامل برنامه مذکور، شورای عالی بیمه سلامت کشور، مکلف است نسبت به هماهنگی پرداخت مشوق‌های تعیین شده در برنامه برای توسعه کمی و کیفی بسته بیمه پایه سلامت و اصلاح نظام پرداخت بیمه‌ای مطابق جزء ۷ بند ۹ سیاست‌های کلی سلامت، اقدام قانونی لازم را اعمال نماید

نکته: موضوع پزشک خانواده در برنامه اعلامی علوم پزشکی استان نیست.

پیشنهاد: از آنجا که موضوع مورد تأکید، بندهای زیادی از برنامه هفتم توسعه است



و البته با هماهنگی کلی می‌بایست صورت گیرد و طبیعتاً نباید انتظار داشت که در سطح استان، عملیاتی شود، لازم است آخرین وضعیت طرح و رتبه استان در کشور، مورد بررسی قرار گیرد

آموزش و پرورش:

بند (ح) ماده ۸۹ قانون برنامه هفتم

ح- وزارت آموزش و پرورش مکلف است، نسبت به ایجاد فضای ورزشی درون مدرسه ای و تخصیص نیروی انسانی، تجهیزات، امکانات و منابع مالی مورد نیاز فدراسیون ورزش دانش آموزی و هیأت‌ها و انجمن های ورزشی تابعه آن، دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی، در جهت جبران خدمات معلمان تربیت بدنی در ساعات غیرموظف و راه اندازی کانون‌های تربیتی- تندرستی و باشگاه‌های استعدادیابی ورزشی در سطح استان‌های کشور، اقدام نماید نکته: در برنامه آموزش و پرورش، چنین مواردی مشاهده نشد.

پیشنهاد: به این منظور، ارائه برنامه مشترک استعدادیابی آموزش و پرورش و تربیت بدنی پیشنهاد می‌گردد. می‌بایست این برنامه استعدادیابی مبتنی بر عدالت آموزشی در برگرفته کلیه شهرستان‌های استان باشد

فرهنگ و ارشاد اسلامی

بند (ر) ماده ۷۵ قانون برنامه هفتم

ر- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مکلف است با همکاری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی ایرانی، تقویت همبستگی ملی با محوریت معرفی مفاخر و اندیشمندان علمی و فرهنگی کشور، نسبت به مطالعه زیرساخت اقلیم های فرهنگی کشور اقدام نماید

نکته: مطالعه زیرساخت اقلیم‌های فرهنگی همدان، در برنامه ارشاد، ذکر نشده است

پیشنهاد: در حوزه فرهنگ، سال‌ها است دستگاه‌های مختلف فرهنگی استان، عمدتاً با الگوبرداری از سایر استان‌ها برنامه‌هایی که در برخی موارد با یکدیگر موازی هستند را اجرا کنند. پیشنهاد می‌شود ضمن استفاده از تجربیات مشابه سایر استان‌ها، با لحاظ نمودن سند فرهنگی استان (در سال ۱۴۰۱ ش)، مبتنی بر زیست بوم مناطق مختلف استان، نسبت به مطالعه زیرساخت‌های اقلیمی فرهنگی همدان و مهم‌تر، اجرای آن اقدام گردد. موضوع توجه به اجرای چنین اسنادی، چه بسا از تدوین صرف آنها مهم‌تر باشد؛ لذا برنامه عمل مبتنی بر آن نیز لازم است که تدوین و اجرا گردد

پارک علم و فناوری

ماده ۹۳ قانون برنامه هفتم

ماده ۹۳- در اجرای بند ۲۰ سیاست‌های کلی برنامه هفتم و به منظور تحقق اهداف کمی زیر، مطابق با احکام این فصل با رعایت موازین شرعی و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، اقدام می‌شود

نسبت شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان حوزه صنایع فرهنگی، صنایع خلاق، علوم انسانی و

اجتماعی به کل شرکت‌های دانش بنیان:
۱۰ درصد

نکته: هدف برنامه پارک علم و فناوری، افزایش تعداد شرکت‌های خلاق از ۵ به ۸ است که این میزان، حتی معادل ۱۰ درصد شرکت‌های دانش بنیان نیست. با توجه به اینکه شرکت‌های فناور برای رسیدن به سطح دانش بنیان، راه بسیاری در پیش دارند و احتمال دانش بنیان شدن این تعداد اندک نیز، پایین است. شایان ذکر است که ظرفیت استان در زمینه ایجاد شرکت‌های خلاق، نیازمند بررسی و ارزیابی دقیق است.

پیشنهادهای اساتید دانشگاه‌ها، عموماً از پتانسیل علمی مناسب در زمینه دانش پایه برای راه‌اندازی چنین کسب و کارهایی برخوردارند، اما تمایل به ورود در این عرصه در بین این افراد کمتر مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد، عوامل متعددی در این موضوع دخیل هستند. با این حال، در چهارچوب توانمندی دستگاه‌های استانی، تمرکز بیشتر بر ترویج این موضع در بین اساتید و دانشجویان، به ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، می‌تواند موجب افزایش انگیزه و اشتیاق آنان شود.

پ- به منظور اجرای قانون جهش تولید دانش بنیان و توسعه زنجیره ارزش تولید و عبور از خام فروشی، صادرات کلیه مواد و محصولات معدنی، صنایع معدنی فلزی و غیرفلزی و محصولات نفتی، گازی و پتروشیمی مندرج در فهرستی که توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت و با همکاری

وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، نفت و معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد در تمام نقاط کشور، مشمول مالیات بر درآمد و عوارض می‌شود. میزان قطعی این عوارض، سالانه توسط دستگاه‌های مذکور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. کلیه منابع درآمدی موضوع این بند و نیز حقوق ورودی ماشین آلات و تجهیزات خطوط تولید، صنعتی، معدنی و کشاورزی با پیش‌بینی در قوانین بودجه سنواتی و با رعایت اصل ۵۳ قانون اساسی در راستای اجرای قانون جهش تولید دانش بنیان در اختیار معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری قرار می‌گیرد، به نحوی که معادل ۵۰ درصد این منابع، صرف افزایش سرمایه صندوق نوآوری و شکوفایی شود. این معاونت، مکلف است گزارش عملکرد خود را هر ۶ ماه یک بار، در اختیار مجلس و سازمان قرار دهد
ت- دولت- معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری- مکلف است با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و سازمان و با هدف تأمین زیرساخت یکپارچه مورد نیاز در جهت بهبود زیست بوم فناوری در حوزه‌های پیشران و اقتدار آفرین، جذب و توانمندسازی نخبگان و تسهیل دسترسی به زیرساخت‌ها با مشارکت بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت‌های قانون جهش تولید دانش بنیان، در حوزه‌های زیر، در سقف بودجه مصوب اقدامات لازم را انجام دهد: ۱- هوش مصنوعی ۲- بار الکتریکی (کوانتوم) ۳- زیست مهندسی



مصنوعی، از سوی دستگاه‌ها دولتی، نیاز مبرمی وجود دارد.

دانشگاه‌ها

مواد ۷۲، ۹۳ و ۹۸ قانون برنامه هفتم

ماده ۷۲- به منظور تبدیل جمهوری اسلامی ایران، به قطب تأمین سلامت منطقه جنوب غرب آسیا، دستیابی به صادرات سالانه بیش از یک میلیارد یورو دارو و ایمن ساز (واکسن) و بیش از یک میلیارد یورو تجهیزات پزشکی، افزایش درآمد سالانه کشور از گردشگری سلامت به ۶ میلیارد یورو و افزایش درآمد سالانه حاصل از جذب دانشجویان خارجی در رشته‌های علوم پزشکی به بیش از ۷۰۰ میلیون یورو، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مکلف به انجام اقدامات زیر است

ماده ۹۳

شمار دانشجویان خارجی (حضوری و الکترونیکی) ۳۲۰۰۰۰ نفر
ماده ۹۸

ب- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مکلفند با همکاری وزارت امور خارجه، دانشجویان خارجی را در سقف ظرفیت دانشگاه‌های دولتی، غیردولتی و دانشگاه آزاد اسلامی با توسعه برنامه‌های تبادل دانشجوی و تسهیل شرایط لازم برای پذیرش، رقابتی کردن قیمت‌گذاری شهریه، تقویت تبادل‌پذیری برنامه‌های درسی دانشگاه‌های کشور با دانشگاه‌های خارجی هدف و تسهیل حضور در دوران تحصیل به ویژه اعطای حق اقامت به مدت تحصیل، ورود و خروج مکرر، کار پاره وقت، بیمه درمانی و خدمات بانکی به

۴- مواد و ساخت پیشرفته ۵- ریزفناوری و ریزالکترونیک (میکروالکترونیک) ۶- فناوری‌های عصبی، مغز و علوم شناختی، آئین‌نامه اجرائی این بند، توسط معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری با همکاری سازمان تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد

نکته: در برنامه‌های پارک علم و فناوری با توجه به اینکه پارک‌ها، متولی اصلی فناوری هستند در حوزه‌های ملی، نظیر تأمین مالی بند فوق در برنامه پارک، موردی دیده نمی‌شود

پیش‌نهاد: در برنامه راهبردی استان همدان (۱۴۰۴-۱۴۰۲ش). صرفاً از میان دستگاه‌ها پارک علم و فناوری بر افزایش شرکت‌های دانش بنیان از ۱۵ به ۳۰ شرکت، برنامه‌ای ارائه شده است، که کیفیت فعالیت شرکت‌های گزارش شده نیز جای سؤال دارد. سایر دستگاه‌ها، فعالیتی در این حوزه ندارند، البته در حوزه توسعه بازار هوش مصنوعی در استان اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان همدان، پروژه‌های نظارت جاده‌ای و همچنین اداره کل محیط زیست، ذیل پروژه هوشمندسازی حفاظت از مناطق، فعالیت تعریف نموده‌اند، که ذیل حوزه پردازش تصویر و هوشمندسازی قرار می‌گیرد. از سایر دستگاه‌ها، نظیر مخابرات و اداره کل فناوری، اطلاعات موردی در سند نیست. به فرض وجود فناور در صورتی که بازاری برای ایشان تعبیه نشود، نمی‌توان بر ادامه رشد آنها امید داشت. بخشی از بازار نیز، ۲- (ارتباط بنگاه با دولت) است که اتفاقاً در برخی حوزه‌ها نظیر هوش

دانشجویان خارجی پذیرش نمایند
نکته: در برنامه راهبردی استان همدان (۱۴۰۴-۱۴۰۲ ش.) هر چند بر جذب دانشجوی خارجی با آمار گنگ تأکید شده است- به عنوان نمونه صفحه ۳۳۵ در خصوص دانشگاه صنعتی بر افزایش ۱۸ درصدی، تأکید دارد، حال آن که آمار پایه سال صفر بوده است. (افزایش ۱۸ درصدی از صفر) با این حال، به نظر می رسد دانشجویان خارجی در دو دانشگاه بوعلی سینا و علوم پزشکی تعداد مطلوبی دارند، اما تعریف دانشگاه، صرفاً تحصیل در مدت زمان محدود در دانشگاه است و رویکرد راهبردی در این خصوص، در برنامه دانشگاه‌ها شبیه به آنچه گفته شد، دیده نمی‌شود

پیشنهاد: از ظرفیت دانشجویان خارجی در این حوزه بهره گرفته شود. این اقدام، علاوه بر کمک به تعمیق روابط بین کشورها به توسعه ظرفیت صادرات کالای کشور که از نظر سطح پیچیدگی می‌توانند در کشورهای مشابه بازار داشته باشند نیز یاری می‌رساند. عمده دانشجویان مستقر در ایران از کشورهای هستند که دارای روابط حسنه اقتصادی و سیاسی با ایران هستند، از طرف دیگر، سطح پیچیدگی اقتصادی کشورهای مبدأ دانشجویان که نمایانگر سطح فناوریانه تولیدات کشورهای مختلف است، دارای رتبه مشابه و یا پایین‌تر

از کشورمان است که برای محصولات و فناوری‌های پیشرفته ایران، بازار بالقوه به حساب می‌آید. بسیاری از این دانشجویان در رشته‌های فنی، مرتبط با صنعت یا کسب و کار در حال تحصیل بوده و یا حداقل به دنبال راه‌اندازی کسب و کار مخصوص به خود در کشور مبدأ خویش هستند، حتی در رشته‌های غیرفنی نظیر رشته‌های پزشکی نیز خیل عظیمی از محصولات حوزه تجهیزات پزشکی، در کشور وجود دارد که قابل رقابت با محصولات بهترین کشورهای دنیا است و دانشجویان خارجی این رشته‌ها نیز می‌توانند مشتریان بالقوه محصولات سرمایه‌ای و مصرفی این حوزه باشند

بیشتر این دانشجویان به دلیل تحصیلات خود از نخبگان کشور خواهند شد و البته بسیاری از آنها به دلیل پیشینه خانوادگی یا تحصیلی قبلی نیز، همزمان در کشور مبدأ در این جایگاه قرار دارند. متأسفانه خیل عظیمی از این دانشجویان پس از فارغ التحصیلی و خروج از کشور، ارتباط چندانی با ایران ندارند و نخواهند داشت، حال آن که کشورمان دارای پتانسیل بسیار مناسبی در حوزه‌های فنی، در جهت ارائه خدمات و محصولات فناوریانه به این کشورها است. همچنین برای این فارغ‌التحصیلان در آینده، به دلیل آشنایی با زبان، فرهنگ و ساختار کشور، تمایل به ارتباط بیشتر با ایران وجود دارد. شرایط زندگی در کشور خارجی چون ایران و تحصیل، فرصت آشنایی با پتانسیل‌های صنعتی و فناوریانه کشور را فراهم نمی‌کند و بسیاری از آنها به جزء دانشگاه محل تحصیل، امکان شناخت محیط پیرامونی خود را ندارند و یا راهی



برای ارتباط مناسب در این خصوص، نمی‌یابند

هم اکنون، بسیاری از صنایع کشور، به خصوص صنایع نوپا و فناوری، تشنه کسب بازارهای جدید و صادرات محصولات خود هستند و تلاش‌های بسیاری نیز در این حوزه داشته‌اند که علی‌رغم موفقیت‌هایی که دیده می‌شود، بسیاری نیز به دلیل نداشتن کانال‌های مناسب و عدم شناخت بازار کشور هدف، به نتیجه‌ای در بر نداشته است. با توجه به آنچه گفته شد اتصال دانشجویان با جریان جاری فناوری و صنعت در کشور، فرصت مناسب و برد-بردی برای آنها و کشور است که از پتانسیل‌های دو طرف، بهره ببرند

با توجه به آنچه در تطبیق برنامه راهبردی استان همدان، بین سال‌های ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۲ ش. با برنامه هفتم توسعه مشاهده شد، عدم تطابق وسیع این دو با یکدیگر بود که تلاش‌های صورت گرفت تا با ارائه پیشنهاداتی نسبت به اصلاح و افزایش تطابق برنامه‌های اجرایی دستگاه‌های استان با برنامه هفتم، اقدام گردد. همچنین، در ادامه نکاتی در این خصوص بیان می‌گردد

۱- بخش عمده‌ای از مواد و احکام برنامه هفتم وجهه کشوری دارد و در چهارچوب عملیاتی دستگاه‌های استانی نیست و استان‌ها در این حالت، تنها حالت تسهیل گر دارند

۲- هر چند، سال شروع برنامه هفتم توسعه، ۱۴۰۳ ش. است و زمان تدوین برنامه راهبردی استان که عملاً برنامه آتی دستگاه‌های اصلی اجرایی است، تابستان ۱۴۰۲ ش؛ یعنی ۶ ماه قبل تر است، اما از آنجا که طی هماهنگی با سازمان برنامه و بودجه استان، بازنگری نیز در برنامه انجام نشده است، می‌توان تصور نمود در بهترین حالت، برنامه راهبردی سه ساله استان، عملاً آن چیزی است که هم اکنون، در حال انجام است. در این حالت، نقاط افتراق برنامه راهبردی و برنامه هفتم توسعه بیشتر رخ می‌نمایند. خاصه آنکه عملاً دو سال از برنامه هفتم و احکام آن خواهد گذشت و استان، درگیر برنامه‌ای دیگر است

۳- به نظر می‌رسد برنامه راهبردی سه ساله استان، نه برنامه‌ای در راستای پیشرفت، بلکه در مورد عمده دستگاه‌ها برنامه‌ای در جهت گذران روزمره است. فعالیت‌ها و پروژه‌های اعلامی دستگاه‌ها همان‌طور که مشخص است، فاقد وجهه توسعه‌ای است و بر حفظ وضع موجود و نهایتاً اندکی بهبود (به فرض که هدفگذاری هم درست باشد) متمرکز است و نه حرکت به جلو، چالشی و قابل توجه؛ لذا با توجه به آنچه در بندهای دوم و سوم ذکر شد، پیشنهاد می‌گردد کلیه برنامه‌های اجرایی دستگاه‌های اجرایی مبتنی و مطابق با برنامه هفتم توسعه بازنویسی گردد

